

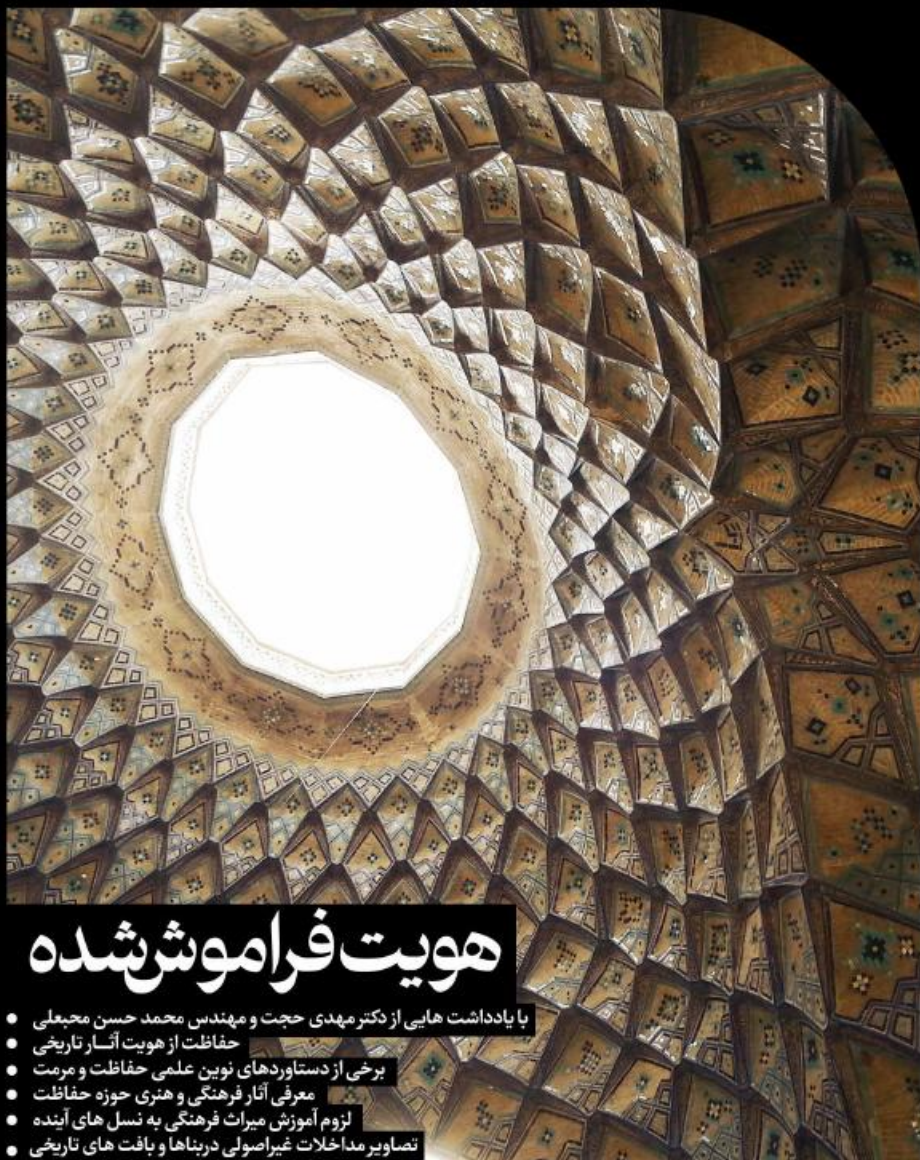
هورنتو

دانشگاه هنر

شماره نخست

پاییز ۱۳۹۷

بهاء ۵۰۰۰ تومان



هویت فراموش شده

- بایادداشت هایی از دکتر مهدی حجیت و مهندس محمد حسن محبعلی
- حفاظت از هویت آثار تاریخی
- برخی از دستاوردهای نوین علمی حفاظت و مرمت
- معرفی آثار فرهنگی و هنری حوزه حفاظت
- لزوم آموزش میراث فرهنگی به نسل های آینده
- تصاویر مداخلات غیراصولی در بناها و بافت های تاریخی



نشریه هورنو

شماره نخست / پاییز ۱۳۹۷ / بهاء ۵۰۰۰ تومان

تاریخ صدور مجوز: ۱۳۹۶/۱۲/۲۰

صاحب امتیاز: انجمن علمی حفاظت و مرمت میراث شهری و معماری
دانشگاه هنر

مدیر مسئول و سردبیر: حنا تاج احمدی
هیئت تحریریه: شیما ساعدی، زهرا شفیق زاده
علی فیضی، زهرا طالبی، سارگل گائینی
همکاران این شماره: آیدا رزاقی، میتا رضازاده، مژگان ربانی، حسن کلی

مدیر هنری و صفحه آرا: رضا آسایی
عکس روی جلد: حنا تاج احمدی

با سپاس از معاونت فرهنگی و اجتماعی دانشگاه هنر
پل‌ها ارتباطی با نشریه:

@hornomagazine | Hornomagazine1396@gmail.com

دفتر نشریه: تهران - خیابان حافظ - خیابان شهید سرهنگ سخایی
بعد از تقاطع ۳۰ تیر - شماره ۵۶



فهرست

- ۴ یادداشت سردبیر
- ۸ کسے کہ می خواهد وارد میراث فرهنگے شود اولین چیزی کہ باید داشته باشد سلامت نفس است | دکتر مهدی حجت
- ۱۰ هیچ برنامه ریز و مدیری نباید به خود اجازه دهد تا بدون شناخت گذشته برای کشور تصمیمی بگیرد | مهندس محمد حسن محب علی
- ۱۳ حفاظت از هویت آثار تاریخی | مهندس مہرراد پرهیزکاری
- ۱۹ تأثیر کاربرد الیاف طبیعی، گچ، سیمان در مقاومت فشاری مصالح خستے | شیما ساعدی
- ۲۹ رویکردی در مدیریت خطر و حفاظت از میراث فرهنگے در محوطه های چند هویتے و چند مدیریتے | زهرا شفیق زاده
- ۴۱ اعطای کاربری سازگار به مغازه های سنتے چینے در پروژه های نوسازی شهری دولت هُنک کنگ | زهرا طالبی
- ۵۹ ابعاد اولویت های بصری مناطق شهری تاریخی؛ عوامل تعیین کننده حفاظت از میراث شهری روشے برای ارزیابے منظر تاریخی شهری | سارگل کاتبی
- ۷۵ روشی برای ارزیابی منظر تاریخی شهری | حنانه تاج احمدی
- ۸۵ لزوم آموزش حفظ میراث فرهنگے به کودکان | آیدا رزاقی، مینا رضا زاده
- ۹۰ فیلم مردان آثار تاریخی | علی فیضی
- ۹۲ گزارش تصویری



«متأسفانه»

دست جفاکاران، آثار و نتایج زحمات

اجداد ما را محو و خراب نموده و چون می‌خواهیم

به چگونگی آن‌ها پی ببریم به وسایل غیرمستقیم باید

متوسل شویم. اما آیا کلمات حکیمانه که از بزرگان و پادشاهان ما

منقول است، دلیل بر بزرگواری و بلند نظری آنان نیست؟ آیا اهمالی که

برای دست یافتن بر خزائن حکمت و معرفت و مانند «کلیله و دمنه» و امثال آن

داشتند نشانه‌ی دانش‌پروری ایشان نتواند؟ آیا آثار صنعتی که در خرابه‌های قصور

آن‌ها دیده می‌شود دلالت تامه بر هنرپروری و ذوق فطری ایشان ندارد؟ بزرگ منشی

و استعداد و دانشمندی ایرانیان، چنان بوده که همهی اقوام و مللی که با آن‌ها سر و کار

داشته‌اند حتی دانشمندان ایشان از آن‌ها به خوبی یاد می‌کرده‌اند و همه وقت نام ایرانی در

اذهان و خاطر مردم، شهامت و ملاطفت و ذوق و شور و ظرافت و حکمت و عرفان را به یاد

می‌آورده‌است. هرگاه به گفته‌های بزرگان دنیا از هر قوم و مملکت و هر دوره و زمان رجوع شود

و از دوست و دشمن از یونانی و رومی و عرب و یهود و هندو گرفته تا اقوام عدیده‌ی اروپایی و از

هرودوت و گزنفون و افلاطون تا ولتر و منتسکیو و ارنست رنان و مستشرقان گذشته و معاصر اگر

در کلماتشان تتبع شود، دفاتر چند می‌توان ترتیب داد از آن‌چه در حق ایرانیان گفته و به صراحت یا

کنایه و مستقیم یا غیرمستقیم، آنان را ستایش نموده‌اند.

«چرا باید ایران را دوست داشت؟» آنچه که مطرح شد بخشی از سیاست‌نامه به قلم محمدعلی

فروغی بود. غیرایرانی‌های بسیاری چون ریچارد فرای، از جمله کسانی هستند، که شیفته‌ی «ایران»

بودند و به مطالعه و شناخت تاریخ و فرهنگ این سرزمین پرداختند؛ وی در یکی از خاطراتش بیان

کرده که از ایرانی‌ها، ایرانی‌تر است، زیرا آنان که در ایران به دنیا آمده‌اند، حق انتخاب نداشتند؛

درحالی که او و امثال او، بیش از نیم قرن، درباره‌ی ایران مطالعه و پژوهش کرده و در ایران زندگی

کرده‌اند.

ما تازمانی که ایرانی بودیم، یعنی تاریخ، هنر و ادبیات، دین، اخلاق و ارزش‌ها، و به طور کلی،

«زندگی» خاص خود را داشتیم، هرگز نمی‌پرسیدیم که ایرانی بودن چیست. و درست از زمانی که

دیگر نتوانستیم به آن معنا «ایرانی» باشیم این حکم صادر شد که باید ایرانی بود. از آن پس بود

که «ایرانی بودن» به ذات خود ارزشی شد. کوششی که امروز برای «ایرانی» کردن همه چیز صورت

می‌گیرد، هیچ معنایی ندارد، مگر تکرار تاریخی که تکرار آن امکان ندارد.

بی‌گمان طبع بشری و خودخواهی انسانی ما، در پی یافتن «خود» و چسبیدن به آن و یافتن «اصالت»

آن است. و بسیاری از ما در زیر زمین تاریک و نمناک تاریخمان، به یاری شمعی که مفاهیم مدرن

تاریخ، فرهنگ و جامعه به دست ما داده، در میان خرت و پرت‌های درهم و برهم آن به دنبال این

خود و اسباب‌های اصالت آن گشته‌ایم؛ و بسا چیزها را نیز، بر حسب گرایش خود، نادیده گرفته‌ایم

یا غیربومی و تحمیلی دانسته‌ایم. ولی سرانجام با این گره‌ی ناگشودنی خود وامانده‌ایم؛ زیرا ابزارهای

شناخت ما بسیار ناکارآمد و ابتدایی بوده است.^۱

حفظ کردن و حفاظت نمودن؛ شاید خود ابزاری باشد، برای یافتن و نگهبانی کردن، از آن «خود

اصیل» و به معنای واقع «ایرانی». در این میان است که واژه‌ی حفاظت، جایگاه و معنی خود را پیدا

خواهد کرد و می‌تواند ابزاری کارا برای پیدا نمودن هویت و فرهنگ باشد. انسان؛ نیازمند حفاظت

از بستر حیات و دستاوردهای خویش است. حفاظت در گسترده‌ترین مفهوم آن، مسئولیت رفع

نگرانی از دست رفتن اصالت را بر عهده دارد.^۲ همانگونه که از معنای حفاظت پیداست، «حفظ و

نگهداری اثر در شکل طبیعی و اولیه خود به گونه‌ای که اثر بتواند به نیازهای امروزین پاسخ گوید و

با آنکه با تغییراتی چند، در شکل طبیعی، به حیات خود ادامه دهد. حفاظت، معمولاً برای جلوگیری

از فرسایش طبیعی یا انسان ساخت صورت می‌گیرد»^۳.

۱. آشوری، داریوش، ۱۳۸۴، ما و مدرنیت، تهران: موسسه فرهنگی صراط، ص: ۸۳-۸۵

۲. همان، ۱۶۴

۳. مهدی حجت

۴. حبیبی سید محسن؛ مقصودی، ملیحه، ۱۳۹۳، مرمت شهری، دانشگاه تهران، ص: ۲۰.

براستی

که آدمی هرآنچه را دوست بدارد،

در طلب حفظ آن از گزند و آسیب می‌کوشد تا

بتواند آن را برای همیشه حفظ نماید. در این راستا افرادی

هستند که زندگی خود را وقف حفاظت از میراث فرهنگی کرده و در

این حوزه به تحصیل، پژوهش، مطالعه، مرمت و نگهداری آثار می‌پردازند.

می‌توان ازین افراد با نام حفاظت‌گر یاد کرد. حفاظت‌گران کسانی خواهند بود که

مسئولیت راهنمایی و هدایت مردم در جهت حفظ میراث فرهنگی و یا به طور کلی

حفظ هویت، اصالت و فرهنگ را بر عهده دارند.

شاید بتوان اینطور مطرح نمود که غایت هدف حفاظت‌گران، حفاظت از هویت، اصالت و

فرهنگ ایران است. علی‌رغم آنکه میراث فرهنگی ایران، هیچ‌گاه از گزند آسیب‌های انسانی و

طبیعی در امان نبوده، اما؛ با وجود تمام مصائبی که کشیده همچنان، به مانند کوهی استوار به

حیات خود ادامه می‌دهد. چراکه هویت و «خود» ما در وطن ما قرار دارد.

حفاظت، خود ابعاد گوناگونی را شامل می‌شود که می‌توان اذعان نمود، یکی از ابعاد حفاظت از

میراث تمدن‌ها، در حوزه‌ی آموزش و معرفی، مطرح می‌شود. شاید امروزه در کشور ما در برخی از

امور، فنون مرمتی، اندکی پیشرفت کرده باشد، اما؛ در حوزه‌ی آموزش و معرفی میراث فرهنگی به

مردم و علی‌الخصوص جوانان، نوجوانان و کودکان که نسل‌های آینده‌ی کشور هستند، ضعیف

عمل کرده‌ایم و هنوز اقدامات کافی و لازمی در این حوزه صورت نگرفته است. در مدارس و

دانشگاه‌ها، بحث آموزش و چرایی حفاظت از میراث فرهنگی، در میان انبوهی از موضوعات مختلف

سیاسی، علمی و عمومی، جایگاهی ندارد، و حتی مرمت‌گران و حفاظت‌گران و رشته‌ی تحصیلی آنان،

هنوز در بین مردم به طور کافی شناخته شده نیستند.

نشریه‌ی «هورنو» به عنوان یک حفاظت‌گر، رسالت خود می‌داند که در راستای حفاظت، معرفی و

آموزش میراث فرهنگی گام بردارد و به سوالات بنیادی و اساسی که در این حوزه مطرح می‌شود،

پپردازد. از جمله آنکه امروزه فرهنگ و هویت ایرانی در جامعه ایران تا چه حد شناخته شده است؟

چه کسانی مسئول حفاظت از میراث فرهنگی ایران هستند؟ آیا آموزش و معرفی، نقشی در حفظ

هویت ایرانی دارد؟ کاستی‌های موجود در این حوزه کدامند؟ چرا در ایران هنوز در حوزه‌ی حفاظت

و مرمت، تنها به اجرای طرح‌های کالبدی راضی می‌شوند و مشارکت اجتماعی، احیا و ارتقاء تعاملات

و ارزش‌های اجتماعی جایگاه درستی در طرح‌های حفاظتی و مرمتی ندارند؟ فنون و تکنولوژی‌های

جدید مرمتی امروز کدامند؟ و... بخشی از مواردی است که قصد داریم در نشریه «هورنو» به پاسخ

آن‌ها بپردازیم.

هدف از به راه‌انداختن نشریه «هورنو»، این مهم بوده است، که گامی در راستای حفاظت از

هویت، اصالت و فرهنگ ایرانی برداشته و در این بین، به بیان مفاهیم، علوم و فنون جدید رشته‌ی

حفاظت و مرمت بناها و شهرهای تاریخی بپردازیم و مسائل و مشکلات این حوزه را مطرح نماییم.

شماره نخست نشریه «هورنو» با یادداشت‌هایی از پیشکسوتان و اساتید بزرگ این حوزه، چون

استاد محمدحسن محب‌علی و دکتر مهدی حجت مزین گشته است. همچنین با یادداشتی از

مهندس مهرزاد پرهیزکاری موضوع حفاظت از هویت آثار تاریخی مطرح شد. بخش دیگر نشریه

که حاصل راهنمایی دکتر علی زمانی‌فرد و تلاش دانشجویان کارشناسی ارشد حفاظت و مرمت

میراث شهری و معماری دانشگاه هنر است، شامل ترجمه‌ی مقالات معتبر نشریات بین‌المللی

و علمی-پژوهشی می‌شود و به معرفی علوم و فنون جدید و مسائل روز دنیا در حوزه‌ی حفاظت

و مرمت بناها و شهرهای تاریخی می‌پردازد. همچنین مقاله‌ای درمورد لزوم آموزش میراث فرهنگی

به کودکان ارائه گشته و دربخش معرفی آثار فرهنگی و هنری حوزه‌ی حفاظت میراث فرهنگی، به

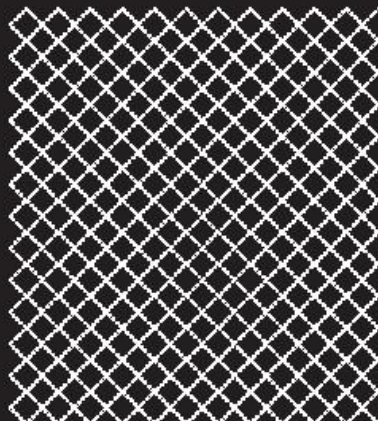
معرفی و نقد فیلم‌های ساخت شده در حوزه حفاظت میراث فرهنگی پرداخته‌ایم. در قسمت پایانی

نشریه، تصاویری از مداخلات و الحاقات غیراصولی و بعضاً غیرقانونی صورت گرفته در حریم بناهای

تاریخی که مسبب تخریب و نابودی حریم منظری آنان شده، تقدیم حضورتان می‌گردد.



یادداشت‌ها



مسجد جامع قزوین، میدان نجف زاده



دکتر مهدی حجت

از روسای اسبق و بنیانگذار سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری است وی دارای دکترای حفاظت از بناهای تاریخی از دانشگاه یورک انگلستان، و فوق لیسانس معماری دانشگاه تهران است. یادداشت زیر برگرفته از سخنرانی دکتر مهدی حجت، به مناسبت هفته پژوهش، با موضوع «مسئولیت اخلاقی و حرفه‌ای متخصص حفاظت از میراث فرهنگی» در دانشکده حفاظت و مرمت دانشگاه هنر است.



کسے کہ می‌خواهد وارد میراث فرهنگی شود اولین چیزی که باید داشته باشد سلامت نفس است

ما نقطه‌ای در انتهای یک خطیم، امروز متأثر از نیرویی است که از گذشته به ما وارد می‌شود، آنچه در گذشته است اگر با صداقت و دقت کامل شناخته نشود آن هنگام ما داریم به خودمان تهمت می‌زنیم، ما به وسیله‌ی دریافت‌هایی که از گذشته داریم می‌گوییم که چه کسی و در کجا هستیم.

اگر در راستای شناخت اثر اهتمام نوزیم به خودمان خیانت کرده‌ایم، ما صادقانه و با دقت باید بگوییم که ما چه کسی هستیم. یکی از دلایل اینکه آدمی نمی‌تواند آثار تاریخی را از بین ببرد این است که محصول افراد خلاق و هنرمندی بوده و دقایق بسیاری را صرف ساختن آن اثر کرده‌اند.

میراث فرهنگی محل خوب بودن یا بد بودن نیست، محلی است که نشان می‌دهد ما چه کسی هستیم. کسی که می‌خواهد وارد میراث فرهنگی شود اولین چیزی که باید داشته باشد سلامت نفس است، آدمی برای خودش کیفیت فردی ایجاد می‌کند، باید وقتی می‌خواهیم به گذشته نگاه کنیم بی‌غرض به آن بنگریم، زیرا گنجینه‌ای است که خودش راه برداشت درست را به ما نشان می‌دهد.

هدف این است که ما به یک ارتقاء ملی دست یافته باشیم، حرکت کردن به سمت یک مسیر حتما احتیاج به یک نیروی دارد، نوع مراجعه به گذشته و شرایطی که به وجود می‌آید و زحمتی که باید بکشیم، هرچه هست در گذشته ما هست. ما تصویر روشنی از کیستی خود نداریم.

چگونه می‌توانیم برای ملتی برنامه‌ریزی کنیم در حالی که ندانیم آنان کیستند؟ نقاط ضعف و قوتشان چیست؟ آن هنگام که ما مجموعه‌ای که از میراث فرهنگی داریم که کنار هم مانند پازل قرار چه تصویر کلی را نشان می‌دهند؟ باید آدم با آنچه در گذشته هست رفیق شود، موانست در درک ارزش‌های میراث فرهنگی موثر است، صداقت فردی، امانت داری، موانست در جوار تاریخ باید قرار بگیرد تا وارد میراث فرهنگی شود، موسیقی و ادبیات و نقاشی و ... همه به هم مربوط هستند.

معماری یعنی ساخته شدن خود آدم معمار، چون دارد می‌اندیشد که محدودترین شکل زندگی انسان چیست؟ برای کسی که وارد میراث فرهنگی می‌شود، امکان شناسایی خود به معنای تاریخی «من بزرگ» فراهم می‌شود. ما آرام آرام به ظرفیت‌ها و توانایی‌هایی که داریم شناخته می‌شویم. ما احتیاج داریم برای اینکه با اخلاق و بامسئولیت رفتار کنیم و کسی می‌تواند مسئولانه رفتار کند که واقعا مسئول باشد، ما تعریف دقیقی از میراث فرهنگی در کشور نداریم، شما برای چه به سازمان میراث فرهنگی مراجعه می‌کنید؟ هدف این است که ما به یک ارتقاء ملی دست یافته باشیم، حرکت کردن به سمت یک مسیر حتما احتیاج به یک نیروی دارد، نوع مراجعه به گذشته و شرایطی که به وجود می‌آید و زحمتی که باید بکشیم، هرچه هست در گذشته ما هست. ما تصویر روشنی از کیستی خود نداریم. ما باید در جهت اعتلای فرهنگ خود بکوشیم، نه ایرانی بودنمان و نه اسلامی بودنمان مشخص است، مشخصات فرهنگ ملی ما چیست؟ ظرفیت ذاتی ملی با حصار جنگ و تحریم بروز پیدا نمی‌کند، بعد از ۳۰ سال رسیدیم به جایی که باید بنشینیم و ببینیم باید چه کار کنیم.

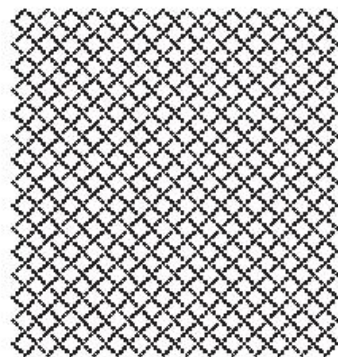
حفاظت ماهو حفاظت، حفاظت برای حفاظت غلط است. عدم توجه به بازگرداندن مفهوم حیات یکی از معضلات امروز حفاظت است. ما نمی‌توانیم بیرون از جامعه بنشینیم و بخواهیم در آن تغییر ایجاد کنیم.



مهندس محمدحسن محب علی

مهندس محمدحسن محب علی در سال ۱۳۴۲ وارد دانشگاه ملی (شهید بهشتی) شد و در سال ۱۳۴۸ با کسب درجه کارشناسی ارشد معماری فارغ التحصیل شد. وی دو سال نیز دوره تخصصی مرمت را در انستیتو مرمت ایران زیر نظر بزرگان مرمت همچون مرحوم پروفسور پیروسان پانولزی و مرحوم دکتر دتسی و مرحوم دکتر کسایی در گنبد سلطانیه گذراند. از جمله سوابق مدیریتی و اجرایی او مدیر دفتر فنی طرح جامع تهران، کارشناس ارشد دفتر فنی سازمان ملی حفاظت آثار باستانی استان فارس، مدیر دفتر فنی سازمان ملی حفاظت آثار باستانی استان آذربایجان غربی، مدیر دفتر فنی سازمان ملی حفاظت آثار باستانی استان تهران، معاون حفظ و احیا سازمان میراث فرهنگی وقت کشور، رییس پژوهشکده ابنیه و بافت بوده و مدرس دانشگاه است.

هیچ برنامه ریز و مدیری
نباید به خود اجازه دهد
تا بدون شناخت گذشته
برای کشور تصمیمی بگیرد



ایکوموس امسال را به نام «میراث نسل‌ها» اعلام نموده است. این موضوع «میراث نسل» در کشورهای اروپایی جهت خود را به دست آورده و به یک تبادل فکری رسیده‌اند و بیشتر جنبه حفاظت به آثار را دارند. در اکثر کشورهای پیشرفته بافت‌های شهری و بناهای تاریخی به زندگی خود ادامه می‌دهند. بحث بساز و بفروشی و تراکم فروشی ابتدا مطرح نیست، در پاریس کسی خانه خراب نمی‌کند، برج نمی‌سازد و معماری مدرن نیز از گذشته الگو می‌گیرند. تجربیات گذشته خودشان را دارند که متأسفانه ما در حال حاضر این مهم را کشور خود و حتی در تهران نیز رعایت نمی‌شود.

کشورهای جهان سوم از جمله ایران، بعد از انقلاب صنعتی به سرعت در یک بحران مدیریتی و بلا تکلیفی قرار گرفتند. حدود یک قرن است که کشور ما متأسفانه رابطه خود را با «تجربه‌ی تاریخ» قطع نموده و این موضوع را در تمام زمینه‌ها، می‌توان مورد مطالعه قرار داد. مسلماً مسائل سیاسی و معماری نیز در این مورد دخیل بوده و یک عقب افتادگی در کشور به وجود آمده و تمدن عظیم ایران زمین و تجربه‌ها به فراموشی سپرده شده است. بحث مصرف‌گرایی در تمام موارد و قطع رابطه با تاریخ، در فکر مدیریت مملکت حاکم شده است. مسلماً این نوع مدیریت با پژوهش و مطالعه کارشناسی میانه خوبی ندارد و منجر به تصمیمات غیر کارشناسی توسط مدیران می‌شود، و قطعاً نتیجه‌ی کار منفی خواهد شد. حتی در دانشگاه‌های مانیز متوجه نیستند که در چه کشوری زندگی می‌کنند.

اینجانب بعد از اینکه «سازمان ملی حفاظت آثار باستانی» تشکیل شد، جهت شناخت معماری ایرانی با سازمان، شروع به همکاری نمودم و اولین کاری که به من واگذار شد، برداشت

از برج سرخ مراغه و کلیسای سنت استپانوس جلفا بود، بدون شک خداوند به من کمک کرد که علاقه به شناخت معماری ایرانی در وجودم روشن شود. در برداشت

این دو بنا متوجه شدم که چه سرمایه‌ای در کشور وجود دارد که دانشکده‌های معماری ما در آن زمان بی‌خبر بودند، چون اساتید در اروپا تحصیل نموده بودند و ایران را نمی‌شناختند و اصلاً نمی‌دانستند که در برج مراغه چه هنری در قرن چهارم هجری به کار رفته، در کلیسای سنت استپانوس چگونه معماری با طبیعت عجین شده و همین موضوع باعث شد که در این راه همکاری‌ام را ادامه دهم.

هنگامی که فارغ التحصیل شدم، رسماً شروع به کار نموده و مطالعه در مورد رابطه‌ی انسان با آثار برجای مانده از تاریخ مورد توجهم قرار گرفت.

انسان دارای ابعاد مختلفی از خواسته‌ها است و برای رسیدن به خواسته‌های خود فعالیت می‌کند. در این فعالیت احتیاج به اطلاعات دارد.

اطلاعاتی که مورد نیاز انسان است از گذشته‌های دور تا به امروز باید در دسترس باشد تا بتواند از تجربه و تحقیقات انجام شده استفاده نماید، لذا حفظ اطلاعات و تجارب یکی از مهم‌ترین بخش حفاظت در جهان است.

انسان اگر به خاطرات گذشته خود توجه نداشته باشد همیشه درجا می‌زند و

حرکت به سمت آینده امکان ندارد. در این صورت حفاظت و مدیریت در کشور معنای بیشتری پیدا خواهد کرد. چون پایه و حرکت انسان در آینده، خط فعالیت وی در گذشته است.

تمام تفکری که بشر سال‌ها برای زندگی سالم در آینده داشته، لازم است تکامل آن در آینده صورت بگیرد. این تکامل نیاز به اسناد و مدارک دارد، اسناد گذشته حاوی پیام تمام اتفاقات و سرگذشت‌هاست و نمایانگر علاقه، اعتقادات، تولیدات و مدیریت جوامع قبل از ما هستند. اسنادی

که به دست ما رسیده با انسان صحبت می‌کند، هر عنصری از گذشته کتابی ناخوانده است که باید توسط خبرگان جامعه به تحریر درآید تا عموم مردم به خصوص پژوهشگران، برنامه‌ریزان و مدیران

از آن بهره‌مند شوند، عالمانی که در حال حاضر وجود ندارند ولی به زبان علمی در آثار زمان خود، با ما صحبت می‌کنند تا ما از امکانات، طبیعت، مشکلات، راه حل‌ها، توانایی‌ها، حوادث و خلاصه

از تفکر اجتماعی که در گذشته زنده و فعال بوده بهره‌مند. دانستن خاطرات گذشته در درجه اول تمرین است، ولی قدر مسلم نیاز است؛ چون راه زندگی آینده یک ملت از گذشته شروع می‌شود. که

با تمام امکانات و مشکلات در یک نقطه از کره زمین متمرکز شده‌اند و تشکیل یک اجتماع (خانه، روستا، شهر، کشور) را داده‌اند.

لذا حفظ اطلاعات و تجارب یکی از مهم‌ترین بخش حفاظت در جهان است. انسان اگر به خاطرات گذشته خود توجه نداشته باشد همیشه درجا می‌زند و حرکت به سمت آینده امکان ندارد، در این صورت حفاظت و مدیریت در کشور معنای بیشتری پیدا خواهد کرد. چون پایه و حرکت انسان در آینده، خط فعالیت وی در گذشته است.

با توجه به مقدمه فوق، مشخص می‌شود که معنی شناخت گذشته‌ی یک کشور و حفاظت از آن بسیار وسیع و علمی است، اگر بحث حفاظت بر روی آثار گذشته را باز نماییم نیاز به موارد زیادی دارد، تا این آثار نگهداری و معرفی شود.

- معرفی در بخش تخصصی

- معرفی در بخش دولتی و مدیریتی

- معرفی در بخش مردمی

که هر قسمت از موارد فوق در سازندگی آینده مملکت سهم زیادی دارند، به خصوص که باید هیچ برنامه‌ریز و مدیری به خود اجازه ندهد تا بدون شناخت گذشته تصمیم بگیرد. لازمست «تجربه تاریخی» در برنامه‌ریزی مملکت جایگاه خود را داشته باشد و بدین صورت است که خطاها و دوباره کاری‌ها بسیار کم خواهد شد.

یک اثر تاریخی معماری؛ یک سند زنده از زمان خود است. بخصوص آثار فرهنگی که در ایران بدست ما رسیده، دارای پیام‌های بسیاری مانند مدیریت، تولید، طراحی، ساخت، آموزش، امکانات مالی و ... هستند.

در چندین مثال در آثار باقیمانده شاید موضوع بیشتر مورد توجه قرار گیرد، مانند تیمچه امین‌الدوله کاشان، بازار تبریز و سرای امین، میدان نقش جهان، فیلم خانه دوست کجاست، شهر یزد، شهرهای دوردست مانند تون و طبس.

این مطالعه نشان می‌دهد که در گذشته آمایش سرزمین در ایران وجود داشت، در گذشته مدیریت محلی وجود داشته، در گذشته تولید در تمام نقاط کشور با توجه به اقلیم صورت می‌گرفته است. اگر تولید و کار و فعالیت وجود نداشت، آیا این آثار ساخته می‌شد؟

این آثار معماری و شهرسازی و بازارها برای ما پیام دارند که این جا آباد بوده و تمدن داشته و برای انسان احترام قائل بوده‌اند. در نتیجه باید میراث مدیریت، میراث کشاورزی، میراث تولید، میراث آب، میراث دامداری، میراث راه‌ها و ارتباطات مورد توجه قرار گیرد. اگر آینده‌ی بهتری را انتظار داریم باید گذشته را در تمام زمینه‌ها شناسایی کنیم و از تکنولوژی روز برای ادامه زندگی بهره‌جوییم. باید برای ساخت این کشور و قطع رابطه‌ی ۸۰ ساله‌ی آن از تاریخ خود، پیوندی دوباره با تکیه بر «تجربه تاریخی» برقرار نماییم، تا دوباره حرکت انسانی در کشور ایران شکل بگیرد.

متأسفانه در زمانی زندگی می‌کنیم که این قطع رابطه با تاریخ و تجربه کاملاً نتیجه منفی خود را در تمام زمینه‌ها نشان داده و روزبه‌روز بر مشکلات اضافه می‌شود؛ در صورتیکه با توجه پیشرفت علم و تکنولوژی باید امروز ما زندگی انسانی و آسوده‌تری داشته باشیم.

به‌طور اختصاصی در رشته خودمان در بازشناسی فرهنگ معماری موارد زیر لازمست:

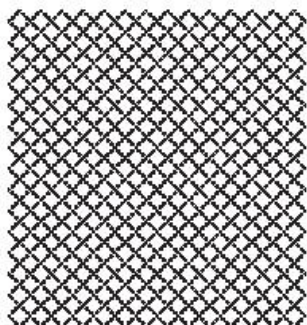
۱- شناخت تاریخ معماری و روند تکامل

۲- جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی در فرهنگ معماری

۳- شناخت اقلیم‌ها و امکانات طبیعی در هر منطقه

۴- اطلاع از تکنولوژی روز و به خدمت گرفتن آن

هر معماری که دست به طراحی دارد باید موارد فوق را در نظر بگیرد تا انسان را با خود داشته باشد.





مهندس مهرزاد پرهیزکاری، محقق، پژوهشگر و مدرس دانشگاه، وی فارغ‌التحصیل معماری دانشگاه علم و صنعت در سال ۱۳۷۵ است؛ پس از فارغ‌التحصیلی وارد سازمان میراث فرهنگی قزوین شده و به مدت ۱۵ سال در این سازمان مشغول به فعالیت بوده است. مهرزاد پرهیزکاری نویسنده کتاب مهمان خانه بزرگ قزوین، کتاب اخبار قزوین در روزنامه ایران، کتاب اوصاف قزوین در خاطرات و سفرنامه‌ها و منابع جغرافیای تاریخی و چند شماره مجموعه مقالات قزوین به همت وی جمع آوری شده است.

حفاظت از هویت آثار تاریخی

تعیین حریم معنوی یا حریم هویتی، حریمی که از هویت اثر حفاظت به عمل آورد و اجازه ندهد که هویت آثار پامال مرمت و احیای کالبدی آنها شود.

آثار تاریخی و فرهنگی پس از آنکه در فهرست آثار ملی به ثبت رسیدند مورد حمایت قانون قرار می‌گیرند. این حمایت صرفاً متوجه عرصه اثر نمی‌گردد، بلکه محدوده بستر اثر را نیز شامل می‌گردد تا عواملی که به صورت غیر مستقیم به اثر آسیب می‌زنند را تحت کنترل درآورد. این اقدام تعیین حریم خوانده می‌شود. به طور کلی هنگام تعیین حریم یک اثر، دو دسته ضوابط بیشتر مد نظر قرار دارند. دسته اول ضوابطی هستند که کالبد بنا را مورد حفاظت قرار می‌دهند. مهم‌ترین ضابطه این دسته ممنوعیت ساخت و ساز در عرصه است. محدودیت استفاده از دستگاه‌های دودزا و لرزاننده از دیگر ضوابط این دسته است. همچنین این ضوابط عمدتاً هرگونه حفاری و خاک‌برداری را منوط به مجوز سازمان میراث فرهنگی می‌نماید.

دسته دوم ضوابطی هستند که منظر اثر را مورد حفاظت قرار می‌دهند. این دسته ضوابط شامل محدودیت ارتفاع، جنس و رنگ مصالح، طرح نما و... در ساخت و سازهای حریم می‌گردند. مجموعه ضوابط مذکور توسط دو یا چند خط بر روی نقشه که محدوده اعمال ضوابط را مشخص می‌کنند تهیه و به تصویب می‌رسند.

تاکنون حریم آثار تاریخی-فرهنگی، مهمترین ابزار حفاظت در برابر انواع آسیب‌ها و دست‌درازی سودجویان بوده است، اما نکته‌ای که در این ضوابط مغفول واقع شده، توجه به صیانت از روح اثر و حفظ شخصیت آن است. به همین دلیل است که در زمان حاضر با اقدامات احیاء و مرمتی مواجه

همانگونه که شبیه‌سازی یک فضای تاریخی بدون در نظر گرفتن فرهنگ امروز، کاری نادرست تلقی می‌گردد. معاصرسازی! فضای تاریخ نیز بدون شناخت و دینظر گفتن پیشینه فضا، موجب مخدوش نمودن هویت آن می‌گردد؛ اتفاقی که در خیلی از آثار امروز مشاهده می‌شود. همه این مسائل ضرورت پرداختن به هویت آثار تاریخی (سرزمین‌ها، شهرها، روستاها، محوطه‌ها و بناهای تاریخی) را نمایان می‌سازد.

می‌شویم که بیش از حفاظت، موجب آسیب به اثر گشته‌اند. به نظر می‌رسد به چیزی بیش از آنچه تاکنون مورد استفاده بوده نیاز است، ضوابط و توصیه‌هایی که در ابعاد فیزیکی و منظری نمی‌گنجند و رابطه مستقیمی با هویت آثار دارند.

به عنوان مثال در حفاظت از بافت‌های تاریخی، سعی بر عدم تغییر شکلی گذرها است و به تثبیت اسامی تاریخی گذرها توجهی نمی‌گردد. این امر باعث شده که بسیاری از اسامی تاریخی گذرهای موجود در مجاورت آثار و بافت‌های (که به اندازه کالبد آنها واجد اهمیت است) به آسانی تغییر کند. کفسازی یکسان گذرهای تاریخی نیز علی‌رغم اینکه یک اقدام فیزیکی است، باعث مخدوش ساختن هویت این گذرها شده است. استفاده از چند طرح محدود بدون در نظر گرفتن جغرافیای شهر و روستا، و شناخت پیشینه آنها موجب گردیده گذرهایی یک‌شکل و فاقد هویت بومی شکل گیرند.

هویت روستاها امروزه به شدت تغییر کرده زیرا کمتر به معماری بومی آنها توجه می‌شود. استفاده از ساختمان‌های بی‌ریشه!! بافتی را برای روستاها رقم زده که (همانند شهرها) چهره یکسانی به آنها بخشیده است. برای نمونه روستاهای واقع در دامنه‌های جنوبی کوهستان البرز، نه فقط در طرح پلان و استفاده از مصالح نو، بلکه با تغییر نوع پوشش، از سقف مسطح به شیب‌دار ماهیتی دیگر یافته‌اند. مردم برخی روستاها با تغییر عنوان روستا به شهرک بر روی تابلوی ورودی، گویا تلاش در پاک کردن پیشینه و احراز هویتی جدید دارند. همچنان که بسیاری از مردم هم ادعای شهری بودن دارند...

موضوع وقتی قابل تأمل می‌شود که در پاره‌ای روستاهای حفاظت شده؛ خانه‌ها و بناها با مصالح و تکنولوژی جدید ساخته شده، اما در هماهنگی با بافت تاریخی روستا، نمای آنها شبیه خانه‌های بومی رنگ و یا کاه‌گل می‌شود؛ گویا تنها ظاهر کافی است. آیا این تضادی در هویت آثار و بافت نیست؟ آیا حفاظت از بافت تاریخی با ظاهرسازی نما تأمین می‌گردد؟ آیا حفظ هویت بافت، مستلزم حفظ تمامی مؤلفه‌های آن نیست؟

در سطوح مرمتی نیز همین رفتار دیده می‌شود. بازسازی عناصری مانند تاق و گنبد فروریخته یک بنای تاریخی با مصالحی همچون بتن، گذشته از نظریات موافق و مخالف، این سوال را مطرح می‌کند که چنین اقدامی، چه تاثیری بر اصالت و هویت اثر می‌گذارد؟ اگرچه در مواردی این تنها راه چاره است، اما آیا بازسازی یک سازه سنتی با کلاف‌کشی (پروتز) بر نوسازی با مصالح جدید (اندام مصنوعی) ارجحیت ندارد؟ و مهمتر از همه اینکه چه مکانیزمی در این خصوص وجود دارد که از تصمیم‌گیری‌های شتاب‌زده و نظرات شخصی (و کارشناسانه!) جلوگیری نماید.

تلاش در هویت‌بخشی به بازارها با سرپوشیده کردن راسته‌ها و ساخت تاق و تویزه از دیگر مضماین عدم کفایت ضوابط موجود است. این خود تضادی را ایجاد می‌نماید که تلاش در راستای حفاظت، موجب صدمه به هویت اثر می‌گردد. اینکه راسته بازاری پوشش شود، امری است که در گذشته نیز اتفاق می‌افتاده اما در گذشته متناسب با نیاز و به صورت منطقی این کار به تدریج صورت می‌گرفت. تحمیل پوشش تاق و تویزه بر راسته بازار، در حالی که جزرها در مقابل یکدیگر قرار ندارند، امروزه خلاقیت‌های معمارانه‌ای!! را موجب گشته که نه فقط هویت راسته را تهدید می‌کند بلکه کیفیت فضای تاریخی را نیز پایین آورده است. این موضوع را می‌توان به وضوح در نوسازی بازارها و پوشش راسته‌های بازار تهران دید.

توسعه بی‌رویه امامزادگان مثال دیگری است که میزان کارایی ضوابط موجود را نشان می‌دهد. سیل زوار، فرهنگ بومی زیارت بقاع را که از ارزشمندترین ابعاد امامزاده‌گان بوده، به نیستی کشانده و گسترش فضای اغلب بقاع متبرکه، موجبات از بین رفتن فضاهای روحانی یا کاهش کیفیت آنها را فراهم آورده است. یکی از زیباترین سنت‌های فرهنگی امامزاده صالح تهران، تعظیم عابریں در مقابل بقعه هنگام عبور از حیاط کوچک آن بود. با گسترش فضای امامزاده، فروریختن چنار معروف آن و احداث منارهای غول‌آسا، سنت زیبایی احترام به بقعه امامزاده همراه با فضای روحانی

و دلنشین حیاط کوچک آن از میان رفت. این سنت بخشی از روح بقعه امامزاده بود که با اقدام ساختمانی، ناپدید شد.

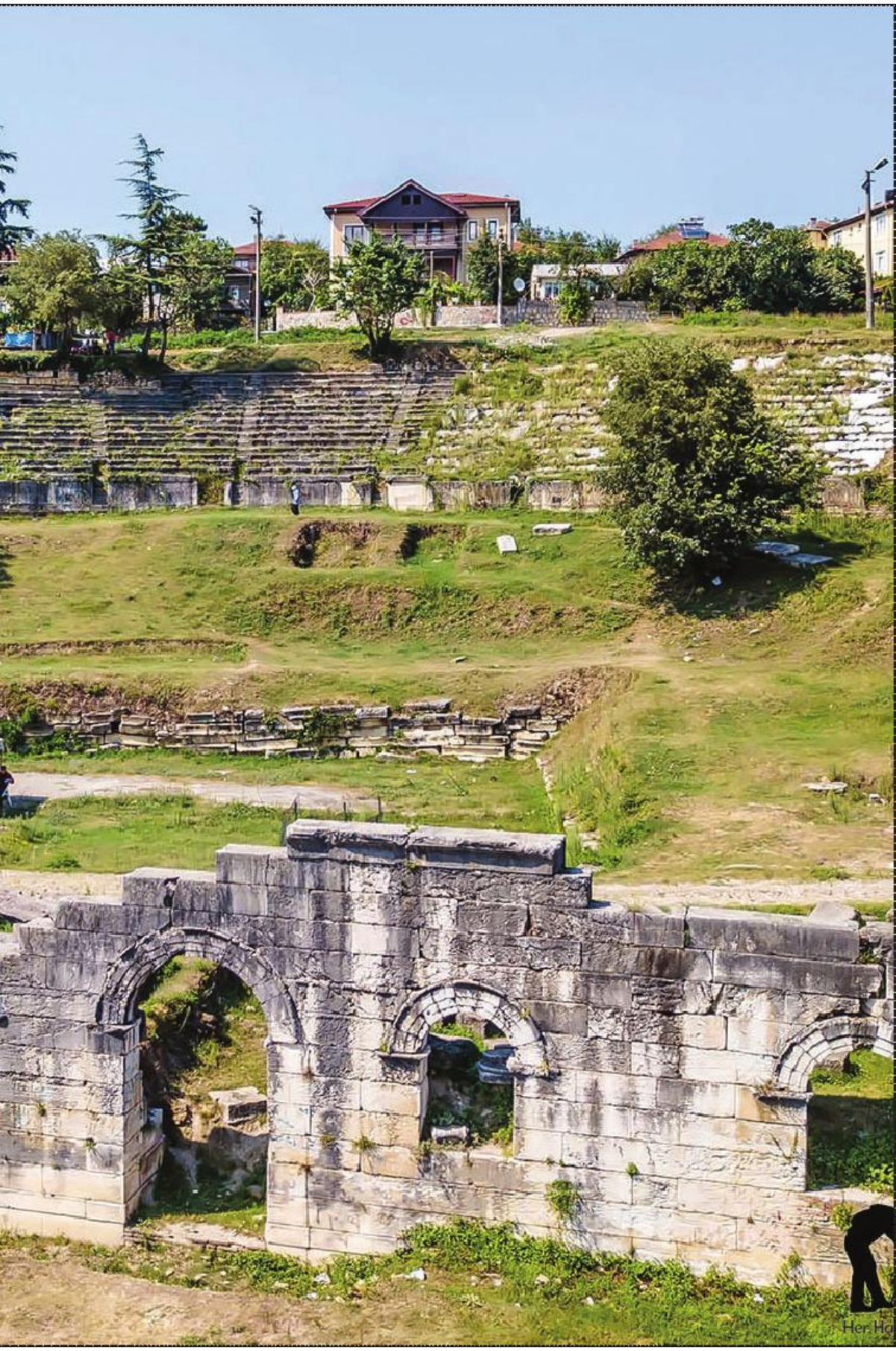
از دیگر موضوعاتی که امروزه بدون اندیشیدن، گسترش بسیاری یافته؛ نورپردازی اماکن و فضاهای تاریخی است. شکی نیست که نورپردازی مناسب زیبایی آثار را برجسته می‌نماید. اما... آیا وقتی اثر یا فضایی نورپردازی می‌شود همان حس فضایی اصلی را ایجاد می‌کند که در ابتدا بوده؟

تجربه چند شب اقامت در ارگ بم و مقایسه آن با ایام برگزاری کنگره معماری و شهرسازی (هر دو قبل از زلزله) تفاوت آشکاری را در نورپردازی فضاهای ارگ نمایان می‌سازد. در حالی که شب‌های کنگره، نورپردازی، فضای کاملاً پویایی را در ارگ ایجاد می‌نمود (که با حضور شرکت‌کنندگان تشدید می‌شد)، در شب‌هایی که هیچ نورافکنی روشن نبود، کوچه پس‌کوچه‌های ارگ، ملامال از خوف و هراسی بود که به داخل خانه (محل اقامت) نیز نفوذ می‌کرد. این حس خاص، درک فضای تاریخی ملموسی را ایجاد می‌نمود که نزدیکی بیشتری با واقعیت گذشته ارگ داشت. همین حس را می‌توان تا اندازه‌ای در بافت‌های قدیمی که دست نخورده باقی مانده‌اند و یا روستاهایی که هنوز کوچه‌های آنها با برق روشن نمی‌شوند تجربه کرد. مشابه این را می‌توان در سکوت و تاریکی شب‌های میدان نقش جهان اصفهان در زمستان لمس کرد و تفاوت آن را با زمان‌های پرهیاهوی دیگر فصل‌های سنجید. ادعایی نیست که میدان در شب‌های زمستانی فضای اصیل تاریخی را مشابه آنچه در دوره صفویه بوده ارائه می‌دهد، اما سوال اینجاست که کدامیک به اصالت فضا نزدیک‌ترند و تا چه اندازه می‌توان (با نورپردازی) یک فضای تاریخی را تغییر داد که هویت اولیه آن حفظ شود؟

آنچه مطرح شد لزوماً بازگشت به گذشته را تأیید نمی‌کند و به سنت‌گرایی خالص نمی‌پردازد؛ بلکه بر نیاز به تدوین مبانی بر اساس شناخت صحیح تأکید دارد. همانگونه که شبیه‌سازی یک فضای تاریخی بدون در نظر گرفتن فرهنگ امروز، کاری نادرست تلقی می‌گردد، معاصرسازی! فضای تاریخ نیز بدون شناخت و در نظر گرفتن پیشینه فضا، موجب مخدوش نمودن هویت آن می‌گردد؛ اتفاقی که در خیلی از آثار امروز مشاهده می‌شود. همه این مسائل ضرورت پرداختن به هویت آثار تاریخی (سرزمین‌ها، شهرها، روستاها، محوطه‌ها و بناهای تاریخی) را نمایان می‌سازد.

نیاز به داشتن مبانی محکمی که ضامن حفاظت از تمامی ابعاد آثار باشد به خوبی احساس می‌شود. این مستلزم تحقیقات عمیقی است که در کوتاه مدت حاصل نمی‌گردد. داشتن پلان مدیریت گام بعدی است که بر اساس مبانی تدوین شده، در سطح کلان برای مجموعه آثار و به شکل اختصاصی برای تک آثار می‌بایست تهیه شود. اما تا تدوین مبانی و تهیه پلان مدیریت، جای ضوابطی و حرایمی خالی است که دایره‌ای فراتر از حرایم موجود را حفاظت نماید. حرایمی که از هویت اثر حفاظت به عمل آورد. اجازه ندهد که هویت آثار پامال مرمت و احیای کالبدی آنها شود. شاید بتوان این حریم را حریم معنوی یا حریم هویتی اثر نامید.





این بخش از نشریه، حاصل فعالیت دانشجویان در کلاس درس سمینار به راهنمایی دکتر علی زمانی‌فرد است که شامل پنج مقاله‌ی ۱۵۱ ترجمه شده در بازه‌ی زمانی سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۸ می‌شود، که به تعریف و تبیین مبانی نظری، مسائل و علوم و فنون جدید رشته حفاظت میراث شهری و معماری می‌پردازد. این مقالات شامل موضوعات زیر می‌شود:

• تأثیر کاربرد الیاف طبیعی، گچ، سیمان در مقاومت فشاری مصالح خشتی؛

شیرما ساعدی

• رویکردی در مدیریت خطر و حفاظت از میراث فرهنگی در محوطه‌های چند هویتی و چند مدیریتی؛

زهرا شفیق زاده

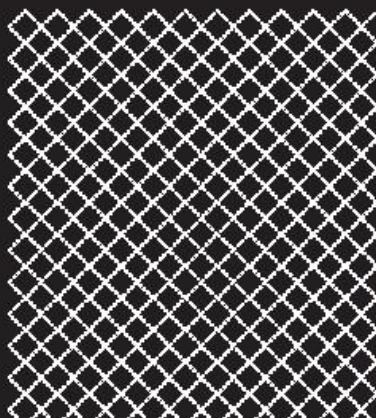
• اعطای کاربری سازگار به مغازه‌های سنتی چینی در پروژه‌های نوسازی شهری دولت هنگ کنگ؛

زهرا طالبی

• ابعاد اولویت‌های بصری مناطق شهری تاریخی؛ عوامل تعیین‌کننده حفاظت از میراث شهری؛

سارگل گائینی

• روشی برای ارزیابی منظر تاریخی شهری. حنانه تاج احمدی





تأثیر کاربرد الیاف طبیعی گچ، سیمان در مقاومت فشاری مصالح خسته^۱

1. The influence of natural reinforcement fibers, gypsum and cement on compressive strength of earth bricks materials



نویسندگان: فیلیپ زاک^۱، طاها آشور^۲، آزرا کورجنیس^۳، سینان گرجنیس^۴، وی وو^۵ ترجمه: شیماساعدی، دانشجوی کارشناسی ارشد حفاظت و مرمت میراث معماری، دانشگاه هنر

1. Philip Zak /Institute of Geotechnical Engineering, University of Natural Resources and Applied Sciences, 1180 Vienna, Austria
2. Taha Ashour /Benha University, Faculty of Agriculture at Mosh-tohor, Agricultural Engineering Department, 13736-Moshtohor, Toukh, Kalubia, Egypt
3. Azra Korjenic/Vienna University of Technology, Institute of Building Construction and Technology, Research Centre of Building Physics and Sound Protection, Karlsplatz 13/206-2, A-1040 Vienna, Austria
4. Sinsn Korjenic /Vienna University of Technology, Institute of Building Construction and Technology, Research Centre of Building Construction and Rehabilitation, Karlsplatz 13/206-4, A-1040 Vienna, Austria
5. Wei wu /Institute of Geotechnical Engineering, University of Natural Resources and Applied Sciences, 1180 Vienna, Austria

چکیده:

این مقاله با هدف یک کار آزمایشی بر روی مقاومت فشاری خشت به ویژه تأثیر مواد افزودنی به انجام رسید. در مجموع ۱۲ آزمون مختلف با ترکیبات مختلف از مواد خاکی، سیمان، گچ، کنف و الیاف کتان انجام شده است. خشت‌ها توسط آزمایشگاه‌های ژئوتکنیک تهیه میشوند. نتایج آزمون نشان داد که قدرت فشاری، بسیار وابسته به تراکم خشت است. الیاف کنف و کتان تأثیر نسبتاً کمی بر مقاومت فشاری خشت دارند، اما تأثیر زیادی بر حالت شکنندگی دارند. سیمان و گچ به عنوان مواد افزودنی، به نظر می‌رسد که باعث کاهش قدرت اتصال کانی‌های رس، و منجر به کاهش شدید استحکام می‌شود.

کلیدواژگان: مقاومت فشاری، مصالح ساختمانی خاکی، الیاف تقویت کننده، استواری خاک، گچ، سیمان

۱- مقدمه:

ترویج توسعه پایدار به همه صنایع، از جمله صنعت ساخت و ساز برای اتخاذ و اجرای روش‌های مناسب برای حفاظت از محیط زیست فشار وارد کرده است. از جمله مسائل گسترده زیست محیطی مانند تغییرات اقلیمی و فقر منابع همراه با سرعت سریع پیشرفت تکنولوژی در بخش ساختمان، علاقه به مواد ساختمانی جایگزین مانند خشت گسترش یافته است. مقررات ساختمانی معیارهای سخت گیرانه‌ای برای عملکرد حرارتی ساختمان‌ها دارند. خاک به عنوان یک مصالح ساختمانی، با توجه به انرژی وارده و طراحی اکولوژیکی همچنین برآورده کردن نیروهای وارده دارای خواص فیزیکی خوبی است.^۱

در کشورهای توسعه یافته، آگاهی جدیدی برای مصالح ساختمانی ارگانیک و سالم ایجاد شده است. خاک به عنوان یک متریال قابل بازیافت، ارزش مفید و در دسترس بودن، نیاز به حمل و نقل طولانی ندارد. از سوی دیگر رابطه بین خشک‌های تقویت شده با ضایعات کشاورزی و شرایط محیطی مورد مطالعه قرار گرفت. آن‌ها دریافتند که رطوبت متعادل (EMC) برای آجر در شرایط مختلف کمتر از ۷ درصد است و خواص فیزیکی و مکانیکی خوبی برای مواد مختلف دارد.^{۲،۳}

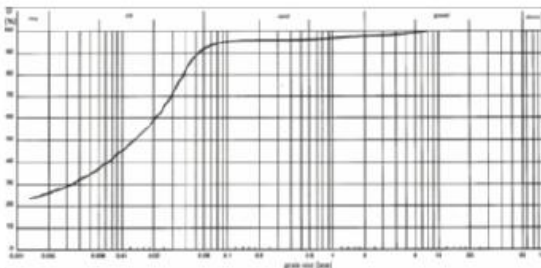
استفاده از الیاف طبیعی و به ویژه الیاف کنف به عنوان عوامل تقویت کننده در مواد کامپوزیتی مزایای بسیاری از جمله چگالی کم و تجزیه پذیری ارانه می‌دهد.^{۴،۵}

مواد و روش‌ها

۱-۲- آزمایش مواد و مصالح

۵ ماده‌ی مختلف شامل خاک چسبناک، کتان، کنف، گچ و سیمان مورد استفاده قرار گرفتند. ترکیب بافت خاک چسبناک مخلوط به شرح زیر است: ۲۶٪ خاک رس (کمتر از ۲ لیومتر)، ۶۶٪ سیلت (۲۰-۶۳ لیتر)، ۵٪ شن (۶۳-۲۰۰۰ لم) و سنگ گچ ۳٪.

آزمایش حدود آتربرگ^۶ در آزمایشگاه ژئوتکنیک با $WL = ۳۲\%$ (حد مایع)، $WP = ۱۷,۳\%$ (محدودیت پلاستیکی) و $IP = ۱۴,۷\%$ (شاخص پلاستیکی) تعیین شد. با توجه به سیستم طبقه‌بندی خاک متراکم، خاک می‌تواند به عنوان خاک رس خمیری پایین تعریف شود. برای تجزیه و تحلیل ترکیب مواد معدنی خاک رس، تجزیه و تحلیل مواد معدنی رس با پرش اشعه ایکس انجام شد. نوع و مقدار مواد معدنی خاک رس تاثیر زیادی بر نیروی اتصال و در نتیجه بر مقاومت خمشی و مقاومت فشاری خشت دارد. محتوای مواد معدنی خاک را می‌توان به صورت زیر تعریف کرد: ۵۰٪ اسمکتیت (نیروی پیوندی پایین)، ۳۰٪ ملت (پیوندی بالا)، ۱۰٪ کائولینیت (نیروی بالای اتصال) و ۱۰٪ ورمیکولیت (نیروی اتصال متوسط). شکل ۱ توزیع اندازه دانه در خاک آزمایش شده را نشان می‌دهد.



شکل (۱): توزیع اندازه دانه خاک

1. T. Ashour et al 2015, 104.
2. H. Doukas et al 2006.
3. T. Ashour et al 2015, 59.
4. T. Ashour et al 2011, 43.
5. Z. Li et al 2006, 37.
6. S. V. Joshi et al 2004, 35.

۷. حدود آتربرگ یک معیار تعریف شده برای میزان رطوبت خاک است

۲-۲- تهیه نمونه

در ابتدا، ماسه‌های بزرگ از خاک حذف شدند. خاک پس از آن در حد مایع مرطوب شد، حالتی که در آن شما می‌توانید خاک را مابین انگشتانتان فشار دهید. در طول مخلوط شدن، همسانی خاک باید کنترل شود. مقدار مواد به عنوان وزن خشک تعیین شد. پس از آن مواد خام، سیمان، گچ و فیبر در یک میکسر مکانیکی قرار داده شدند (شکل ۲).

شکل (۲) : ماشین مخلوط کردن برای آماده‌سازی کامپوزیت



شکل (۳) آجر تولید شده را نشان می‌دهد، در حالی که شکل (آ.۳) آجر را بدون الیاف تقویت و شکل (ب.۳) آجرهای تقویت شده با الیاف کنف نشان داده است. شکل (۳): آجر تولید شده از طریق فرآیند خشک کردن شکل (آ.۳): آجر بدون الیاف



شکل (ب.۳): آجر تقویت شده با الیاف کنف



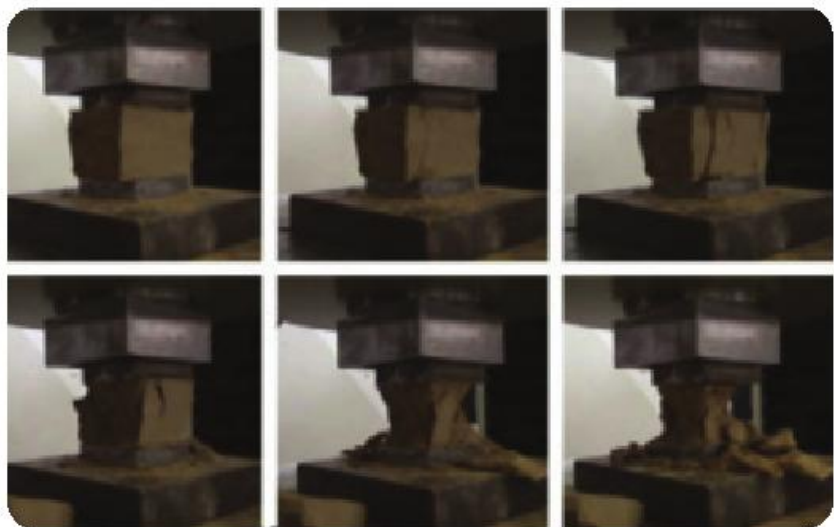
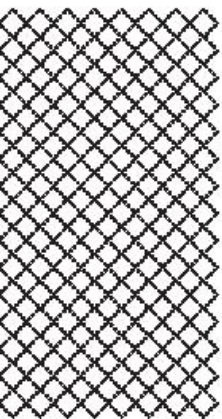
استاندارد EN ۱۰۱۵-۱۱ [۳۳] برای اندازه گیری استحکام فشاری برخی از ملات‌ها برای اندازه گیری مقاومت خشتها مورد استفاده قرار می‌گیرد. این استاندارد تولید نمونه و تست کششی و خمشی و مقاومت فشاری را تنظیم می‌کند. نمونه‌ها دارای قالب با ابعاد $40 * 40 * 160$ سانتی متر هستند. برای هر گروه سه نمونه به صورت تکرار تولید شدند. برای مقاومت فشاری، خشت‌هایی که در خمسه شکسته شده‌اند استفاده شدند، مخلوط خاک آزمایش شده در جدول ۱ ذکر شده است.

| نمونه ها | تعریف دستورالعمل ها | | |
|----------|---------------------------------------|-------|--|
| N | خاک بدون مواد افزودنی | H3G5 | خاک با 1 درصد الیاف کنف و 10 درصد گچ |
| F1 | خاک با 1 درصد فیبرهای کتان | H3G10 | خاک با 3 درصد الیاف کنف و 10 درصد گچ |
| F3 | خاک با 3 درصد فیبرهای کتان | F1Z5 | خاک با 1 درصد الیاف کتان و 5 درصد سیمان |
| H1 | خاک با 1 درصد الیاف کنف | F1Z10 | خاک با 3 درصد الیاف کتان و 5 درصد سیمان |
| H3 | خاک با 3 درصد الیاف کنف | F3Z5 | خاک با 1 درصد الیاف کتان و 10 درصد سیمان |
| F1G5 | خاک با 1 درصد الیاف کتان و 5 درصد گچ | F3Z10 | خاک با 3 درصد الیاف کتان و 10 درصد سیمان |
| F1G10 | خاک با 3 درصد الیاف کتان و 5 درصد گچ | H1Z5 | خاک با 1 درصد الیاف کنف و 5 درصد سیمان |
| F3G5 | خاک با 1 درصد الیاف کتان و 10 درصد گچ | H1Z10 | خاک با 3 درصد الیاف کنف و 5 درصد سیمان |
| F3G10 | خاک با 3 درصد الیاف کتان و 10 درصد گچ | H3Z5 | خاک با 1 درصد الیاف کنف و 10 درصد سیمان |
| H1G5 | خاک با 1 درصد الیاف کنف و 5 درصد گچ | H3Z10 | خاک با 1 درصد الیاف کنف و 10 درصد سیمان |
| H1G10 | خاک با 3 درصد الیاف کنف و 5 درصد گچ | | |

جدول (۱)

۲-۳- دستگاه تست و روش

دستگاه آزمون DOLI با کنترل دیجیتال EDC۵۸۰ برای تعیین قدرت فشاری استفاده شد. برای انتقال بار، دو ورق فولادی با ابعاد ۴۰ * ۴۰ میلی‌متر و ارتفاع ۱۰ میلی‌متر استفاده می‌شود. نمونه در مرکز این صفحات قرار دارد. بار با سرعت حدود ۵۰ نیوتن در ثانیه افزایش می‌یابد. شکل ۴ روند پیشرفت یک نمونه آزمایشی را نشان می‌دهد. مقاومت فشاری تک محوره مقاومت فشاری نمونه‌های خاک با گسترش جانبی یکسان است. این حداکثر مقدار استرس فشاری یکسانی است. استرس فشاری یکسانی توسط نسبت نیروی محوری N (F) و سطح مقطع mm^۲ (A) تعریف می‌شود.



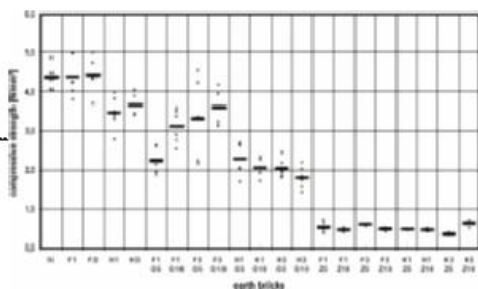
شکل (۴): شکستن آجرهای بدون تقویت و مواد افزودنی

بحث و نتیجه

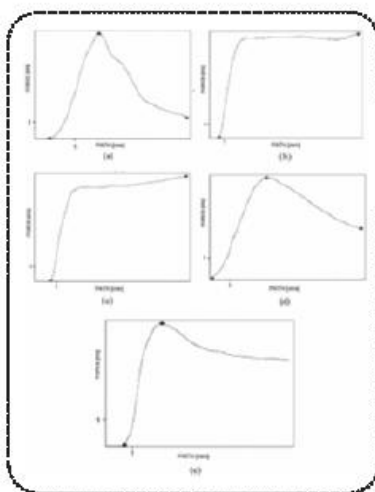
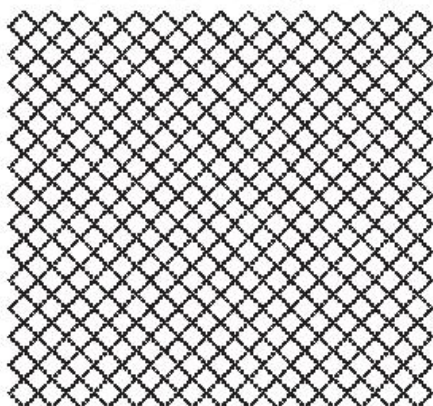
۳-۱- تاثیر الیاف بر مقاومت فشاری

فیبرها به عنوان تقویت کننده در آجرها عمل می‌کنند. الیاف دارای مقاومت فشاری کمتر نسبت به خاک هستند، اما می‌توانند لبه‌های جانبی را از بین ببرند. فشار در طول فشرده سازی باعث افزایش مقاومت فشاری می‌شود. این امر مستلزم آن است که الیاف دارای پیوند کافی با خاک رس در مواد باشند. اگر پیوند بیش از حد ضعیف باشد، نیروهای کششی را نمی‌توان به الیاف انتقال داد (شکل ۵). ثبات خود فیبر نیز بسیار مهم است. اگر الیاف‌ها دارای مقاومت کششی کمتر نسبت به مواد خاکی باشند، آن‌ها می‌توانند با کم کردن قدرت فشاری کامپوزیت نه تنها با جایگزینی مواد قویتر بلکه با ایجاد حداکثر فشار در اطراف الیاف‌ها که می‌تواند به شکست قبلی منجر شود، برای جذب کشش جانبی، الیاف باید به صورت یکنواخت در جهت کشش مرتب شوند.

شکل (۵): استحکام فشاری آجر ساخته شده از مواد مختلف

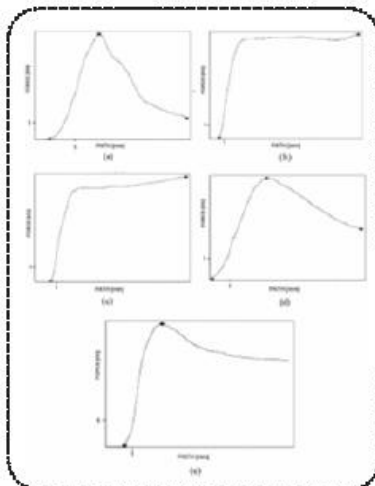


شکل (۶): نمودارهای نیروی مسیر آجر با نوع و محتوای فیبر های مختلف، a: بدون افزودنی‌ها، b: کتان ۱٪، c: کتان ۳٪، d: کتان ۵٪، e: کف ۱٪، f: کف ۳٪



۲-۳- تأثیر گچ بر مقاومت فشاری

گچ به عنوان ملات استفاده شده است، با توجه به استاندارد DIN EN ۱۳۲۷۹-۱ [۴۱]، مقاومت فشاری بین ۲ و ۶ N/mm^2 ، ملات برای مخلوط با شن و ماسه، استحکام می‌تواند به حداکثر به مقدار ۴۰ N/mm^2 باشد. خواص استحکام مواد گچ تحت تأثیر تشکیل کریستال و به ویژه نسبت آب و گچ است. هرچه مقدار آب بیشتر دستیابی به استحکام کمتر میشود. مخلوط با سنگ گچ موجب کاهش قدرت فشاری شده به علت عوامل متعددی مانند محتوای آب بالا می‌شود. نسبت آب به گچ بسیار بالا است و به اتصال کم بین بلورهای گچ می‌انجامد. با ساخت چهارچوب بلوری، گچ ممکن است به منافذ گسترش یابد. ممکن است گچ تأثیر منفی روی نیروی اتصال خاک رس داشته باشد. یکی دیگر از عوامل کاهش قدرت می‌تواند سرعت اتصال سریع گچ باشد. اگر گچ در طی فرآیند سریع مخلوط می‌شود، شکل بلورهای گچ می‌توانند در اتصالاتشان قطع شوند و یا نابود شوند. رفتار شکست خاک با گچ مشابه رفتار خاک خالص است. نمودارهای جایجایی نشان می‌دهد که نفوذ الیاف غالب است (شکل ۷). آجرهای فشرده خاک که با استفاده از گچ تثبیت شده‌اند نشان می‌دهد که مقاومت فشاری بیشتر نسبت به تکه‌های گچ و یا عدم تثبیت کم آن با گچ است. این بهبود را می‌توان به شکل گیری کریستال بین خاک و گچ نسبت داد. همچنین اثر مشابهی بر مقاومت خمشی وجود دارد.



شکل (۷): نمودارهای نیروی مسیر آجر ساخته شده از مخلوط گچ و دیگر مواد، a: کتان ۱٪ و گچ ۵٪، b: کتان ۱٪ و گچ ۱۰٪، c: کتان ۳٪ و گچ ۵٪، d: کتان ۳٪ و گچ ۱۰٪، e: کف ۱٪ و گچ ۵٪، f: کف ۱٪ و گچ ۱۰٪، g: کف ۳٪ و گچ ۵٪، h: کف ۳٪ و گچ ۱۰٪

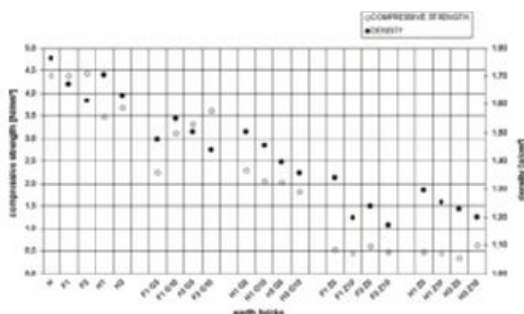
۳-۳- تأثیر سیمان بر مقاومت فشاری

به خوبی شناخته شده است که بتن با سیمان می‌تواند مقاومت فشاری بالایی را به دست آورد. بتن مخلوطی از سیمان، دانه‌ها و آب است. استحکام فشاری بتن تقریباً به طور انحصاری بر مقاومت سیمان بستگی دارد، زیرا قدرت دانه به طور قابل توجهی بالاتر از سیمان است. مقاومت سیمان بستگی به ترکیب آن و نسبت آب سیمان دارد. استحکام فشاری آجر آرمونی با سیمان نسبت به بتن بسیار کم است. با توجه به اینکه آجرهای خاکی با سیمان می‌توانند در شرایط تولید اصلاح شده به عنوان بتن مورد توجه قرار گیرند.

۳-۴- تأثیر تراکم بر مقاومت فشاری

تراکم مصالح ساختمانی تأثیر قابل توجهی بر خواص آن دارد. شکل (۹) رابطه بین چگالی و مقاومت فشاری را نشان می‌دهد. به طور کلی، افزایش محتوای فیبر در کامپوزیت‌ها باعث کاهش وزن نمونه‌ها شد. جایگزینی سیمان یا گچ (مواد جامد) با الیاف کنفی یا کتان (مواد سبک) منجر به افزایش کل حجم می‌شود. افزایش حجم مخلوط فشرده باعث کاهش وزن نمونه‌ها شد و تراکم همانطور که انتظار می‌رود، تراکم‌های پایین به علت افزودنی‌های سبک و محتویات بالاتر آب در تولید منجر به کاهش مقاومت می‌شود.

شکل (۹): تأثیر تراکم بر مقاومت فشاری خست‌ها

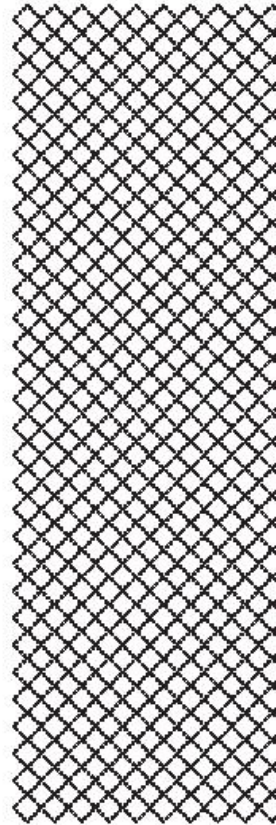


۴- جمع‌بندی و توصیه‌ها

استحکام خاک با سیمان برای افزایش قدرت فشاری، یک روش معمول در ساخت و ساز ساختمان‌های خاکی و مهندسی ژئوتکنیک است. با این حال، آزمون‌های ما نشان می‌دهد که سیمان می‌تواند برای استحکام خاک زیان آور باشد. هنگام مخلوط کردن خاک با سیمان، توجه ویژه‌ای به آب می‌شود. محتویات آب می‌تواند به ساختار متخلخل ذکرشده متصل شود. آجرهای تولید شده با سیمان به دلیل مقاومت کم فشاری آنها برای دیوارهای باربری قابل استفاده نیستند. با این وجود، هنگامی که به عنوان پرکننده استفاده می‌شود، کامپوزیت خاک-سیمان به اندازه کافی قوی است تا دیوار در برابر ارتفاع ۲۵ متر ارتفاع مقاومت داشته باشد. الیاف کتان تأثیر چندانی بر مقاومت فشاری ندارند اما رفتار شکست شکننده مواد را کاهش می‌دهند. الیاف کنفی باعث کاهش مقاومت فشاری نسبت به آجر خالص می‌شوند. این کاهش به علت کاهش قدرت الیاف و تراکم بوده است. مخلوط کردن خاک با گچ تأثیر مثبتی بر قدرت فشاری ندارد. همچنین تولید با گچ بسیار دشوار است زیرا گیرش آن نسبت به سیمان بسیار سریع است.

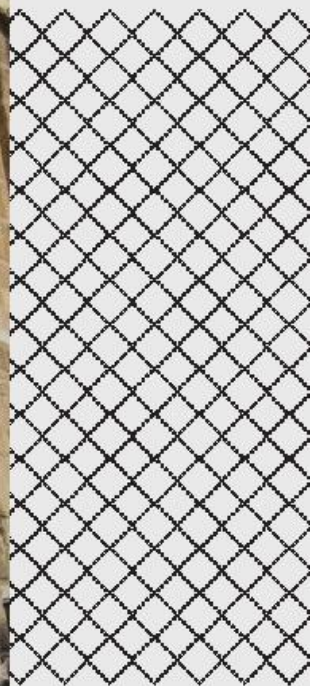
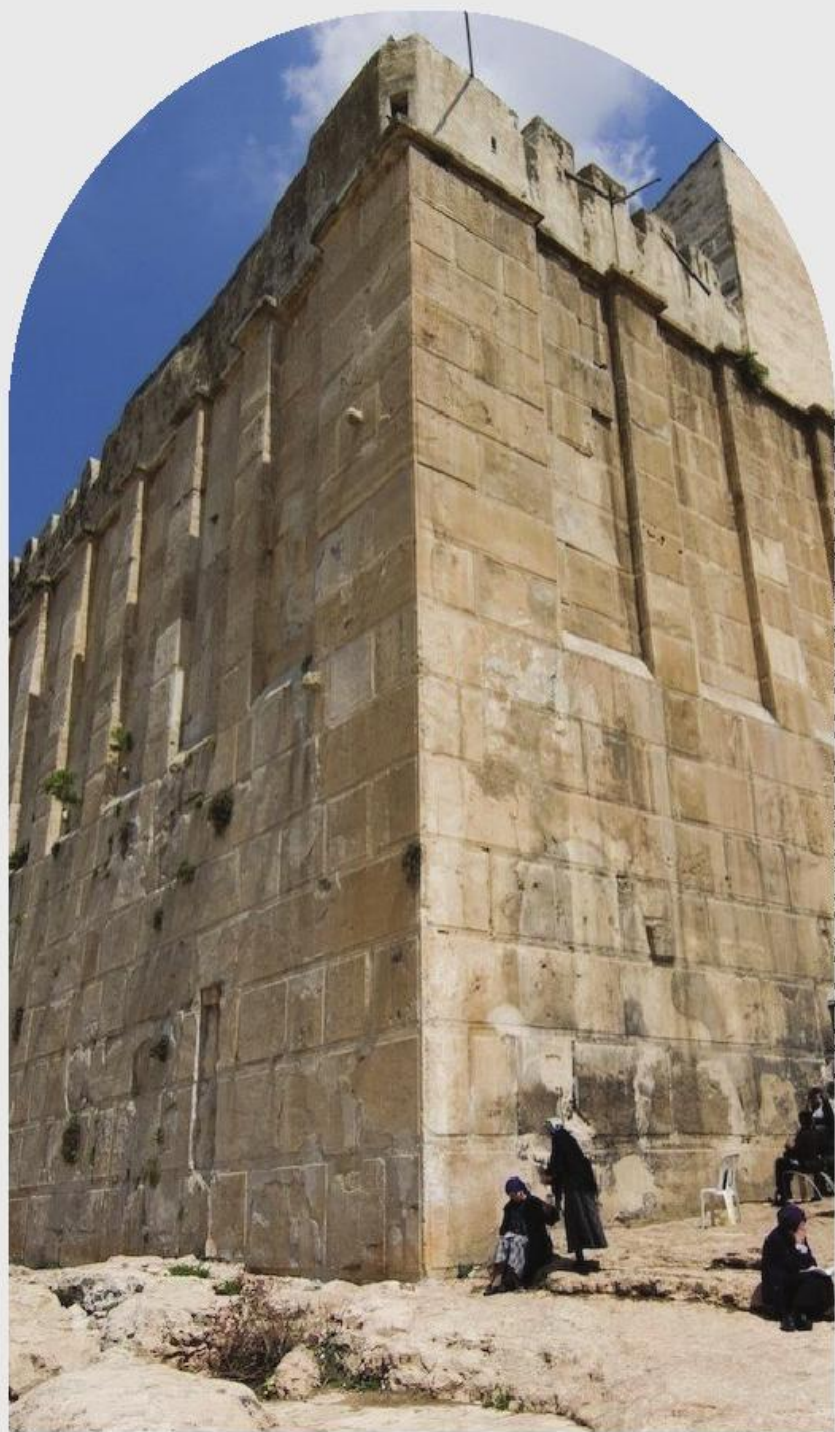
منابع:

- [1] T. Ashour, A. Korjenic, S. Korjenic, W. Wu, Thermal conductivity of unfired earth bricks reinforced by agricultural wastes with cement and gypsum, *Energy Build.* 104 (2015) 139-146.
- [2] H. Doukas, K.D. Patlitziana, A.G. Kagiannas, J. Psarras, Renewable energy sources and rationale use of energy development in the countries of GCC: myth or reality, *Renewable Energy* 31 (2006) 755-770.
- [3] L. Barbieri, F. Andreola, I. Lancellotti, R. Taurino, Management of agricultural biomass wastes: preliminary study on characterization and valorisation in clay matrix bricks, *Waste Manage.* 33 (11) (2013) 2307-2315.
- [4] L. Zhang, Production of bricks from waste materials - a review, *Constr. Build. Mater.* 47 (2013) 643-655.
- [5] M.R. Rowell, P. Stout Harry, *Handbook of Fiber Chemistry*, third ed., Taylor & Francis Group, United State of America, 2007.
- [6] X. Mo, E. Cheng, D. Wang, X. Susan Sun, Physical properties of medium-density wheat straw particleboard using different adhesives, *Ind. Crops Prod.* 18 (2003) 47-53.
- [7] T. Yates, The use of non-food crops in the UK construction industry, *J. Sci. Food Agric.* 86 (2006) 1790-1796.
- [8] T. Ashour, A. Korjenic, S. Korjenic, Equilibrium moisture content of earth bricks stabilized with cement and gypsum under wheat and barley reinforcement fibres, *J. Cem. Concr.* 59 (2015) 18-25.
- [9] T. Ashour, G. Heiko, W. Wu, An experimental investigation on equilibrium moisture content of earth plaster with natural reinforcement fibres for straw bale buildings, *J. Appl. Therm. Eng.* 31 (2011) 293-303.
- [10] T. Ashour, H.J. Wieland, H. Georg, F.-J. Bockisch, W. Wu, The influence of natural reinforcement fibres on insulation values of earth plaster for straw bale buildings, *J. Mater. Des.* 31 (2010) 4676-4685.
- [11] T. Ashour, W. Wu, An experimental study on shrinkage of earth plaster with natural fibres for straw bale buildings, *Int. J. Sustainable Eng.* 3 (4) (2010) 299-304.
- [12] T. Ashour, W. Wu, The influence of natural reinforcement fibres on erosion properties of earth plaster materials for straw bale buildings, *J. Build. Appraisal* 5 (4) (2010) 329-340.
- [13] T. Ashour, H. Georg, W. Wu, Performance of straw bale wall: a case of study, *J. Energy Build.* 43 (2011) 1960-1967.
- [14] Z. Li, X. Wang, L. Wang, Properties of hemp reinforced concrete composites, *Compos. A* 37 (2006) 497-505.
- [15] L.Y. Mwaikambo, M.P. Ansell, Hemp fibres reinforced cashew nut shell liquid composites, *Compos. Sci. Technol.* 63 (2003) 1297-1305.
- [16] S.V. Joshi, L.T. Drzal, A.K. Mohanry, S. Arora, Are natural fibres composites environmentally superior to glass fibres reinforced composites?, *Compos A* 35 (2004) 371-376.
- [17] A. Sampathrajan, N.C. Vijayaraghavan, K.R. Swaminathan, Mechanical and thermal properties of particleboards made from farm residues, *Bioresour. Technol.* 40 (1992) 249-251.
- [18] M.C. Jiménez Delgado, I. Cañas Guerrero, Earth building in Spain, *Constr. Build. Mater.* 20 (2006) 679-690.
- [19] MOPT, Bases para el diseño y construcción con tapial, Madrid Centro de Publicaciones Secretaria General Técnica, Ministerio de Obras Publicas y Transportes, 1992.





- [20] J.C. Morel, A. Pkila, P. Walker, Compressive strength testing of compressed earth blocks, *Constr. Build. Mater.* 1(2007) 303-309.
- [21] Q. Bui, J.C. Morel, S. Hans, N. Meunier, Compression behaviour of nonindustrial materials in civil engineering by three scale experiments: the case of rammed earth, *Mater. Struct.* (2008), <http://dx.doi.org/10.1617/s11527-008-9446-y>.
- [22] K.M.A. Hossain, M. Lachemi, S. Easa, Stabilized soils for construction applications incorporating natural resources of Papua new Guinea resources, *Conserv. Recycle* 51 (2007) 711-731.
- [23] A. Ngowi, Improving the traditional earth construction: a case study of Botswana, *Constr. Build. Mater.* 11 (1) (1997) 1-7.
- [24] C. Atzeni, G. Pia, U. Sanna, N. Spanu, Surface wear resistance of chemically or thermally stabilized earth-based materials, *Mater. Struct.* 41 (2008) 751-758.
- [25] R. Bahar, M. Benazzoug, S. Kenai, Performance of compacted cement-stabilised soil, *Cem. Concr. Compos.* 26 (2004) 811-820.
- [26] G. Minke, *Building With Earth, Design and Technology of Sustainable Architecture* (Text Book), Birkhaeser, Publishers for Architecture, Basel, Berlin, Boston, 2006.
- [27] Horst. Schröder, *Mit Lehm Ökologisch planen und bauen* (Text Book), Springer (2010). ISBN: 978-3-8348-2227-7.
- [28] T. Ashour, A. Bahnasaway, W. Wu, Compressive strength of fibre reinforced earth plasters for straw bale buildings, *Aust. J. Agric. Eng.* 1(3) (2010) 86-92.
- [29] D.J. Cook, Concrete and cement composites reinforced with natural fibres, in: *Proceedings Symposium on Concrete International 80-Fibrous Concrete*, Concrete Society, London, 1980, pp. 99-114.
- [30] S.S. Guimaraes, Vegetable fiber-cement composites, in: H.S. Sobral (Ed.), *Proceedings 2nd International Symposium on Vegetable Plants and Their Fibres as Building Materials*, Chapman and Hall, London, 1990, pp. 98-107 (RILEM Proceedings, 7).



رویکردی در مدیریت خطر و حفاظت از میراث فرهنگی در محوطه‌های چند هویت و چند مدیریت: مطالعه موردی الحرام الابراهیمی / مقبره سرسلسله در الخلیل / هبرون^۱

1. An approach to risk management and preservation of cultural heritage in multi identity and multi managed sites: Al-Haram Al-Ibrahimi/Abraham's Tombs of the Patriarchs in Al-Khalil/Hebron

چکیده: الخلیل که با عنوان هبرون نیز شناخته شده است، سکونتگاهی است که میزبان گروه‌های مختلفی از باورها است. الاحرام الابراهیمی یا مقبره ابراهیم عليه السلام، یا مقبره سرسلسله، اسامی این محوطه تاریخی مقدس بوده؛ که نقطه کانونی این سکونتگاه هستند. در عین این که این محوطه هویت گروه‌های مختلفی از باورها را نشان می‌دهد، این شرایط مشکلات حفاظتی را نیز به وجود آورده است. پژوهش حاضر به طور خاص به مشکلات عمده در محل زیارتی مشترک و طرح‌های استفاده شده در مقبره سرسلسله الحرام/الابراهیمی پرداخته است. علاوه بر این، این پژوهش به دنبال پیدا کردن راه‌های جایگزین برای حفاظت ساختارگرای آن است. مقبره سرسلسله الحرام/الابراهیمی یک محوطه مقدس در الخلیل/هبرون است. تاریخ آن به عصر برنز میانه بازمی‌گردد؛ و مقبره شاهد دوره‌های رمانسک، بیزانس، اموی، ایوبی، مملوک و عثمانی بوده است. در برهه زمانی خاصی از دوره اسلامی بر مقبره حضرت ابراهیم، پسران و همسرانشان، که ارزش دینی زیادی در اسلام، مسیحیت و یهودیت دارند، مسجدی اضافه شد. مجموعه مقدس آن در طول زمان به وسیله حکومت‌های مختلف دچار تغییر و تحول شده است. پس از تأسیس دولت رژیم صهیونیستی در ۱۹۴۸، شرایط برای استفاده از مقبره سرسلسله الحرام الابراهیمی تغییر کرد. این مجموعه بنا، بر اساس پروتکل هبرون در ۱۹۹۷، به دلیل تنش‌های موجود بین رژیم صهیونیستی و فلسطین، به دو بخش یهودی‌نشین و مسلمان‌نشین تقسیم شد. این شرایط مشکلاتی برای محوطه مقدس در عرصه حفاظت پایدار ایجاد کرد. از نقشه برداری مجموعه ساختمان‌ها به شکل یک کل واحد، که مرحله اولیه فرایند حفاظت است، جلوگیری شد و در نتیجه این نوع جداسازی مشکلاتی در مطالعه باورهای گروه دیگر بوجود آورد. با این حساب، رویکرد حفاظتی جامع در این ساختمان نمی‌توانست به کار گرفته شود. این پژوهش به بحث درباره راه‌حل‌های ممکن برای مدیریت خطر و حفاظت از مقبره سرسلسله الحرام الابراهیمی در این زمینه کمک کرده و همچنین نقش سازمان‌های بین‌المللی مرتبط با حفاظت میراث را ارزیابی می‌کند.



نویسندگان: رابا برآلشویکی، زینب گول اونال
ترجمه: زهرا شفیق زاده، دانشجوی کارشناسی ارشد حفاظت و مرمت میراث معماری دانشگاه هنر

کلید واژگان:

مقبره سرسلسله الحرام
الابراهیمی،
مدیریت خطر
حفاظت میراث،
محوطه‌های میراثی
تقسیم شده

marah-IA :sdroweyK
sbmoT/imiharbi-IA
ksiR ,shcrairtaP eht fo
egatireH ,tnemeganam
dedividI ,noitavresnoc
setis egatireh

۱. مقدمه:

این مطالعه بر مشکلات حفاظتی موجود در مقبره الحرام/الابراهیمی که یادمانی در مرکز شهر الخلیل/هبرون است، پرداخته است. این شهر، یک شهر تاریخی چندلایه‌ای است و در سال ۲۰۱۲ نامزد عضویت در لیست میراث جهانی پیشنهادی یونسکو شده است. یادمان نقطه کانونی فیزیکی و سیاسی شهر است و برای استفاده دو گروه مختلف دینی تقسیم‌بندی شده است. الخلیل/هبرون یکی از بزرگترین شهرهای شناخته شده در فلسطین است که در ۳۰ کیلومتری جنوب اورشلیم واقع شده است. اهمیت این شهر از جهت موقعیت مکانی آن در مسیر تجاری قدیمی است که موجب مرکزیت اقتصادی و فرهنگی در تقاطع فلسطین جنوبی، سینا، اردن شرقی، و شبه جزیره عربستان شده است.

اگر چه درباره این شهر مکتوبات گسترده‌ای وجود دارد، اما این پژوهش اولین پژوهش جامع درباره تاریخ مقبره الحرام/الابراهیمی و توسعه سیاسی این منطقه است که به مشکلات ناشی از ایجاد تعادل بین حفاظت و کاربرد مقبره، پس از جداسازی فیزیکی مجموعه بنا در ۱۹۹۴ به دلیل اختلافات سیاسی دو گروه سیاسی و چگونگی استفاده هر دو گروه از بنا، در این شرایط، می‌پردازد. این مقاله یافته‌های یک تز دکتری است که مشکلات حفاظتی الحرام/الابراهیمی/مقبره سرسلسله و تبعات این جداسازی در شهر تاریخی را نشان می‌دهد.

روش‌شناسی این مطالعه بر مبنای بررسی کتابخانه‌ای و کار میدانی است. در آغاز این پژوهش، مطالعات موجود انتخاب و گردآوری شدند. ضمن اینکه موضوع مورد بحث از نظر سیاسی حساسیت‌زا است، این مطالعه علمی باید از نظر هدف اولویت بندی می‌شد.

بنابراین با در نظر گرفتن این موارد، نقطه نظرات مختلف از منابع مختلف ارزیابی شدند. سپس، یک کار میدانی در الخلیل/هبرون و محوطه یادمانی انجام شد. در طول کار میدانی، داده‌های فیزیکی مربوط به ساختمان‌های تاریخی و قوانین استفاده از سرزمین در الخلیل/هبرون انتخاب شدند. علاوه بر آن، شرایط فیزیکی و مشکلات حفاظت از مجموعه الحرام/الابراهیمی/مقبره ابراهیم از طریق قسمت‌هایی از محوطه که قابل دسترسی بودند، مطالعه شد.

۲. شهر هبرون: موقعیت و تاریخ

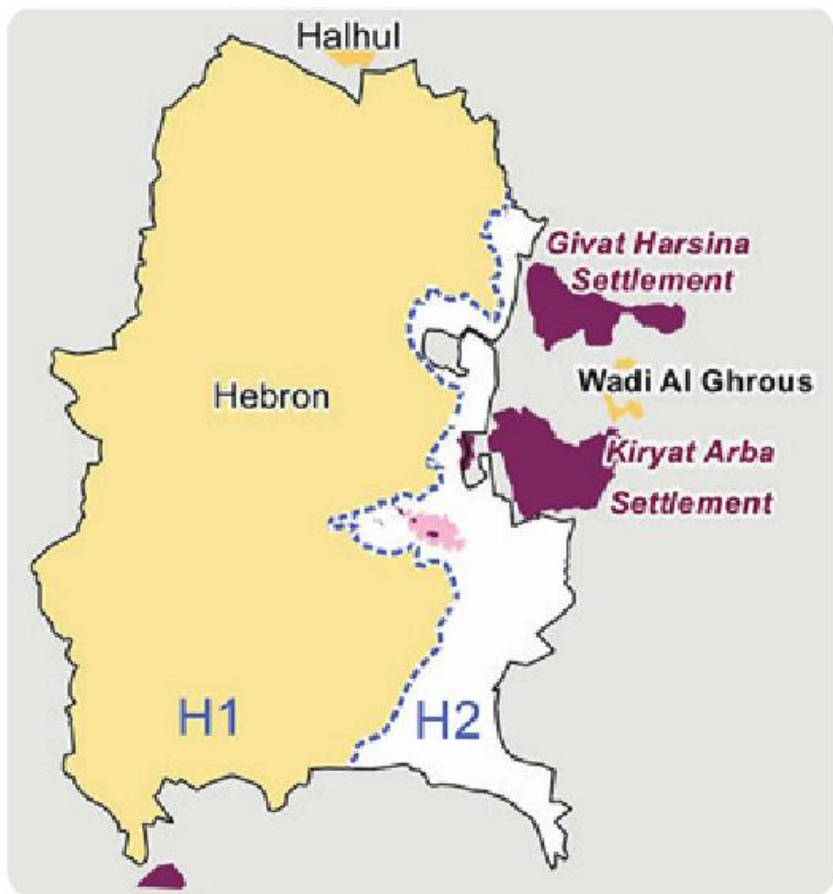
اهمیت شهر هبرون می‌تواند به حضرت ابراهیم خلیل، جد تمام پیامبران مربوط باشد. در دوره اسلامی، شهر «خلیل الرحمن» - دوست خدا - نامی که معمولاً به طور اختصاری «الخلیل» گفته می‌شد، نامیده شد. در زمان‌های مختلف، هبرون به نام کریات اربع - چهار روستا - نامیده می‌شد که به چهار تپه در آن، باز می‌گشت؛ سپس «هبرا» خوانده شد، «هبرون» از فعل «هَبَرَ» مشتق شده است - به معنای متصل شدن، جفت شدن، دوست شدن - که به ابراهیم خلیل اشاره دارد [۱]. اولین سکونتگاه شهری انسانی در این منطقه به حدود سال ۱۷۰۰ قبل از میلاد بازمی‌گردد. در تل رومیدا، هبرون باستانی، که در شمال غربی شهر قدیمی کنونی واقع شده، بقایایی از عصر حجر و عصر برنز وجود دارد. تل رومیدا شهری کنعانی است که در عصر برنز میانه، زمانی که بسیاری از شهرها به واسطه کنعانی‌ها در فلسطین ساخته شدند، به وجود آمده است [۱]. محوطه دوم در شهر الزما «ممره/ممبره» است که در شمال شهر قدیمی واقع شده است. در این محوطه، یک مرکز خرید بین‌المللی واقع شده که از دوران رومی تا اسلامی وجود داشته است. سومین محوطه، شهر قدیمی است (دره هبرون)، که شامل الحرام/الابراهیمی/مقبره سرسلسله می‌شود [۱].

عرب‌ها و ادمیت‌ها در قرن یکم بعد از میلاد در بقایای شهر تل رومیدا ساکن شدند. در دره هبرون، تا دوره اسلامی، تنها دیواری از الحرام در اطراف مقبره وجود داشت. در سال ۶۳۶ میلادی بعد از فتح مسلمانان، محوطه به یک نمازخانه اسلامی تبدیل شد. در این دوره به دلیل حضور مجموعه مقدس، سکونت در شهر به مقررات شهر بزرگ، وابسته بود [۱]. فرض بر این است که در طول دوران اموی، مسجدی بر فراز مقبره پیامبر ساخته شده است. الحرام/الابراهیمی/مقبره سرسلسله پس از دوره اموی، مانند حرام الشریف در شهر اورشلیم، نقطه کانونی شهر الخلیل شد.

رونق اقتصادی شهر پس از فتح صلیبی‌ها در ۱۰۹۹، با وقفه رو به رو شد. در ۱۱۶۸ مسجد تخریب و کلیسایی به سبک رومانسک - همراه با عناصر گوتیک اولیه - همراه یک دژ در این مکان ساخته

شد. علاوه بر آن، در ۱۱۰۰، مزرعه‌ای در سمت دیوار غربی الحرام ساخته شد. در سال ۱۱۸۷، صلاح‌الدین ایوبی، رهبر ایوبی‌ها، شهر را فتح کرد. در طول دوره ایوبی، شهر بازسازی شده و جمعیت آن افزایش یافت. بنابراین، برخی بخش‌ها که امروزه هنوز وجود دارند، در دوره ایوبی ساخته شدند [۱]. در دوره مملوک (۱۵۱۶-۱۲۵۰)، شهر به جاذبه‌ای برای تمام عارفانی که قصد نزدیک شدن به حضرت ابراهیم علیه السلام را داشتند، تبدیل شد. علاوه بر آن، افزایش تعداد ساکنان و بازدیدکنندگان، باعث پیشرفت در سیستم آبرسانی در طول این دوره شد. در دوره عثمانی، شهر با احداث ساختمان‌های جدید در نواحی خالی باقی مانده از دوره مملوک و افزودن طبقات جدید به ساختمان‌های قبلی، به توسعه ادامه داد [۱]. مرکز تاریخی شهر تحت تأثیر غلبه سبک معماری دوره مملوک، با تأثیر از دوره عثمانی متعاقب است [۲].

در ۱۸۳۱، الخلیل/هبرون، مانند دیگر بخش‌های فلسطین، توسط ابراهیم پاشا، فرماندار مصر، محاصره شد. در طول محاصره، دژهای موجود در حاشیه شهر تاریخی خراب شدند. در قرن ۱۹، شهر با افزایش جمعیت مواجه شد؛ و مردم در خارج از شهر قدیمی ساکن شدند. ابتدا سکونت در طول راه اصلی به سمت اورشلیم گسترش یافت که مراکز تجاری جدید آن را محدود می‌کرد. گسترش‌های بعدی در جهات دیگر ادامه یافتند [۱].



تصویر ۱: مناطق H1 و H2 در شهر قدیم [۳]

در طول دوره سلطه بریتانیا (۱۹۴۷-۱۹۱۷)، تغییر چشمگیری در ساختار فیزیکی شهر رخ نداد، ولی در دوره حکومت اردن (۱۹۶۷-۱۹۴۸) ساختمان‌های اطراف مسجد ابراهیمی جهت پررنگ کردن خود مسجد در دهه ۱۹۶۰ تخریب شدند. در نتیجه، نه تنها بسیاری از ساختمان‌های تاریخی اطراف، بلکه برخی قسمت‌های دیگر تخریب شده و علاوه بر آن بقایای دژ کاملاً محو شد.

پس از جنگ شش روزه در ژوئن ۱۹۶۷، کنترل شهر الخلیل/هبرون به دست دولت رژیم صهیونیستی افتاد. در نتیجه‌ی تنش‌های موجود در الحرام ابراهیمی/مقبره سرسلسله در ۱۹۹۴، توافقاتی بین دولت‌های رژیم صهیونیستی و فلسطین امضا شد؛ «پیمان اسلو II» در ۱۹۹۵ شهر هبرون را به سه قسمت تقسیم می‌کرد: الف) تحت کنترل فلسطین، ب) تحت کنترل فلسطین و رژیم صهیونیستی، ج) تحت کنترل رژیم صهیونیستی؛ «پروتکل هبرون» در ۱۹۹۷ [۱]، شهر قدیمی هبرون را به دو قسمت تقسیم می‌کرد: H1 (برای مسلمانان و H2) برای یهودی‌ها؛ ولی سومین توافقنامه، الحرام ابراهیمی را به دو قسمت تقسیم کرد، یکی برای مسلمانان و دیگری برای یهودی‌ها، تصویر [۱۵] قسمت‌های (H1, H2) را در شهر قدیمی پس از جدایی نشان می‌دهد.

۳. الحرام ابراهیمی/مقبره سرسلسله: تعریف عمومی و تحول فیزیکی مجموعه ساختمان‌ها

الحرام ابراهیمی/مقبره سرسلسله در الخلیل/هبرون از قدیمی‌ترین ساختمان‌های مقدس جهان است که به طور مستمر مورد استفاده بوده است. مردم معتقدند که در این مکان مقبره‌های حضرت ابراهیم، همسرش ساره، پسرانش اسحاق و یعقوب با همسران حضرت یعقوب یعنی لعیا و راحیل قرار دارد [۱]. مشخص نیست که چه زمانی محوطه تقدسش را به دست آورده، از چه زمانی پس از مشخص شدن محوطه آرامگاهی پیامبران «سلسله» تقدس آن شیوع بین مردم پیدا کرده است [۱].

بر اساس باورهای اسلامی، الحرام ابراهیمی/مقبره سرسلسله چهارمین محوطه مهم دینی پس از مکه، مدینه و اورشلیم و دومین مکان مقدس بعد از مسجدالاقصی در فلسطین است. علاوه بر این، بر اساس باورهای یهودی، یکی از قدیمی‌ترین مکان‌های یهودی در جهان و دومین مکان مقدس یهودیان، پس از کوه معبد در اورشلیم است.

۱. درون عرصه ساختمان، قبرهایی از پیامبران و همسرانشان در سالن نمازخانه بر فراز مقبره وجود دارد؛ (اسحاق، ابراهیم، یعقوب، ملیکا و یک حیاط)، اما در خارج از دیوارهای ساختمان، قبر و نمازخانه دیگری قرار دارد (جولیا).

تصویر ۲: ورودی یهودی‌ها در الحرام ابراهیمی (عکس: رباب الشویکی، ۲۰۱۳)



الحرام الابراهیمی/مقبره سرسلسله شامل یک ساختمان بزرگ با پلان مستطیلی و دارای ابعاد $34m \times 6m$ است. این ساختمان با دیوار بزرگی از بلوک‌های بزرگ سنگ پاک‌تراش که دو مناره از دوره مملوک را دارا است، احاطه شده [۴]. سه ورودی و راه‌پله بین غار و ساختمان بالای آن وجود دارد. این ساختمان به شکل محفظه بزرگی است که در اطراف یک غار دوگانه ساخته شده، و ساختار اصلی آن مستطیلی بدون سقف با ارتفاع $16m$ است ($33,97m \times 95,28m$)، که جهت آن به سمت جنوب شرقی بوده و ضخامت دیوارهای آن حدود $2,68m$ است.

۴. خطرات تهدیدکننده محوطه، مشکلات حفاظتی موجود و فعالیت‌های حفاظتی پیش رو

برای حفاظت از میراث فرهنگی، چه میراث ملموس و چه میراث ناملموس، منقول یا غیر منقول، در نتیجه بلایای طبیعی و انسانی وارد شده به آن میراث مؤلفه‌های حفاظت در موارد زیادی تغییر می‌کند. با اینکه پیش‌گیری از بلایا در اکثر موارد ممکن نیست، کاهش اثرات آن امکان‌پذیر است. در این موقعیت خاص، انجام سنجش‌های ضروری و آماده‌باش جهت کاهش خطر برای کنترل بهتر شرایط لازم است، در وضعیتی که خطرات می‌توانند موجودیت میراث فرهنگی را در معرض خطر قرار دهد. این سنجش‌ها و آمادگی‌ها به کاهش اثرات بلایا و بهبود آن‌ها پس از حادثه و سلامت مجدد مکان پاسخ می‌دهد.



تصویر ۳: ورودی مسلمانان در الحرام الابراهیمی (عکس: ریاب الشویکی، ۲۰۱۳)

دوره کنعانی
دوره رومی
دوره بیزانسی
دوره ایرانی

دوره اموی
دوره فاطمی

دوره صلیبی

دوره ایوبی
(۱۱۷۸-۱۲۵۰)
دوره مملوک
(۱۲۵۰-۱۵۱۷)

دوره عثمانی
(۱۵۱۷-۱۹۱۷)

سلطه
انگلستان
(۱۹۱۷-۱۹۴۷)
دولت اردنی
(۱۹۵۰-۱۹۶۷)

اشغال (۱۹۶۷-
...)

تقسیم (۱۹۹۴)



هبرون قدیمی در جنوب هبرون مدرن کنونی بر یک تپه استراتژیک به نام تل رومی‌دا واقع شده بود. دولت کنعانی «هرود» (۳۷ ق.م-۴ ق.م) برای حفاظت از مقبره‌ها دیواری دور غار کشید. ۷۰ پ.م- محوطه متروکه، غار باز، ساختمان‌ها سوخته و شهر ویرانه بود؛ ولی با این حال دیوار سالم مانده بود.

سکونتگاه در «تل رومی‌دا» بود، در حالیکه مقبره هنوز با دیواری بدون ساختمان باقی مانده بود [۱]. اما گویا ایرانی‌ها سقفی بر چهار ستون در سمت جنوب دیوار ساخته‌اند.

۶۱۴ پ.م- در این دوره سقف ساخته شده و شهر ویران شدند، اما دیوارهای الحرام الابراهیمی سالم مانده بود [۵].

۶۳۶ پ.م- گویا ساختمان به عنوان نمازخانه مورد استفاده مسلمانان بود، اما تشخیص اینکه چه موقع به مسجد تبدیل شد، سخت است. همچنین توصیف اولین بنای اسلامی ساخته شده نیز غیرممکن است.

(۶۶۱-۷۵۰) ساختمان بدون سقف بود، اما زیارتگاه‌های کوچکی بر شش مقبره محصور در دیوارها ساخته شده بود [۱].

قرن ۱۰- نام ساختمان «مسجد ابراهیمی» شد، و گنبد‌های سنگی بر فراز مقبره ابراهیم و اسحاق ساخته شدند که با ساختمان‌های عمومی احاطه شده بودند [۱].

(۹۷۵-۱۰۹۹) دری از مسجد به زیارتگاه یوسف گشوده شد، گنبدی بر فراز زیارتگاه ساخته شد، و مسجد مرمت شد [۶].

۱۰۹۹- صلیبی‌ها محوطه، منبر و محراب را ویران کردند.

۱۱۰۰- یک دژ و چندین برج در دیوار غربی مسجد ساخته شدند؛ دیوارهای شرقی، شمالی و غربی مسجد ارتفاع گرفتند. در نتیجه: مسجد به کلیسا و دژ تبدیل شد [۱].

۱۱۶۸- مسجد به یک کلیسا تبدیل شد «سنت آبراهام» [۱] با سقفی جدید به سبک «رومانسک و گوتیک» که بر ستون‌های بخش جنوبی دیوار ساخته شدند.

الحرام الابراهیمی مجدداً به مسجد تبدیل شد. در این دوره، افزوده‌های صلیبی‌ها پاک شده و محراب و منبر مجدداً ساخته و مسجد مرمت شدند [۵].

در سال ۱۲۶۸ الحرام تحت بازسازی وسیعی قرار گرفت. افزوده‌ها مانند دروازه‌ها، ساختمان‌های نگهبانی، دو مناره [۱] و سکوی واعظ با مرمر در فضای بین دیوارها ساخته شدند.

۱۲۸۰- پادشاه منصور قلاوون ورودی اصلی مسجد را گشود [۷].

۱۳۲۰- مسجد جدید بزرگ به نام الجاولی، در بخش شرقی خارج از محوطه جهت افزایش محدوده نمازخانه اضافه شد [۱].

۱۳۳۳- الناصر حسن دژ را بازسازی کرده و آن را به مدرسه‌ای به نام مدرسه سلطان حسن تبدیل کرد [۱]. راهرویی در دیوار غربی اضافه شد. یکی از مهم‌ترین افزوده‌ها در این دوره، صندلی مؤذن، و شش زیارتگاه کنونی مقبره‌های نمادین بودند [۸]. علاوه بر این، کمیته یهودی در هبرون مجدداً تأسیس شد. اما یهودی‌ها اجازه ورود به الحرام نداشتند. آن‌ها باید تا جای ممکن از پله پنجم و سپس هفتم در دیوار شرقی فاصله داشته باشند [۸].

۱۵۱۷- در دوره عثمانی، محدودیت پله هفتم حفظ شد. در این دوره، عثمانی‌ها در مرمت الحرام و تبدیل آن به مقبره مشارکت کردند [۱]. در فاصله قرن‌های ۱۶ و ۱۹، تغییرات کالبدی چندانی در جایگاه مقدس رخ نداد.

برخی قسمت‌های مسجد در زلزله‌های ۱۸۳۷ و ۱۹۲۷، تخریب شد [۹].

۱۸۴۶- مسجد و دژ در محاصره فرماندار مصر، ابراهیم پاشا، آسیب دید، و بخش‌های زیادی از مجموعه تخریب شد [۹].

مسجد بدون هیچ مرمت یا تغییری باقی ماند؛ یهودی‌ها کماکان اجازه ورود به الحرام را نداشتند [۱۰].

۱۹۵۰- از ۱۹۵۰ شهر الخلیل و مقبره الحرام الابراهیمی تحت کنترل دولت اردن درآمد.

۱۹۶۵- دولت اردن برج‌های بخش جنوبی را تخریب، ویرانه‌های دژ را پاکسازی و بسیاری از ساختمان‌های تاریخی اطراف الحرام الابراهیمی را جهت گسترش فضای اطراف آن محو کرد [۱]. علاوه بر آن، برج شمال غربی با شکل و اندازه متفاوتی بازسازی مجدد شد [۱].

۱۹۶۷- با اینکه مسجد تحت قدرت دولت اردن بود، حمله نیروهای رژیم صهیونیستی ادامه یافته و در همین سال اولین بار یهودی‌ها به الحرام الابراهیمی وارد شدند.

۱۹۶۸- نیروهای رژیم صهیونیستی ورودی اصلی را برای اتصال الحرام با کپارات رابع تخریب کردند تا یهودی‌ها به جایگاه مقدس وارد شوند [۱].

۱۹۷۸- بخش‌های زیادی از الحرام توسط رژیم صهیونیستی در سال ۱۹۷۹ به کنیسه تبدیل شد. سالن ایشاکیا برای نماز گشوده شد [۱۱]. در ۱۹۹۴ بعد از قتل عام رژیم صهیونیستی، مهم‌ترین تغییر کالبدی که موجب مشکلات حفاظتی کنونی در مجموعه ساختمان‌های الحرام شد، بوجود آمد. در جریان حمله به مسلمانان نمازگزار در الحرام الابراهیمی، ساختمان به دو بخش تقسیم شد: بخش اول برای مسلمانان و بخش دیگر برای یهودی‌ها، با ورودی‌های مجزا [۱]. از سه ورودی ساختمان، دو عدد به طور مجزا مخصوص رژیم صهیونیستی بود و سومی برای مسلمانان بوده اما مسدود شده بود (تصویر ۲-۴).

توسعه تاریخی و محیط اجتماعی - سیاسی الحرام الابراهیمی در بالا به طور خلاصه توضیح داده شدند. در حال حاضر، شهر قدیمی از لحاظ کالبدی و مدیریتی به دو قسمت تقسیم شده، ولی تقسیم بندی در الحرام الابراهیمی از لحاظ عملکرد و استفاده صورت گرفته است. خطرات و مشکلات حفاظتی که موجودیت الحرام الابراهیمی را تهدید می‌کنند، بر اساس مطالعات میدانی و مستندسازی بر قسمت فلسطینی ساختمان که تا این مرحله قابل دسترسی بوده است، در زیر مشخص شده است. هنگامی که الحرام الابراهیمی و شهر قدیمی هر دو مورد مطالعه توسعه تاریخی قرار گرفتند، دو دسته از بلایا، طبیعی و انسانی، به عنوان عواملی که بافت سنتی، ساختمان تاریخی و ساکنانش را در طول تاریخ تهدید می‌کردند، برجسته بودند. یکی از این خطرات، خطرات ناشی از تقسیم مدیریتی و کالبدی شهر و محوطه است.

به خاطر این جداسازی، حفاظت از شهر قدیمی و ساختمان تاریخی از نظر قانونی، اداری، فنی و مسائل عملی سخت و حتی در برخی موارد غیرممکن شدند. این شرایط مدیریت خطرات مذکور و حتی تخمین احتمال موجودیت و اثرات ناشی از خطرات ممکن را سخت کرد. دومین خطر اصلی برای محیط تاریخی و مجموعه ساختمان‌ها خطرات بلایای طبیعی است که زلزله‌های دوره‌ای مشهور که در طول تاریخ در این منطقه رخ می‌دهد را شامل می‌شود. خطرات و تهدیدهایی که در حوزه حفاظت و پایداری رخ می‌دهند، در ادامه توضیح داده می‌شود. توافقنامه‌ها الحرام الابراهیمی را از لحاظ کالبدی به دو قسمت تقسیم کرده است، ولی مالکیت بناها همچنان مشکل‌ساز است، زیرا جایگاه مقدس توسط مسلمانان با بخش وقف تحت مالکیت بوده و کنترل آن با دولت رژیم صهیونیستی است. این جداسازی مشکلات زیادی برای حفاظت محدود تاریخی و یکپارچه ایجاد کرد و به دلیل ناممکن بودن نظرسنجی، ارزیابی و تجزیه و تحلیل مشکلات ساختاری و معمارانه در مجموع، از انجام اعمال مرمتی جلوگیری شد. پشتیبانی‌های فنی و لجستیکی نیز به دلیل شرایط تقسیم ساختمان و شهر برای کارهای مرمتی در این مجموعه ساختمانی پیچیده است. برای مثال، حمل و نقل مواد و تجهیزات به دلیل تمهیدات امنیتی، می‌تواند با مانع روبرو شود. برای مثال، انجام برخی از فعالیت‌های مرمتی نیاز به مجوز جهت استفاده از مواد شیمیایی لازم دارند ولی به دلیل خطرناک بودن، با مانع روبرو می‌شوند [۱۲]. به دلیل تمهیدات امنیتی، ورود به بسیاری از ساختمان‌ها و محوطه‌ها در منطقه تاریخی از زوایایی مانند حمل و نقل، تحت کنترل هستند و پست‌های بازرسی یا مانع ورود می‌شوند یا به طور مستقیم مسدود هستند. این شرایط ارتباط ملموس و ناملموس شهر قدیمی و الحرام الابراهیمی را ضعیف کرده و در برخی نقاط قطع می‌کند. در حوزه مدیریت خطر، برای مثال در مواقع آتش‌سوزی، زلزله و حمله جنگی، ورودی جاده‌ها و ساختمان‌ها که با بلوک‌های سیمانی و سیم خاردار مسدود هستند و پاسخ به نیازهای اضطراری از طریق وسایل نقلیه اورژانسی، مانند ماشین‌های آتش‌نشانی و آمبولانس در بسیاری از نقاط امکان پذیر نیست.

مرزهای فیزیکی نقاط امنیتی در ورودی اصلی و ورودی مجموعه‌ی الحرام الابراهیمی خروج مردم از دو طرف را در مواقع اضطراری غیرممکن می‌کند. در نظر گرفتن خطر تلفاتی که به دلیل هرج و مرج در مواقع اضطراری رخ می‌دهد، در این نقاط ضروری است.

مشکل دیگر کمبود نقشه‌های کامل تجزیه و تحلیل‌های مناطق تاریخی شهر و ساختمان‌های مربوط با شهر هبرون، است. علاوه بر این، مشکلاتی نیز وجود دارد که ساکنان شهر قدیمی را نگران می‌کند. سکونتگاه‌های تاریخی با کاربران آن‌ها یکپارچه هستند، اما؛ در الخلیل/هبرون، مرمت خانه‌های اجدادی به دلیل مالکیت چندگانه آن‌ها با مشکل روبرو است. امکان دارد یک خانه مالکان متفاوت و زیادی داشته باشد، که بیشتر آن‌ها در خارج از شهر قدیمی و یا حتی خارج از کشور زندگی می‌کنند [۱۳]. مشکلات دسترسی به شهر قدیمی، باعث منع فعالیت‌های توریستی شده است که می‌تواند برای حفاظت شهر و الحرام الابراهیمی نیز درآمدزایی کند.

در مدیریت حفاظت، مشکلاتی وجود دارد که سبب ایجاد نگرانی‌های فنی، مالی، و قانونی شده است. کمبود افراد دارای دانش فنی و متخصصان حفاظت به عنوان سرمایه اولیه؛ و مجموعه‌ای از

چالش‌های فنی برای پیدا کردن بهترین روش‌های توانبخشی جامع شهر قدیمی و الحرام الابراهیم وجود دارد. کمبود متخصصانی که برای حفاظت منطقه مسکونی کار می‌کنند، مشکل مهمی است. از سویی دیگر، در این شرایط محدود، حضور متخصصان خارجی که می‌توانند در خدمت حفاظت از سکونتگاه و مجموعه ساختمانی قرار بگیرند، اما؛ با محوطه و ساختمان‌ها آشنایی ندارند، می‌تواند به نتایج ناخواسته در تصمیمات مرمتی منجر شود. به همین دلیل، بهبود ظرفیت منابع بومی منطقه، ضروری است [۱۲].

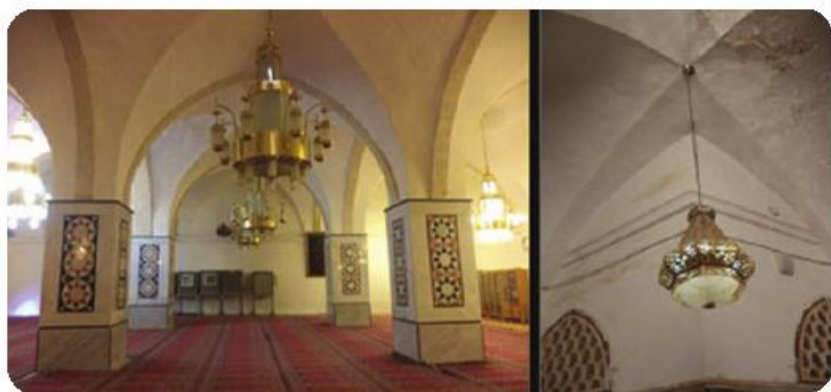
با تجزیه و تحلیل تاریخ بلایای منطقه مشخص شد که زلزله‌ها خطر طبیعی بنیادی هستند. مطالعاتی که بوسیله بخش وقف انجام گرفت، نشان داد که ساختمان بنا در شرایط خوبی است [۱۲]. با این حال، برای هر حادثه، تجزیه و تحلیل ثانویه خطر بلایا به اندازه خود بلایا، ضروری است. در بسیاری از زلزله‌ها، مانند زلزله بزرگ هنشین در ۱۹۹۵ و زلزله توهوکو-اوکی، بخشی از آسیب‌ها از تاثیر مستقیم تخریب ساختمان‌ها بوجود آمده و مشاهده شد که این عامل باعث شروع اثرات بلا شده است، بلایایی مانند آتش‌سوزی، هرج و مرج و مانند آن‌ها آسیب‌های بیشتری نسبت به خود بلایا به ساختمان و ساکنان وارد کرده است. بنابراین، تجزیه و تحلیل بنا، برای تعیی خطر زلزله در حوزه ساختمانی کافی نیست، بلکه تجزیه و تحلیل خطرات نیز به همان اندازه ضرورت دارد. برای حفاظت محوطه‌های باستان‌شناسی، رویکردها و فنون در زمینه روش‌های تخلیه و حفاظت ساختمان تغییر کرده‌اند. در نتیجه باید قوانین جدیدی در فلسطین برای باستان‌شناسی تصویب شود چرا که قوانین کنونی، که در فلسطین به کار می‌روند، از دوره سلطه انگلستان تغییر نکرده‌اند.

تصویر ۴: موانع جاده‌ای و ایست بازرسی رژیم صهیونیستی در ورودی



همان طور که در بالا توضیح داده شد، علت اصلی بسیاری از این مشکلات بر اساس تجزیه و تحلیل‌های انجام شده مشخص می‌شود. این تصمیم به تازگی توسط یونسکو در ۲۱/۱۰/۲۰۱۰، درباره‌ی این موضوع صادر شد. در صد و هشتاد و پنجمین جلسه هیئت اجرایی کنفرانس عمومی یونسکو، این مهم به تصویب رسید که «محوه‌های فلسطینی الحرام الابراهیمی/مقبره سرسلسله در الخلیل/هبرون بخش‌های جدایی‌ناپذیر سرزمین اشغالی فلسطینی هستند و هرگونه اقدام یک جانبه توسط مقامات رژیم صهیونیستی، باید نقض قوانین بین‌المللی قلمداد شود، کنوانسیون یونسکو و قطعنامه شورای امنیت و سازمان ملل متحد». حفاظت و استفاده از محوطه به طور مشخص در یادداشت‌های ریور ذکر شده است، این یادداشت در ۱۹۹۸ در رابطه با الخلیل/هبرون، الحرام الابراهیمی/مقبره سرسلسله توسط احزاب فلسطینی و رژیم صهیونیستی امضا شده است. علاوه بر این، قوانینی که باید در موقعیت منازعات برای حفاظت از میراث فرهنگی، رعایت شوند، توسط یونسکو آماده شده و در کنوانسیون لاهه (کنوانسیون نگهداری از دارایی‌های فرهنگی در رویدادهای منازعات مسلحانه، یونسکو ۱۹۵۴) و دومین پروتکل کنوانسیون لاهه (نگهداری از دارایی‌های فرهنگی در رویدادهای منازعات مسلحانه یونسکو، ۱۹۹۹) به وضوح ذکر شده‌اند. در مورد این محوطه، جهت حل مجدد خطرات و مشکلاتی که موجودیت این میراث فرهنگی را تهدید می‌کند، پرسش صورت گرفته و شرایط مثبت برجسته شدند، احترام به کنوانسیون‌های بین‌المللی و نشان دادن حداکثر تلاش جهت پیروی از شرایط کنوانسیون ضروری است.

پس از تقسیم محوطه، سیستم‌هایی منتشر و مکانیزم‌هایی برای حفاظت از شهر قدیمی و ساختمان قرار داده شدند. همان طور که در ابتدا بیان شد، بر اساس شرایط حاضر، این پژوهش تنها کارهای حفاظتی که توسط بخش فلسطینی محوطه صورت گرفته را معرفی کرده است. به تازگی، کمیته توانبخشی هبرون - تاسیس در ۱۹۹۶ - [۱۳] با همکاری بخش وقف، نوسازی کامل الحرام الابراهیمی را انجام داده است [۱۴]. پروژه بازسازی مجدد و توانبخشی محوطه، فواید زیادی داشته است: حفاظت از میراث معماری و بافت فرهنگی، سکنی دادن به اهالی، احیای اقتصادی، مبارزه با فقر و بی‌کاری، مبارزه با شهرک‌سازی‌ها و مصادره اموال، آماده‌سازی شهر قدیم برای بازگرداندن گردشگران، یکپارچه کردن شهر قدیم و شهر جدید هبرون [۱۳]. کمیته هبرون در سال ۲۰۱۳ برای «برنامه توانبخشی شهر قدیم هبرون» برنده جایزه جهانی سکونتگاه شد (تصویر ۵).



تصویر ۵: چپ، مسجد جوالی در بخش مسلمان؛ راست، طاق چهاربخش در بخش یهودی (عکس: رباب الشویکی، ۲۰۱۳)

به تازگی، شهرداری هبرون مطالعات اولیه‌ای برای ثبت سنگ‌نوشته‌های شهر قدیمی در فهرست میراث جهانی یونسکو (WHL) انجام داده است. شهرداری مسئولیت آماده‌سازی پرونده مذکور مطابق با رویه‌های کمیته میراث جهانی را متعهد شد. شورای حفاظت از میراث فرهنگی هبرون با



همکاری شهرداری تاسیس شده، و وزارت عتیقات و گردشگری و کمیته توانبخشی هیرون، به طور هماهنگ با هم برای آماده سازی پرونده عمل می‌کنند. علاوه بر این، تجربه دو نفر از متخصصان یونسکو در هدایت فرایند، مفید بوده است. متخصصان بین‌المللی این محوطه نامزد ثبت در فهرست جهانی را در مذاکرات مختلفی، مانند کنفرانس مقامات محلی اروپا در ونیز و استانبول حمایت کردند [۱۴،۱۶].

علاوه بر آن، شهرداری هیرون در اکتبر ۲۰۰۹ کمیته بین‌المللی حفاظت و توسعه شهر قدیمی هیرون را با همکاری شهرداری بلفورت و ارکویل در فرانسه تاسیس کرد. این کمیته به توسعه ارزش‌های جهانی میراث فرهنگی شهر قدیم کمک می‌کند و همچنین آن را برای ثبت در WHL تشویق می‌کند [۱،۲]. با این تلاش‌های محلی و بین‌المللی درک و مدیریت ارزش‌های میراث فرهنگی شهر قدیم هیرون را تسهیل شده است.

۵. ملاحظات نهایی

انتقال الحرام الابراهیمی به نسل‌های بعد با حفظ ارزش‌های نمادین آن از طریق موجودیت فیزیکی آن میسر است. بنابراین، معانی نمادین این جایگاه مقدس برای گروه‌های مختلف، نباید از موجودیت آن پیشی گرفته و تهدیدی برای آن شود. به منظور دستیابی به این هدف، بر اساس راهنمایی‌های بین‌المللی امر حفاظت باید رویکردی علمی اتخاذ شود.

برای حفاظت از بناهای تاریخی و محوطه‌ها، درک مدیریت خطر، مدیریت کاربران، بنا و محوطه با روشی جامع مهم است. با اینکه «مدیریت محوطه» به نظر می‌رسد تمام جنبه‌ها مانند کاربران و خود بنا، را پوشش داده است، در موارد خاصی مانند الحرام الابراهیمی/مقبره سرسلسله، هر جنبه مدیریتی باید به طور جداگانه در نظر گرفته شود.

برای فهم آن چه در بالا ذکر شد، محوطه و ساختمان الحرام الابراهیمی/مقبره سرسلسله باید به عنوان یک مجموعه کلی پذیرفته شود. برای حل مشکلات فنی، مالی، قانونی و مدیریتی و همچنین ایجاد رویکردی بی‌طرفانه در حفاظت، محوطه الحرام الابراهیمی/مقبره سرسلسله باید در فهرست میراث جهانی ثبت شود. برخی محوطه‌های مقدس، مانند محوطه الحرام الابراهیمی/مقره



سرسلسله، فارغ زمان و سیستم‌های عقیدتی هستند. بنابراین، هر کسی حق دارد برای انجام اعمال دینی خود با احترام به سایر عقیده‌ها از آن استفاده کند.

منابع:

- [1] A. Harb, Hebron City, Damascus University, Syria, 1964.
- [2] M. Addabak, Palestine our land, Dar ul-Huda, Palestine, 1991.
- [3] N. Aga, The Towns of Palestine, Arabic Establishment, Jordan, 1994.
- [4] N. Al-Jubeh (Ed.), Old Hebron, Hebron Rehabilitation Committee, Palestine, 2009.
- [5] Emad. Hamdan, Hebron Rehabilitation Committee, This week in Palestine 120 (2008) 1215-.
- [6] E. Hamdan, Winners and Finalists Hebron Old City Rehabilitation Programme 2013 <http://www.worldhabitatawards.org>.
- [7] Hebron, Agreement, 1997.
- [8] M. Hilmi, Hebron Rehabilitation Committee Report "HRC", 2014.
- [9] Hebron Rehabilitation Committee, Preservation of the Ibrahimi Mosque, 2011 <http://www.hrc.ps/index.php/en/ibrahimi-mosque/preservation-of-theibrahimi-mosque>.
- [10] Hebron Rehabilitation Committee, Al-Haram Al-Ibrahimi, This week in Palestine 120 (2008) 2426-.
- [11] Karp, A. Hebron History, <http://chabadhebron.com/hebron-history/>.
- [12] O. Khalid, Saving the Old City of Hebron, This week in Palestine 155 (2011) 4851-.
- [13] Sharrab, M. Al-Khalil, Al-Ahlya, Palestine.
- [14] Tutuncu, M. Turkish Palestine, Turkestan and Azerbaijan Research Centre.
- [15] <http://www.en.wikipedia.org>.
- [16] <http://www.hebron-city.ps/page.aspx?id=R9kic9a929862681aR9kic9>.



اعطای کاربری سازگار به مغازه‌های سنتی چینی در پروژه‌های نوسازی شهری دولت هنگ‌کنگ^۱

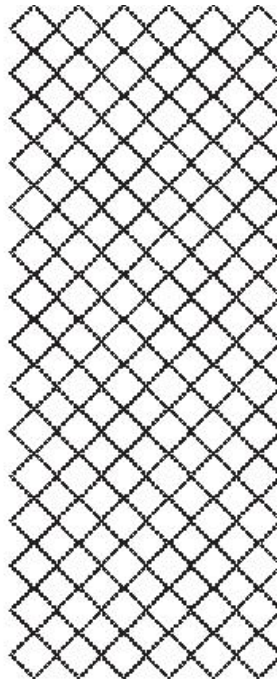
1. Adaptive reuse of traditional Chinese shophouses in government-led urban renewal projects in Hong Kong



نویسندگان: اسدیر اچ. کا یانگ^۱،
کرایگ لانگستون^۲، ادوین اچ.
دبلیو چان^۳
ترجمه: زهرا طالبی
دانشجوی کارشناسی ارشد
حفاظت و مرمت میراث شهری
دانشگاه هنر

چکیده: غالب مدیران و متخصصین حفاظت، معتقدند که بهره‌برداری متناسب از بناهای تاریخی، خود زمینه‌ای جدی برای تداوم پایداری شهر است. مغازه‌های سنتی چینی، گونه‌ای از بناهای شاخص تاریخی در محلات قدیمی شهرهای آسیا هستند. در هنگ‌کنگ، چندین فروشگاه باقی‌مانده که شرایط نامناسبی دارند و بر اثر طرح‌های نوسازی شهری در معرض تخریب قرار دارند. با این حال، بهره‌برداری متناسب از این بناها نیز منجر به نگرانی‌های اجتماعی بسیاری شده است. با توجه به این نگرانی‌ها، ارزیابی پتانسیل بهره‌برداری مجدد، نیاز به چارچوبی فراتر از شرایط فیزیکی بنا دارد. این پژوهش به بررسی میزان تأثیر متروک بودن، ارزش میراثی و فشارهای بازتوسعه شهری، در تعیین کاربری متناسب برای مغازه‌های سنتی در پروژه‌های بازسازی شهری تحت مدیریت دولت می‌پردازد. جالب توجه است؛ نتایج مبتنی بر پتانسیل کاربری مجدد در هشت نمونه موردی، هیچ رابطه سازگاری بین اقدامات کاربری مجدد در مناطق بازسازی شهری هنگ‌کنگ پیدا نمی‌کند؛ در عوض تعیین می‌کند که در برنامه بازسازی شهری هستند یا خیر. این مطالعه چارچوب پایداری شهری در هشت نمونه مورد مطالعه در زمینه کاربری مجدد مغازه‌های سنتی در سه ناحیه نوسازی شده را بررسی می‌کند. این پژوهش شامل تحلیل کیفی از ملاحظات اجتماعی، زیست محیطی، اقتصادی و سیاسی است؛ که به کاربری مجدد مغازه‌ها در نوسازی شهری کمک می‌کند.

1. Ether H.k. Yang / Department of Building and Real Estate, The Hong Kong Polytechnic University, Hung Hom, Kowloon, Hong Kong Special Administrative Region
2. Craig Langston / Department of Construction and Facilities Management, Institute of Sustainable Development and Architecture, Bond University, Gold Coast, Australia
3. Edwin H.W Chan



مقدمه:

اعطای کاربری متناسب ساختمان‌های تاریخی به عنوان رویکردی پایدار برای حفاظت از محیط زیست در سطح جهانی شناخته شده است (Cohen, Rodwell, ۱۹۹۹; UNESCO, ۲۰۰۷). با این حال، چالش‌های زیادی برای افزایش پایداری به ویژه در مناطق نوسازی شهری در شهرهای تاریخی جنوب شرقی آسیا که فشارهای بازتوسعه زیاد است؛ وجود دارد. یکی از مسائل اساسی نوسازی شهری، تمرکز محدود بر بازسازی و تخریب، و نه معاصرسازی شهری است. این دومین فرآیند اجتماعی و اقتصادی هست؛ که شامل یک جامعه، تأثیر محیطی و میراث فرهنگی می‌شود. اغلب پروژه‌های نوسازی شهری به طور جدی گرفتار نقض حقوق مالکیت، در اثر فسخ زود هنگام و یک طرفه و سرمایه گذاری‌های بازتوسعه که از طریق چنین اقداماتی سود می‌برند؛ هستند (Lai, ۲۰۰۲). اخراج اجباری ساکنان، در واکنش به احیای مغازه‌ها در پروژه‌های نوسازی شهری بیشتر مشهود است. مغازه‌های سنتی (Shophouses) به صورت ساختمان‌های دو تا چهار طبقه با کسب و کار در طبقه همکف و خانه‌های مالک فروشگاه در طبقه بالا طراحی شده‌اند. در محدوده‌ی پروژه‌های نوسازی شهری، صاحبان مغازه‌ها اغلب مجبور به جابه‌جایی شدند. شواهد تجربی نیز نشان می‌دهد که پروژه‌های نوسازی شهری، مغازه‌های سنتی چینی را که معمولاً در طبقات قرار دارند، نابود کرده‌اند (Lai et al, ۲۰۰۷).

علاوه بر این، کاربری مجدد متناسب مغازه‌ها نیز اغلب منجر به پدیده اجتماعی ناهنجاری و نوسازی شده‌است. به عنوان مثال، بسیاری از مغازه‌ها به دفاتر، رستوران‌ها و شرکت‌های فرهنگی طبقه متوسط بدون دسترسی عمومی تبدیل شده‌اند (Chang & Teo, ۲۰۰۹; Yeoh & Kong, ۱۹۹۴; Chang, ۲۰۱۰) که معمولاً اعتبار یک ناحیه و تداوم شیوه اصلی زندگی را به خطر می‌اندازند (Gotham, ۲۰۰۷; Urry, ۲۰۰۲). با توجه به همه این مسائل، مفهوم پایداری شهری از لحاظ ابعاد اجتماعی، اقتصادی، محیطی و سیاسی باید بیشتر در طرح‌های احیای مناطق نوسازی شهری مورد توجه قرار گیرد (UN-Habitat, ۲۰۰۴).

حفاظت از میراث در هنگ‌کنگ به ویژه در مناطق نوسازی شهری، با توجه به فشار زیاد برای توسعه زمین و تقاضای مسکن و نیز جبران حقوق توسعه، با چالش‌های بسیاری مواجه است (لوه، ۲۰۰۴؛ یونگ، ۲۰۰۷). در نتیجه این مسائل، تنها تعداد کمی از مغازه‌های شخصی باقی‌مانده در مراکز شهری متراکم وجود دارد که بین ساختمان‌های جدید بلندمرتبه احاطه شده‌اند. این از محله‌های چینی که در مناطقی مانند سنگاپور و محله‌هایی از مالزیه قرار دارند، متفاوت است؛ که در آن سطوح مداوم از مغازه‌های سنتی وجود دارد و سبک و نوع معماری آنها تا حد زیادی حفظ شده است (Baroldin & Din, ۲۰۱۲; Davison & Tettoni, ۲۰۱۰; Lee, ۱۹۹۶; Lee, Lim, & Aini, ۲۰۰۸; Tajudeen, ۲۰۱۲). اخیراً، تعدادی از پروژه‌های تحت نظارت دولت شامل کاربری مجدد مغازه‌ها در مناطق نوسازی شهری تکمیل گردید؛ اما به دلیل نابودی محله‌های موجود و انحصار زدایی، انتقادات زیادی را به خود جلب کردند. بنابراین، در این پژوهش، سؤالات زیر در نظر گرفته شده است: (۱) نوسازی شهری در اعطای کاربری مجدد مغازه‌های سنتی چینی چه نقشی را بازی می‌کند؟ و (۲) فاکتورهای پایداری شهری که باید در تعیین کاربری مجدد مغازه‌های سنتی چینی در مناطق نوسازی شهری مورد توجه قرار گیرد، کدامند؟ به عنوان محلات نوسازی شهری ادعا می‌کند که شرایط فیزیکی ساختمان‌ها باید به عنوان فاکتور اول مداخلات کاربری مجدد در مشکلات مربوط به فرسودگی شهری در نواحی متروکه باشد. به طور خاص، با در نظر گرفتن میزان متروکه بودن، ارزش میراثی، شرایط اجتماعی-اقتصادی و یا برنامه‌های نوسازی شهری، مطالعه ما بررسی می‌کند که دولت‌ها بر چه اساس کاربری مجدد متناسب مغازه‌ها را به عنوان بخشی از پروژه‌های نوسازی شهری انتخاب می‌کنند.

با توجه به بودجه محدود دولت، اولویت با استفاده مجدد از انبوه ساختمان‌های قدیمی است و میزان متروکه بودن، یکی از راه‌های ممکن برای تصمیم‌گیری در مورد نیاز به حفاظت است. با این حال، این مطالعه فراتر از موضوع ساختار فیزیکی، به در نظر گرفتن حفاظت از مغازه‌های سنتی در حکومت، سیاست و چارچوب پایداری شهری می‌پردازد. در این مطالعه، از مدل پتانسیل کاربری مجدد سازگار (ARP) به عنوان یک رویکرد فنی برای ارزیابی هشت نمونه موجود از این مغازه‌ها در

هنگ‌کنگ که توسط اداره نوسازی شهری (URA) مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرند؛ استفاده می‌شود. تجزیه و تحلیل کیفی نمونه‌ها جهت بررسی ارتباط آنها با پایداری شهری، با استفاده از ترکیب روش‌های بررسی آرشيو، روزنامه، گزارش و بحث با منتقدان حفاظت و برنامه ریزی، متخصصان دانشگاهی، مقامات URA و شرکای پروژه، به دست می‌آید. این مقاله با ارائه مرور ادبیات در مورد روند احیای مغازه‌ها در هنگ‌کنگ و به ویژه مشکلات و مسائل مرتبط با پتانسیل کاربری مجدد متناسب، آغاز می‌گردد. در ادامه، خلاصه‌ای از چارچوب مفهومی مدل ARP، سپس نتایج و بحث در مورد نمونه‌های مورد مطالعه و برخی از توصیه‌ها برای چارچوب پایداری گسترده‌تر جهت اولویت بندی کاربری مجدد در پروژه‌های نوسازی شهری ارائه می‌گردد.

انعطاف پذیری و پایداری شهری در بهره‌برداری مجدد سازگار

رابطه قوی بین استفاده مجدد از ساختمان‌های تاریخی و توسعه شهری پایدار به رسمیت شناخته شده است (Bromley, Tallon & Thomas, ۲۰۰۵; Bullen & Love, ۲۰۱۰; Steinberg, ۱۹۹۶; Tse, ۲۰۰۹). استفاده مجدد سازگار به هرگونه مداخله‌ای گفته می‌شود که باعث تنظیم، بهره‌برداری مجدد، ارتقاء یا تغییر ظرفیت یک بنا برای مطابقت با شرایط یا الزامات جدید، در زمانی که فعالیت سابق منسوخ شده است (داگلاس، ۲۰۰۶). پروژه‌های بهره‌برداری مجدد سازگار با ماهیت بنا علاوه بر مزایای اقتصادی و اجتماعی باعث ایجاد گردشگری و فرصت‌های شغلی می‌گردد (Tweed & Sutherland, ۲۰۰۷).

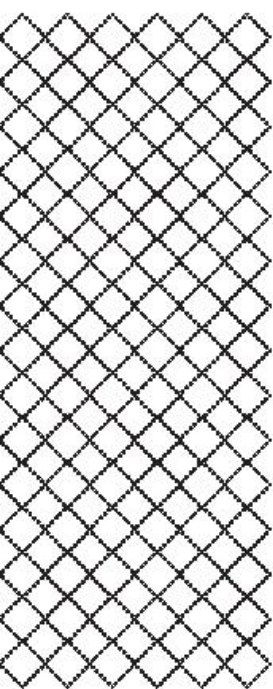
با این حال، چالش عمده، در برقراری تعادل بین حیات اقتصادی و اهمیت فرهنگی برای ساختمان‌های میراثی است (Murtagh, ۲۰۰۶; Wang & Zeng, ۲۰۱۰). با توجه به مزایای اجتماعی، کاربری مجدد سازگار از بناهای تاریخی، باعث حفظ ارزش میراث نامشهود آنها می‌شود. این بناها می‌توانند خیابان‌ها را بهبود ببخشند، هویت محلی را غنی‌سازی و حس مکان را فراهم کنند (Lowenthal & Binney, ۱۹۸۱). علاوه بر این، کاربری مجدد سازگار از بناهای تاریخی می‌تواند تشویق‌کننده تداوم زندگی اجتماعی و به عنوان مخالف اخراج اجباری ساکنان که معمولاً منجر به فقیرنشینی و کاهش ظرفیت اجتماعی می‌گردد؛ عمل کند (کامرون، ۲۰۰۳؛ یونسکو ۲۰۰۷؛ یونگ و چان، ۲۰۱۲؛ Pendlebury و همکاران، ۲۰۰۴).

بهره‌برداری مجدد از یک بنا تاریخی قطعاً مزایای زیست محیطی در استفاده مجدد از مواد و عناصر ساختاری، کاهش زباله‌ها و انتشار کربن جدید و صرفه جویی در انرژی مصرفی را نیز فراهم می‌آورد (Bromley et al, ۲۰۰۵; Bullen, ۲۰۰۷; DEH, ۲۰۰۴). همانطور که جاکوبز (۱۹۶۱) استدلال می‌کند، سبزترین ساختمان‌ها آن‌هایی هستند که قبلاً ساخته شده‌اند. از این دیدگاه، استفاده مجدد سازگار با مفهوم ساختمان سبز بسیار نزدیک است. مدافعان مفهوم استفاده مجدد سازگار سبز، تأکید بر ترکیب طراحی زیست محیطی و استفاده از فناوری‌های به‌کاررفته در بناهای موجود و به ویژه چرخه مصرف انرژی در تمام عمر بنا توجه می‌کنند (موسسه گتی محافظت، ۲۰۱۱; Langston, ۲۰۱۰). مفهوم پایداری عمیق سبز، که مزایای کاربری مجدد سازگار را برجسته می‌کند و با تکنولوژی‌های کم‌انرژی که با ویژگی‌های جغرافیایی محلی سازگاری دارند؛ اخیراً مورد توجه قرار گرفته است (Boschmann & Garbiel, ۲۰۱۳). ایدئولوژی عمیق سبز نیز به ساختمان‌های سنتی بومی نزدیک است؛ که شامل روش‌های ساخت و ساز، طرح‌ها و مصالح خاص برای یک منطقه محلی می‌شود.

به طور خاص، تنظیمات باید ویژگی‌های مربوط به اصول و شیوه‌های پایداری شهری مانند مکان و موقعیت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی منطقه را شامل شوند (Boschmann & Garbiel, ۲۰۱۳; Cidell & Beata, ۲۰۰۹). این ایدئولوژی به‌طور وسیع‌تر در مورد اولویت بندی کاربری مجدد بناهای تاریخی در نواحی متراکم شهری اهمیت دارد.

ارزیابی ظرفیت‌های بهره‌برداری متناسب از بناهای تاریخی:

مرور تجربیات نشان می‌دهد که روش‌های مختلف فنی و سیستماتیک برای ارزیابی پتانسیل کاربری مجدد سازگار از بناهای تاریخی وجود دارد؛ با این حال، هیچ‌یک به وضوح ابعاد متفاوت پایداری را ارزیابی نمی‌کنند. بررسی ساختمان‌های اداری جهت تناسب آنها برای تبدیل به مسکن (Geraedts & Van der Voordt, ۲۰۰۷) و اعطای نمرات وزنی پایداری برای تعیین کاربری مجدد متناسب بناها با عملکرد دیگر (Hek, Kamstra, & Geraedts, ۲۰۰۴) از روش‌های ارزیابی است.



Zijlstra (۲۰۰۶) مطالعه‌ای با بررسی جنبه‌های متنی ساختمان، از جمله کمیسیون اولیه، محل و معمار، برای تصمیم‌گیری در مورد پتانسیل تغییرپذیری ساختمان، انجام داد. همچنین رویکرد معماری، درک ارزش معماری، ارزش استفاده، ارزش تاریخی و فرهنگی یک بنای موجود، همراه با امکان بهره‌برداری جدید (Oudijk, Remøy, & Van der Voordt, ۲۰۰۷) را نیز بررسی می‌کند. اخیراً، ویلکینسون (۲۰۱۱) مدل ارزیابی مقدماتی سازگاری (PAAM) را برای ارزیابی پتانسیل انطباق ساختمان اداری توسعه داد. با این حال، در تمام این مدل‌ها، ابزارها و روش‌ها تمرکز بر روی ایجاد جنبه‌های علمی است.

در مقابل، مدل ظرفیت اعطای کاربری سازگار (ARP) (Adaptive Reuse Potential)، تناسب ساختمان‌ها را از نظر هفت جنبه ماندگاری که نزدیک به پایداری است، بررسی می‌کند. مفهوم ARP از اواخر سال ۲۰۰۰ توسعه یافت و به ارزیابی و اولویت‌بندی بناهای موجود که متروک شده یا در حال متروکه شدن که با "زندگی فیزیکی جاسازی شده" باقی مانده بودند؛ پرداخت. مدل ARP عمدتاً عمر مفید مورد انتظار ساختمان‌ها را برآورد می‌کند (Langston, ۲۰۱۱).

لانگستون (۲۰۱۲) اعتبارسنجی مدلی را ارائه داد که شامل تعداد زیادی از مطالعات موردی بین‌المللی می‌شد. با این حال، روشن است که این مدل همیشه درست نیست. با توجه به پیش‌بینی‌های گذشته در زمینه عمر مفید بناها، نشان داده شده که در اکثر موارد کمتر یا بیش از واقعیت برآورد شده است؛ اما نتایج به طور میانگین دلگرم‌کننده است و نمره می‌تواند یک شاخص عینی بسیار مفید برای ارجاع را فراهم کند.

مزیت این مدل عمدتاً در جمع کردن سهامی از بورس اوراق بهادار است، تا بتوان منابع را در برنامه ریزی و ارزیابی دقیق قرار داد. در این مطالعه، مدل ARP را جهت ارزیابی پتانسیل کاربری مجدد متناسب در هشت نمونه انتخاب شده از مغازه‌ها، اتخاذ می‌کنیم.

جایگاه مغازه‌های سنتی چینی و سیر تکامل آنها در هنگ‌کنگ:

مغازه‌های سنتی در لبه خیابان‌ها ساخته شده و نمای یکنواخت و پیوسته داشتند. مغازه‌ها دارای ویژگی‌های معماری خاص خانه‌های سنتی در بخش جنوبی چین و آسیای جنوب شرقی در دوران استعماری در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم هستند (چونگ، ۲۰۰۰) که برای تأمین نیازهای تجاری جامعه در یک محیط کوچک شهری ایجاد شده بودند. آنها دارای نمای باریک و پیاده‌رویی با پوشش سقف گسترده در جلو هستند، که در ایجاد آب و هوای مناسب و کارایی در همه شرایط اقلیمی کمک می‌کند؛ همچنین ایوان و بالکن با طراحی زیست‌محیطی، پاسخو به آب و هوای گرم و مرطوب گرمسیری جنوب شرقی آسیا هستند.

در هنگ‌کنگ، بسیاری از مغازه‌های سنتی چینی بین دهه ۱۸۴۰ و دهه ۱۹۶۰ به صورت سه طبقه، به صورت پشت‌به‌پشت ساخته شده بودند و هیچ‌گونه تأسیسات بهداشتی نداشتند. مغازه‌ها در هنگ‌کنگ به چندین نوع متمایز تبدیل شده‌اند. به عنوان مثال، در سال‌های ۱۸۷۰، مغازه‌ها دارای پیاده‌روهای ستون‌دار، بالکن‌های کنسول شده، پله در نما و نمای تخت بودند (Lee, ۲۰۰۹). در سال ۱۹۰۳، دولت حداکثر ارتفاع ۹ فوت (۲٫۷ متر) را به حداکثر چهار طبقه افزایش داد و به دلیل ممنوعیت سرپوشیده بودن گذر زیر ساختمان‌ها در قوانین دهه ۱۹۶۰، مغازه‌های دارای بالکن در هنگ‌کنگ نادر هستند (آثار باستانی، ۲۰۰۹). این حکم در سال ۱۹۶۴ تغییر کرد، بنابراین از آن زمان هیچ مغازه‌ای ساخته نشد. بنابراین، مغازه‌ها به نوعی معماری نادر و دارای ارزش حفاظت، تبدیل شده‌اند.

اگر چه بسیاری از مغازه‌ها به عنوان بخشی از برنامه‌های نوسازی شهری تخریب شده، اما برخی از آن‌ها نیز حفظ و مورد کاربری مجدد واقع شده‌اند و به رغم مخروبه شدن و اعمال تغییرات و مداخلات غیرمجاز مغازه‌ها در هنگ‌کنگ، نمونه‌های معتبر از سبک رایج دوره قبل از جنگ، مصالح و دکوراسیون‌های اصلی خود را حفظ کرده‌اند (Ancient Wares, ۲۰۰۹). علاوه بر این، مغازه‌ها به عنوان نماینده‌ای از هویت جمعی هنگ‌کنگ (Chu, ۲۰۱۲) دیده می‌شوند و از این رو، دارای ارزش میراثی قابل توجه، ارزش اجتماعی و منافع محلی هستند. همچنین شواهد عینی تاریخ جدایی نژادی بین بومیان چینی و جمعیت اروپایی در قرن هجده و اوایل قرن نوزدهم و شیوه زندگی چینی را در مقایسه با استانداردهای غربی بهداشت و فرهنگ منعکس می‌کنند (Chu, ۲۰۱۲). مغازه‌ها به عنوان گونه‌ای از مسکن طراحی شده‌اند، که بین چندین خانوار تقسیم می‌شوند (Leeming, ۱۹۷۷). در فضای داخلی،

شرایط زندگی محدود به نیم طبقه‌ها و اتاق‌های زیرپله می‌شد؛ که با ایجاد فضای خواب بیشتر، باعث ایجاد ازدحام بیش از حد جمعیت در ساختمان‌ها شده بود. با توجه به افزایش هجوم پناهندگان بی‌سرپناه، در نیمه دوم قرن نوزدهم، صاحبان، خانه‌های خود را تقسیم کردند تا درآمد اجاره‌ای خود را از مستاجران افزایش دهند. حضور مغازه‌ها هنوز هم نشان دهنده فضا و نماد یک موقعیت اجتماعی خاص در تاریخ استعماری هنگ‌کنگ است.

نقش نوسازی شهری در حفاظت از مغازه‌های سنتی هنگ‌کنگ؛

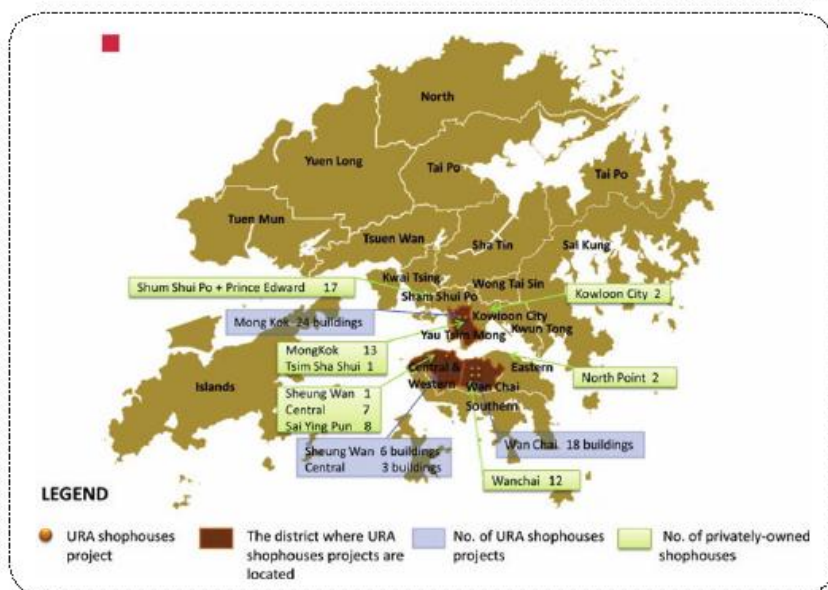
مغازه‌های سنتی و میراث ساخته شده توسط مردم در هنگ‌کنگ، سی سال پیش به اندازه امروزه ارزشمند نبوده‌اند؛ به این دلیل که بسیاری از مغازه‌ها در محله‌های قدیمی واقع شده‌اند و صاحبان، اگر ساختمان‌های خود را به توسعه‌دهندگان برای بازتوسعه می‌فروختند؛ می‌توانستند قیمت بالایی را در قبال فروش زمین آنها به دست آورند. تنها چند فروشگاه باقی‌مانده که به صورت ساختارهای تک و بلوک‌های کوچک یا یک منطقه و سایت کوچک با پتانسیل توسعه محدودتر از سایت‌های بزرگ هستند. تمرکز حفاظت از ساختمان‌های تاریخی عمدتاً بر تک ساختمان‌ها بیشتر از تمام خیابان‌ها و یا مناطق حفاظت شده است. علاوه بر این، در سیستم برنامه‌ریزی شهری که عمدتاً مسئول برنامه‌ریزی طرح کلی و طرح‌های شهری دقیق، مطالعه ارزش‌های گروهی و زمینه‌های گسترده‌تر در ارتباط با حفاظت و بهره‌برداری مجدد سازگار از آنها را در نظر گرفته است و تعداد بسیار کمی از مغازه‌ها در مناطق شهری جان سالم به در برده‌اند، که طی دو یا سه دهه اخیر منجر به آغاز تلاش برای حفاظت از مغازه‌ها شده است.

بر اساس آخرین فهرست در سال ۲۰۱۳، تعداد ۱۴۴۴ ساختمان تاریخی درجه ۱ در دسترس عموم وجود دارد (AMO، ۲۰۱۳) و پروژه‌های اعلام شده توسط URA، تنها شامل حدود ۱۱۴ ساختمان مغازه سنتی باقی‌مانده در هنگ‌کنگ که در محله‌های مختلف قرار گرفته‌اند، می‌باشد (شکل ۱). URA حدود ۷۳ مغازه به سبک دوره قبل از جنگ در داخل و اطراف مناطق نوسازی شهری (URA، ۲۰۰۸) شناسایی کرده که شرایط آنها باهم متفاوت است. URA یک تیم مشاور را جهت انجام مطالعه برای حفظ ۵۶ مورد از آنها بر اساس اصول و استانداردهای حفاظت بین‌المللی به کار گرفته است. اما به استثنای توجه به ارزش میراثی آنها، شایستگی‌های معماری و اهمیت فرهنگی، فاکتورهای عملی مانند الگوی مالکیت، ارزش بازار، محدودیت‌های فیزیکی برای بازسازی، قابلیت بهره‌برداری مجدد و سازگار شدن که بر حفاظت از مغازه‌ها تأثیر گذارند را نیز در نظر گرفته است (URA، ۲۰۰۸). URA برنامه‌های خود را برای بازگرداندن ۴۸ مغازه سبک دوره قبل از جنگ در سال ۲۰۰۸ اعلام کرد (URA، ۲۰۰۸) و اخیراً شروع به بهره‌برداری مجدد از مغازه‌های واقع در نزدیکی و درون پروژه‌های توسعه‌ای خود کرده است. تلاش‌های این نهاد، به دلیل تبدیل ساختمان‌ها به کسب و کارهای گران‌قیمت، توسط منتقدان مورد بحث بوده است (Yung & Chan، ۲۰۱۲). URA ادعا کرده‌است که تأکید بر تضمین فضای کسب و کار روزمره به حفظ ویژگی‌های محلی و تقویت هویت منطقه کمک می‌کند. همچنین، ادعا می‌کند که محله‌های بازسازی شده تأثیر مثبتی بر ساکنین اصلی داشته و تجارت را تشویق کرده‌اند، ولی در واقع، بسیاری از ساکنان مجبور به خروج از محله شده و نیز املاک خود را به URA با توافق یک‌جانبه فروختند. نتیجه این رویکرد نشان می‌دهد که استفاده مجدد از میراث به بالا رفتن ارزش اموال منجر شده است. بعضی ممکن است استدلال کنند که این استراتژی باعث حفظ برخی از ساختمان‌های میراثی می‌شود، اما هزینه‌های اجتماعی نوسازی شهری در این موارد بسیار زیاد است. با توجه به مسائلی که در بالا ذکر شد؛ ضروری است که عوامل تعیین‌کننده برای اولویت بندی کاربری مجدد مغازه‌ها جهت بهبود پایداری شهری مورد بررسی قرار گیرد. از این رو، مطالعه بعدی صورت گرفت.

روش:

این مطالعه هم ارزیابی فنی و هم تحلیلی کیفی از هشت پروژه مغازه سنتی در سه منطقه مختلف هنگ‌کنگ را شامل می‌شود. مدل ARP برای شناسایی و اولویت‌بندی مغازه‌های موجود جهت تعیین کاربری مجدد سازگار، هفت جنبه از منسوخ شدن، یعنی ساختار فیزیکی، اقتصادی، اجتماعی، عملکردی، فنی، قانونی و سیاسی را مورد توجه قرار می‌دهد. مدل ARP در طول چرخه زندگی یک

دارایی دچار افزایش و کاهش می‌باشد. هنگامی که تخمین سن بنا با عمر مفید ساختمان (نقطه منسوخ شدن) برابر شد، به حداکثر پتانسیل رسیده‌است و نشان‌دهنده مناسب‌ترین زمان برای مداخله بهره‌برداری مجدد می‌باشد. زندگی فیزیکی هر ساختمان با استفاده از "الگو یا محاسبات" پیش‌بینی شده‌است، که زمینه زیست محیطی، مشخصات عملکردی و یکپارچگی ساختاری را از مجموعه‌ای از سوالات که نیاز به پاسخ بله/خیر دارند؛ تعیین می‌کند. عمر مفید، بخشی از چرخه زندگی پروژه‌هاست و با کاهش زندگی فیزیکی محاسبه می‌شود، جایی که میزان این کاهش، معادل مجموع هفت جنبه منسوخیت در پیش‌بینی‌های سالیانه است. مقادیر بالای منسوخیت منجر به کاهش عمر مفید می‌شود و بالعکس مقادیر بالا نشان می‌دهد که پروژه‌ها در حال منسوخ شدن هستند. در جایی که سن فعلی ساختمان نزدیک و کمتر از عمر مفید است، مدل توصیه می‌کند که تصمیم‌گیری در مورد اعطای کاربری مجدد سازگار باید انجام شود و برنامه ریزی ضروری آغاز گردد. هشت مجموعه انتخاب شده از مغازه‌ها در سه مرحله حین اجرا، پیشرفت و تکمیل پروژه‌های بازسازی URA و اعطای کاربری مجدد سازگار در شهر هنگ‌کنگ مورد بررسی قرار می‌گیرند. این اطلاعات در وب سایت URA (URA، اداره بازسازی شهری، ۲۰۱۲) اعلام و در جدول ۱ ذکر شده‌اند. تمام زیرمجموعه‌های ARP از وب سایت URA و بازرسی‌های داخلی بررسی و ارائه گردیده است. تجزیه و تحلیل کیفی به مسائل اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و اختلافات مطرح شده در این پروژه‌ها می‌پردازد و اطلاعات زمینه‌ای نمونه‌های مورد مطالعه از آرشیوهای محلی، روزنامه‌ها و اطلاعات URA و گزارش‌های حفاظت برداشت شده است. مصاحبه‌های عمیقی با شرکت‌کنندگان پروژه، مقامات URA، منتقدان حفاظت و دانشگاهیان در ماه مه و دسامبر ۲۰۱۲ صورت گرفته و بر مسائل اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی که اهمیت حیاتی جهت ارزیابی توسعه پایدار دارند؛ تأکید داشت (Tiesdell, Oc, & Heath, 1996).



تصویر شماره ۱ (نقشه محل قرارگیری مغازه‌های سنتی به جا مانده در هنگ‌کنگ)

بررسی نمونه‌های موردی:

جدول ۱ خلاصه‌ای از هشت نمونه مورد مطالعه مغازه‌ها و عکس‌های آنها را ارائه می‌دهد که شامل توضیح مختصر در زمینه تعداد بناها، تاریخ ساخت و بازسازی و اینکه آیا آن‌ها در یک برنامه بازسازی URA قرار دارند یا خیر می‌باشد.

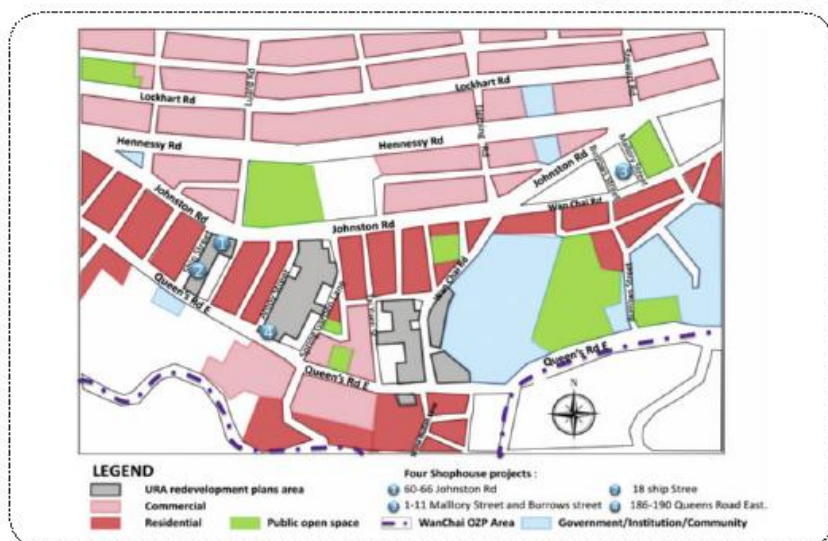
| ردیف | نام پروژه | تعداد مغازه ها | تاریخ ساخت | تاریخ مرمت | طرح توسعه مجدد |
|------|---|----------------|-------------------|------------|--|
| 1 | 11-1 خیابان مالری و 6-12 خیابان باروز وانچای | 10 | 1925 | 2013 | خیابان مالری و خیابان باروز پروژه احیاء |
| 2 | 66-60 جاده جانستون وانچای | 4 | 1888 | 2008 | بخشی از پروژه بازسازی توسعه جونز استون |
| 3 | 18 خیابان شیپ وانچای | 1 | 1930 | 1946 | بخشی از پروژه بازسازی توسعه جونز استون |
| 4 | 190-186 جاده کوئینز شرق وانچای | 3 | 1930 | - | بخشی از پروژه بازسازی خیابان لی تونگ / خیابان مک گرگور |
| 5 | 204-190 و 212-210 جاده پرنس ادوارد شرق مونگ کک | 10 | 1930 | - | برنامه توسعه مجدد URA هنوز وجود ندارد |
| 6 | 602-600 خیابان شانگهای | 14 | 1920-26 و 1963-64 | - | برنامه توسعه مجدد URA هنوز وجود ندارد |
| 7 | 2-1، 9-10 و 11-12 یو لوک لاین، شونگ وان | 6 | 1930 | - | بخشی از پروژه بازسازی مرکز خیابان سوم / یو لوک لاین |
| 8 | خیابان 120 ولینگتون و خیابان گرام 26 a-c گراهام مرکزی | 3 | 1930 | - | بخشی از پروژه باز سازی خیابان پل و خیابان گراهام |

جدول شماره ۱ (جزئیات پروژه های فروشگاه های سنتی)

نتایج کلی مدل ARP در جدول ۲ ارائه شده است. به عنوان یک رهنمود کلی، نمرات ARP بیش از ۵۰ درصد نشان دهنده پتانسیل بالای اعطای کاربری مجدد سازگار و نمرات زیر ۲۰ درصد نشان دهنده پتانسیل کم است. حداکثر نمرات ARP زمانی تعیین می شود که عمر مفید بنا یا سن ساختمان نزدیکی داشته باشد. مقادیر بالا نیز نشان دهنده آن است که سال ۲۰۱۲ سال بهینه برای مداخله اعطای کاربری مجدد سازگار در این پروژه ها است.

| شماره | نام پروژه | سن کنونی (سال) | دوام فیزیکی (سال) | عمر مفید (سال) | پروژه ARP (%) | ماکزیموم ARP (%) | نتیجه مدل ARP | تاخیر |
|-------|---------------------|----------------|-------------------|----------------|---------------|------------------|--------------------------|-------|
| 1 | خیابان مالری | 87 | 100 | 55.0 | 20.1 | 68.8 | کم ARP و کاهش می یابد | 32.0 |
| 2 | جاده جانستون | 120 | 150 | 100.6 | 33.4 | 55.0 | متوسط ARP و کاهش می یابد | 19.4 |
| 3 | خیابان شیپ | 66 | 100 | 52.3 | 51.8 | 72.6 | ARP بالا و کاهش می یابد | 13.7 |
| 4 | جاده کوئینز شرقی | 82 | 100 | 55.0 | 27.9 | 69.8 | متوسط ARP و کاهش می یابد | 27.0 |
| 5 | جاده شاهزاده ادوارد | 82 | 100 | 49.8 | 27.0 | 75.2 | متوسط ARP و کاهش می یابد | 32.2 |
| 6 | خیابان شانگهای | 92 | 100 | 52.3 | 12.2 | 72.6 | کم ARP و کاهش می یابد | 39.7 |
| 7 | یولوک لاین | 82 | 100 | 57.8 | 28.4 | 66.6 | متوسط ARP و کاهش می یابد | 24.2 |
| 8 | خیابان ویلنگتون | 82 | 100 | 57.8 | 28.4 | 66.6 | متوسط ARP و کاهش می یابد | 24.2 |

جدول شماره ۲ (خلاصه نتایج ARP)



تصویر شماره ۲ (نقشه منطقه وان چای و موقعیت فروشگاه های سنتی)

مغازه‌های منطقه وان‌چای:

مغازه‌ها تا اواخر دهه ۱۹۴۰ گونه ساختمانی غالب در منطقه وان‌چای بوده و اکثر آنها در زمین‌هایی که تا قبل از سال ۱۸۸۸ بایر بوده، واقع شده‌اند. بهره‌برداری مجدد مغازه‌ها تنها یکی از پروژه‌های بسیاری بود که در نظر داشت منطقه‌ی وان‌چای را به طور کامل بهبود بخشد.

چهار پروژه مغازه‌های سنتی در وان‌چای، بخشی از پروژه URA واقع در قلب منطقه وان‌چای برای توسعه جامع، از جمله توسعه مجدد املاک، اعطای کاربری مجدد به ساختمان‌ها و حفاظت از مغازه‌های قبل از جنگ است. تأکید می‌شود که این مغازه‌ها در منطقه مسکونی واقع شده‌اند. (شکل ۲)

۶۰-۶۶ خیابان جانستون، وان‌چای:

جاده ۶۰-۶۶ جانسون شامل چهار مغازه سنتی چینی که در طول سال‌های قبل از جنگ ساخته شده و در اصل مکان فعالیت گروه Wo Cheong که بیش از یک قرن در کسب و کار بوده؛ است. URA در سال ۲۰۰۳، کل سایت را خریداری و در همکاری با یک توسعه دهنده محلی، برجی بلندمرتبه در مجاورت پروژه مغازه‌های سنتی احداث کرد. این پروژه آغاز تلاش‌های URA برای حفظ مغازه‌های سنتی هنگ‌کنگ بود. URA این اموال را با هزینه ۲۵ میلیون دلار در سال ۲۰۰۲ خریداری کرد و با مبلغ ۱۶ میلیون دلار به اقدامات بازسازی پرداخت. معیارهای اصلی در ارزیابی مناقصه‌ها، منافع کلی پروژه، طرح توسعه و تأثیر تجدیدحیات بر محله بود (URA، ۲۰۰۴).

نتایج ARP نشان می‌دهد که این پروژه دارای بیشترین میزان پتانسیل بهره‌برداری مجدد سازگار (۳۳٪) و حداقل دو سال تأخیر در مداخله (۱۹،۴ سال) بین هشت نمونه مورد مطالعه داشته است. نتیجه به‌دست آمده با برنامه اعطای کاربری مجدد URA مخالف نیست و این پروژه در سال ۲۰۰۸ تکمیل شد و به عنوان چند رستوران مجدداً مورد بهره‌برداری قرار گرفت. با این حال، بحث گسترده‌ای پیرامون این پروژه در مورد اینکه آیا مغازه‌ها باید به عنوان یک پروژه فرهنگی و میراثی و یا به عنوان یک پروژه املاک و مستغلات جهت تولید درآمد مورد بهره‌برداری قرار گیرند؛ شکل گرفت (وان، ۲۰۱۰). این‌که آیا ارزش میراثی این نوع مغازه‌ها کم‌رنگ و یا حتی به علت تبدیل به رستوران‌های گران‌قیمت از بین رفته؛ موضوع بحث در میان سهامداران مختلف است. همچنین از تخریب شبکه‌های اجتماعی نیز انتقاداتی وجود دارد. از سوی دیگر، URA ادعا می‌کند که این طرح مدل اقتصادی پایداری از مشارکت دولتی و خصوصی را نشان می‌دهد.

خیابان ۱۸ خیابان وان‌چای:

خیابان ۱۸ شیپ دارای مجتمعی سه طبقه واقع در منطقه وان‌چای و متعلق به خانواده Tse از زمان ساخت آن در اواخر دهه ۱۹۳۰ می‌باشد و قبل از توسعه توسط URA، طبقه همکف توسط یک شرکت ساختمانی مورد استفاده قرار گرفته بود.

سازه این خانه در اصل از چوب بود که در طول سال‌های جنگ جهانی دوم خراب گردید. در طول جنگ، خیابان توسط ژاپن بمباران شد؛ اما ساختمان شماره ۱۸ جان سالم به در برد.

این ساختمان در پروژه توسعه مجدد URA، که در مجاورت جاده جانستون قرار دارد؛ گنجانده شده‌است. در حال حاضر طبقه همکف به عنوان رستوران مورد بهره‌برداری مجدد قرار می‌گیرد و طبقه‌های بالای آن به دفتر اداری تبدیل شده‌اند.

نتایج ARP نشان می‌دهد که این پروژه دارای بالاترین میزان پتانسیل اعطای کاربری مجدد سازگار (۵۱،۸٪) و حداقل سال‌های تأخیر برای مداخله (۱۳،۷ سال) در میان هشت نمونه مورد مطالعه است. از آنجایی که این بنا یک مغازه تنها است، URA به راحتی با مالک به مذاکره برای بازسازی پرداخت. به رغم آنکه پروژه به لحاظ فنی جهت بهره‌برداری مجدد سازگار، نسبت به پروژه‌های دیگر شرایط مناسب‌تری دارد؛ اما از جنبه اجتماعی به خوبی عمل نمی‌کند؛ زیرا از زمان بازسازی URA در خیابان جانستون و خیابان ساختمان، کل منطقه تبدیل به مکانی برای رستوران‌ها و برج‌های مسکونی شده‌است.

این مغازه‌ی باقی‌مانده از نظر اندازه و ساختار، بسیار متفاوت از محیط پیرامونش است؛ به علاوه این بنای تاریخی تغییرات عمده‌ای کرده و دیگر منعکس‌کننده تاریخ هنگ‌کنگ نیست.

۱۸۶-۱۹۰ کوئینز جاده شرق وان چای:

سه مغازه به عنوان بخشی از پروژه بازسازی URA در خیابان لی تونگ جهت بهره‌برداری مجدد سازگار حفاظت می‌شوند. این مغازه‌ها ترکیبی از ویژگی‌های معماری چینی و غربی هستند و در بلوک‌های پیوسته ساخته شده‌اند و با نمای باریکی که دارند؛ مشخص می‌شوند. کسب و کارهای مرتبط با چاپ، احساس شخصیت و هویت محلی را القا می‌کنند.

این پروژه دارای نمره پتانسیل بهره‌برداری مجدد سازگار (۲۷/۹٪) و همچنین سالهای تاخیر متوسط برای مداخله (۲۷ سال) در میان هشت نمونه مورد مطالعه است. اگر تأثیر اجتماعی بیشتر در نظر گرفته شود، این امر می‌تواند؛ پروژه بهتری در بهره‌برداری مجدد سازگار باشد.

پروژه توسعه مجدد در حال تخریب تمام بناهای خیابان لی تونگ بود؛ که به عنوان خیابان عروسی شناخته می‌شود و شبکه‌های اجتماعی و اقتصادی را بی‌رحمانه از بین می‌برد (یونگ، ۲۰۰۵). در دستورالعمل تجدید شهری ۳۰ ساکن اصیل باقی‌مانده نیز مجبور به جابجایی شدند و هیچ گزارش دقیقی در مورد تأثیر روی مستأجران صورت نگرفته است و تظاهرات گسترده‌ای نیز در مورد ایجاد یک مرکز عروسی جدید وجود دارد.

این سه مغازه احاطه شده توسط برج‌های مسکونی بلند و ساختمان‌های تجاری، مانند ساختمان‌های جاده جانستون و خیابان شیپ، می‌باشند.

مغازه‌های سنتی در بخش مرکزی و غربی:

دو پروژه زیر در بخش مرکزی و غربی در برنامه بازسازی URA قرار دارد که شامل برج‌های بلند است.

۱-۲، ۹-۱۰ و ۱۱-۱۲ یولک لین، شونگ وان:

مغازه‌ها شامل چند بنای باقی‌مانده در پروژه توسعه مجدد URA واقع در یولک لین و مناطق پیرامون آن از میان ۲۲ ساختمان که عمدتاً در دهه ۱۹۵۰ ساخته شده‌اند؛ هستند. این خیابان در اواسط قرن نوزدهم شکل گرفت و دارای ویژگی‌های میراثی است. این مغازه‌های قدیمی با هم دسته‌بندی می‌شوند و فضایی جمعی برای مردم محلی است. اندازه مغازه‌ها در خیابان، باریک و کوچک و بهره‌برداری مجدد سازگار از آنها بسیار دشوار است. URA تنها دو ساختمان را برای اعطای کاربری مجدد سازگار حفظ کرده و پیشنهاد تبدیل آن‌ها به مکان‌هایی برای نمایش میراث سنتی محلی و ویژگی‌های نوستالژی منطقه تبدیل داده است.

با توجه به وجود شش ساختمان، تنها بخشی از آثار و عناصر بناها به عنوان ویژگی طراحی منظر که شامل بخشی از فضای باز عمومی در پروژه بازسازی است، حفظ می‌گردد.

این پروژه نسبتاً نمره پتانسیل بهره‌برداری مجدد سازگار کم (۲۸/۴٪) و همچنین تاخیر متوسط برای مداخله (۲۴،۲ سال) در میان هشت نمونه مورد مطالعه است. اندازه قطعه کوچک باعث می‌شود تا بهره‌برداری مجدد از آن آسان‌تر شود. URA تنها تعدادی از مغازه‌ها را در میان همه‌ی این مسیرها حفظ و ده بنا را تخریب کرده‌است، تا راه را برای توسعه مجدد کاربری مسکونی افزایش دهد. این شیوه توسعه نه تنها بناهای تاریخی موجود را نابود کرد؛ بلکه مسیر زندگی اجتماعی و شبکه‌های مردم محلی را نیز از بین برده‌است.

خیابان ۱۲۰ ولینگتون و خیابان ۲۶ گراهام، منطقه مرکزی:

فروشگاهی در خیابان ولینگتون که بنایی با قدمتی ۱۳۵ ساله، دارای سه طبقه و یک فروشگاه مواد غذایی ۸۰ ساله است که محل تجمع اهالی محله نیز هست.

سه مغازه دیگر در خیابان گراهام، قدیمی‌ترین بازار شهر، واقع شده و دولت برای توسعه این خیابان به عنوان اولین «خیابان مغازه‌های قدیمی» هنگ‌کنگ برنامه‌ریزی کرده‌است. خیابان بازار مرطوب و منطقه اطراف آن شامل سایت‌های مرتبط با سانیات سن و رویدادهای انقلابی گذشته آن می‌باشد و یک گروه فعال برای حفظ ارزش تاریخی و اجتماعی منطقه از برنامه ریزان شهری خواست آن را به عنوان خیابانی در بازار مورد توجه قرار دهند (Ng, ۲۰۰۸).

این پروژه دارای نمره پتانسیل بهره‌برداری مجدد سازگار نسبتاً کم (۲۸/۴٪) و همچنین تاخیر متوسط برای مداخله (۲۴،۲ سال) در میان هشت نمونه مورد مطالعه است. احتمال می‌رود که فقط نمای ساختمان خیابان گراهام حفظ گردد، زیرا ساختمان از لحاظ ساختاری ناامن بوده و

حفظ زندگی اجتماعی منطقه، ارزشمندتر از ساختمان‌های فیزیکی در این مورد می‌باشد. متأسفانه، اثرات نامطلوب اقتصادی و اجتماعی پروژه مشهود است. پس از آنکه صاحب مغازه مواد غذایی، ساختمان را به URA فروخت، اجاره جدیدی تخمین زده شد که ۷۰٪ به قیمت اجاره قبلی افزوده شده است. طرح احیا و توسعه مجدد منجر به اجاره‌های غیرمقرون به صرفه گردیده و هیچ قانونی برای انتقال مغازه‌های آسیب‌دیده در خیابان گراهام ایجاد نشده است (Law, ۲۰۰۸). URA اعلام کرد که یک مرکز خرید سه طبقه و چهار برج بلند در مقابل مغازه‌ها وجود دارد. واقعا سوال برانگیز است که آیا بازار ۱۵۰ ساله و شخصیت و هویت محلی، تحت تأثیر بازسازی و توسعه مجدد شهری قرار نخواهد گرفت؟

فروشگاه‌ها در منطقه منگ‌کک:

بر خلاف پروژه مغازه‌ها در وان‌چای و مناطق مرکزی و غربی، دو پروژه در منگ‌کک و منطقه پرنس ادوارد در هیچ برنامه بازسازی URA قرار ندارد و URA هنوز هیچ برنامه‌ای برای بهره‌برداری مجدد سازگار از آنها اعلام نکرده است.

با این حال، URA اعلام کرد که مبلغ ۱/۳ میلیارد در هنگ‌کنگ صرف خواهد کرد تا هر دو گروه از مغازه‌ها بازسازی و حفاظت شوند.

۶۰۰-۶۲۶ خیابان شانگهای، منگ‌کک:

این مغازه‌ها در خیابان شانگهای و در دهه ۱۸۷۰ احداث شدند که زمانی پررونق‌ترین خیابان در کولون بود. ده مغازه در بین بناهای تاریخی قبل از جنگ جهانی دوم هستند که ساختمان‌های جدیدی در بین آن‌ها احداث کرده‌اند. در ابتدا ساختمان‌ها سه طبقه بودند با طبقه‌های اضافی که بر روی سقف ساخته شده بود. در طبقه‌های پایین، مغازه‌هایی هستند که مصالح ساختمانی می‌فروشند و یکی از انواع جالب کسب و کار کوچک در منطقه و طبقه‌های فوقانی دارای کاربری مسکونی با اجاره بسیار پایینی هستند. به طور اجتناب‌ناپذیری، تغییرات و الحاقات تقریباً در تمام ساختمان‌های اصلی گنجانده شده، اما مصالح و تزئینات اصیل حفظ گردیده است.

این پروژه دارای کمترین میزان پتانسیل بهره‌برداری مجدد سازگار (۱۲،۲٪) و همچنین طولانی‌ترین تأخیر در مداخله (۳۹/۷ سال) در میان هشت نمونه مورد بررسی است. نوسازی ده ساختمان خصوصی قطعاً چالش بزرگ، پرهزینه و زمان‌بری خواهد بود. در بین ردیف مغازه‌ها چندین ساختمان وجود دارد که یک دوره بعد از آنها ساخته شده‌اند. URA این ساختمان‌ها را به منظور افزایش انعطاف‌پذیری و اضافه کردن امکانات به منظور انطباق با مقررات ساختمانی فعلی خریداری کرده است. همان‌طور که اشاره شد، در این منطقه عمدتاً مصالح ساختمانی به فروش می‌رسد و به همین علت تعداد کمی بازدیدکننده و گردشگر علاقه‌مند به بازدید از این سایت می‌باشند. بنابراین، سازگاری با محیط اطراف و پایداری اقتصادی کاربری جدید از اهمیت حیاتی برخوردار است. ۱۹۰-۲۰۴ و ۲۱۰-۲۱۲ جاده پرنس ادوارد شرقی، منگ‌کک:

در این خیابان، یک بلوک از ۱۶ مغازه سنتی چهار طبقه با کارکرد تجاری در طبقه همکف و آپارتمان مسکونی در طبقات بالا قرار دارد. در فرآیند بازتوسعه چندین ساختمان که بین ۱۶ ساختمان اصلی بلوک، قرار داشتند؛ نابود شدند. تغییرات و توسعه مجدد، اعتبار بلوک اصلی مغازه‌ها را تضعیف کرده است و پیدا کردن یک ردیف از مغازه‌ها با طراحی مشابه نادر است. بنابراین، بناهای باقی‌مانده ارزش میراثی قابل توجهی دارند. کل مجموعه توسط دو خیابان احاطه شده که مملو از فروشگاه‌های گل و گیاه، افراد محلی و بازدیدکنندگان می‌باشد. طبقات بالای بسیاری از بناها در حال حاضر به عنوان دفاتر و سازمان‌های کلیسا مورد استفاده قرار می‌گیرند و این موضوع نشان دهنده آن است که طرح جهت کاربری غیر مسکونی نیز مناسب است.

این پروژه دارای کمترین میزان پتانسیل بهره‌برداری مجدد سازگار (۲،۷٪) و همچنین دومین مدت تأخیر طولانی برای مداخله (۳۲،۲ سال) در میان هشت نمونه مورد مطالعه است. جهت افزایش شخصیت و هویت محلی در منطقه تداوم کسب و کار سنتی گل و گیاه باید حفظ گردد. URA به مستاجران طبقه همکف اطمینان داده است که پس از بازسازی، می‌توانند به مغازه‌های خود بازگردند و طبقه‌های بالا برای بهره‌برداری تجاری و فرهنگی مورد استفاده قرار خواهند گرفت.

بحث:

ارزیابی فنی پروژه‌ها نشان دهنده رابطه معناداری بین نتایج ARP و اولویت بهره‌برداری مجدد سازگار از مغازه‌های سنتی در پروژه‌های بازسازی شهری تحت کنترل دولت در هنگ‌کنگ است. با این وجود، اعطای کاربری مجدد در اکثر پروژه‌ها به تأخیر افتاده است، زیرا تصمیم‌گیری در مورد بهره‌برداری مجدد سازگار، صرفاً به علت میزان زوال یا عمر مفید مغازه‌ها انجام نمی‌شود. هشت نمونه مورد مطالعه نشان می‌دهند که تأثیر اقتصادی و اجتماعی کاربری جدید تا حد زیادی بر توانایی و موفقیت کاربری مجدد سازگار تأثیر می‌گذارد. اگرچه این ملاحظات در مدل ARP گنجانده شده است؛ اما به ویژگی‌های قابل اندازه‌گیری به جای تحلیل کیفی ابعاد پایداری پاسخ می‌دهد. بنابراین، تصمیمات مربوط به بهره‌برداری مجدد سازگار از مغازه‌ها، باید مسائل وسیع‌تر مربوط به پایداری شهری، به خصوص پایداری اقتصادی، ارزش میراثی، فشار بازتوسعه، مشارکت اجتماعی و شبکه‌های اجتماعی و ملاحظات محیطی را نیز در نظر بگیرند.

تنش بین حیات اقتصادی و ارزش میراثی مغازه‌ها:

مصاحبه‌شوندگان معمولاً این نکته را مطرح می‌کنند که پایداری اقتصادی کاربری جدید، عامل موفقیت حیاتی برای پروژه بهره‌برداری مجدد سازگار است. در بین هشت نمونه مورد مطالعه، شش پروژه مغازه سنتی در طرح بازتوسعه و نوسازی شهری مورد تأیید قرار گرفته‌اند. نوسازی شهری زمینه خاصی برای کمک به طرح بازسازی جهت احیای محدوده پیرامون فراهم می‌کند. مهم‌تر از همه، باعث افزایش پایداری اقتصادی برای بهره‌برداری‌های آینده می‌گردد. در زمینه گردشگری، منطقه وان‌چای، به عنوان منطقه‌ای با درآمد بالا و دارای مراکز خرید مختلف و دارای توسعه تجاری و زیرساختی است و احتمال جذب گردشگران بیشتری را دارد. به طور خاص، یک ردیف از مغازه‌ها می‌تواند بهتر از یک مغازه تنها، برای بازدیدکنندگان ایجاد جذابیت کند. یکی از منتقدین برنامه‌ریزی چنین استدلال کرد که:

«اگر در نزدیکی یک مغازه سنتی هیچ جاذبه دیگری وجود نداشته باشد؛ یک مغازه تنها به سختی می‌تواند زنده بماند. بازدیدکنندگان تنها یکبار برای گرفتن چند عکس به مغازه رفته و سپس محل را ترک می‌کنند.»

به همین ترتیب، مغازه‌ها در جاده پرنس ادوارد جایی برای کسب و کار گل و گیاه می‌سازند و زندگی خیابانی پر جنب و جوشی را ایجاد می‌کنند؛ که باعث افزایش پایداری اقتصادی می‌گردد. در مقابل، ردیف مغازه‌ها در خیابان شانگهای به طور عمده مصالح ساختمانی را به مردم محلی می‌فروشند و به این ترتیب بازدیدکنندگان و گردشگران به ندرت به این منطقه می‌روند و برای هر نوع کاربری که در ابتدا به گردشگری برای زنده ماندن نیاز دارد؛ نامناسب است.

با این حال، پایداری اقتصادی گاهی با ارزش میراثی یک بنای تاریخی در تضاد است. پروژه جاده جانستون برای رویکرد کالگرایانه‌ی خود مورد انتقاد قرار گرفته است. رستوران‌های سطح بالا قادر به تأمین مالی خود هستند؛ اما اصالت آنها کاهش یافته است. در مقابل، پروژه خیابان مالوری، برای هنرمندان اجاره‌ی پایینی دارد ولی ممکن است برای پرداخت هزینه‌های سرمایه‌ای به URA با چالش مواجه شوند (Wong, 2013).

فشارهای نوسازی در منطقه، کسب زمین و تجاوز به حقوق مالکیت:

هشت نمونه پروژه مورد مطالعه نشان می‌دهد که اگر فروشگاه در طرح توسعه مجدد شهری قرار داشته باشد، برای بهره‌برداری مجدد سازگار مناسب‌تر است. مغازه‌ها به طور معمول حفظ شده و کاربری جدیدی به منظور غنی‌سازی به عنوان یک اصل و با مضمون حفاظت از میراث پیدا می‌کنند و به ناچار این اقدام، ارزش ملک را در منطقه افزایش می‌دهد. نقش فزاینده میراث ساخته شده به عنوان نوستالژی و نهاد فرهنگی و هنری، که مخاطب آن طبقه متوسط جامعه است؛ گردشگری و مصرف‌گرایی را تسهیل می‌کند (گراهام، ۲۰۰۲) و منجر به افزایش کیفیت و اجاره بها در منطقه بازتوسعه می‌گردد. گفته می‌شود برخی از مغازه‌های تخریب شده و یا با حفاظت ضعیف که توسط مالکین خصوصی نوسازی شده در مناطق نوسازی شهری وجود دارند؛ ولی در طرح نوسازی شهری قرار نگرفته‌اند. مانند برخی از مغازه‌ها در منطقه شوم شویی‌پو.

مسئله‌ی مالکیت نیز یکی از چالش‌های عمده برای مغازه‌های واقع در مناطق دارای برنامه‌ریزی نوسازی شهری، است؛ که بیشتر آن‌ها مالکیت خصوصی و گاهی حتی مالکیت چندگانه دارند. پروژه‌های بازسازی شهری اغلب مشکلات جدی در مورد حقوق مالکیت دارند (Lai, ۲۰۰۲) و خرید ساختمان‌ها مسأله مهمی است که منجر به دو نتیجه می‌گردد:

یا مغازه‌های خصوصی توسط مالک تخریب و با ساختمان‌های بلند جایگزین می‌شوند و یا آن‌ها که رو به ویرانی‌اند توسط شرکت‌های کوچک سنتی و مستأجرهای کم درآمد مورد استفاده قرار می‌گیرند (Baroldin & Din, ۲۰۱۲). مورد دوم منجر به تأخیر طولانی در انجام مداخلات مناسب خواهد شد.

رابطه کاربری مجدد سازگار با جامعه اجتماعی، پیوستگی زندگی و حس مکان:

مطالعات موردی، سه نگرانی عمده اجتماعی را در مورد اعطای کاربری مجدد سازگار از مغازه‌ها ایجاد می‌کنند. اولاً امکان دسترسی آزاد عمومی به سایت به شدت بر میزان مشارکت اجتماعی پروژه تأثیر گذار است. یکی از منتقدان حفاظت گفت که مردم محلی به سختی می‌توانند در رستوران‌های طبقه متوسط پروژه جاده جانستون غذا تهیه نمایند. اگرچه دولت از صاحبان خواسته است اجازه‌ی دسترسی منطقی به ساختمان‌ها را بدهند، اما عموم مردم تنها در صورتی می‌توانند وارد ساختمان‌ها شوند که قصد استفاده از رستوران‌ها را داشته باشند. دسترسی عموم مردم به پشت‌بام‌ها تنها در چند ساعت خاص مجاز است. دوم، مسئله افزایش اجاره بها و قیمت ملک است که جامعه محلی را تحت تأثیر قرار داده. مطالعات تجربی نشان می‌دهد که پروژه‌های بازسازی شهری منجر به افزایش قیمت مسکن می‌شود (Lai et al., ۲۰۰۷). هر دو اقدام بهره‌برداري مجدد سازگار از مغازه‌ها و توسعه مجدد مجتمع‌های مسکونی مناطق مجاور، منجر به جایجایی حرفه‌های سنتی و اخراج اجباری مردم محلی به مناطق دیگر شده‌اند. بنابراین، پیوستگی زندگی اجتماعی را نابود کرده و آمار جمعیت اصیل محلی را تغییر داده‌اند. این جایجایی حرفه‌های سنتی در مورد بازار مرطوب قدیمی در خیابان ولینگتون و کسب و کارهای ساختمانی قدیمی در خیابان شانگهای مشهود است. یکی از دانشگاه‌های حفاظتی اذعان کرد:

"URA نه تنها باید ساختار معماری مغازه‌ها را مانند یک موزه حفظ کند، بلکه همچنین باید تداوم کسب و کار محلی را با دادن ۱۰ یا ۲۰ سال اجاره‌نامه به آنها تضمین کند."

تخریب شبکه‌های اجتماعی را می‌توان با انقراض تعاملات قدیمی محلی در مغازه‌های خیابان یولکلاین، خیابان مالوری و بورو مشاهده کرد. بسیاری از اعضای جامعه شکایت کرده‌اند که پروژه‌های بهره‌برداري مجدد، نمایانگر انهدام نامطلوب شبکه‌های اجتماعی هستند (وان، ۲۰۱۰). مردم می‌پرسند که آیا تخلیه اجباری ساکنین در نتیجه توسعه مجدد سودمند است؟ از سوی دیگر، یک متخصص برنامه‌ریزی شهری استدلال کرده‌است: که احیا یک روند طبیعی شهری (یعنی تکامل) است و اگر این اتفاق خیلی سریع رخ نداده باشد؛ زمینه شهری را نابود نمی‌کند. در نهایت، اینکه آیا بهره‌برداري مجدد سازگار، حس مکان را ایجاد کرده‌است، نیز مورد سوال است. یک منتقد حفاظتی انتقاد کرد که مغازه‌های مورد بهره‌برداري مجدد در خیابان جانستون و مالوری «چیزی بیش از حفظ پوسته خارجی نیستند؛ آنها فضایی خالی و بدون حفظ ویژگی‌های اصیل و روحیه مکان هستند». بازدیدکنندگان ممکن است به دشواری بتوانند گذشته‌ی مغازه‌ها در خیابان جانستون را تجسم کنند.

سازگاری برنامه‌ریزی فضایی و توجه به ملاحظات زیست محیطی:

مغازه‌ها نشان‌دهنده سبک معماری منحصر به فرد و برنامه‌ریزی فضایی است که دارای محدودیت‌های بسیاری در انتخاب گزینه‌های کاربری مجدد سازگار و انطباق با مقررات ساختمان فعلی، مانند الزامات ایمنی ساختمانی و بهداشتی، هستند. علاوه بر این، محدودیت‌هایی در طراحی محیطی مغازه‌ها وجود دارد که شامل نابودی اهمیت فرهنگی بناها و اثرات آن بر پایداری کالبدی و ایمنی در برابر آتش می‌شود؛ خصوصاً، فروشگاه‌های ساخته شده پیش از جنگ که هیچ‌گونه امکانات بهداشتی و اطفاء حریق ندارند.

یکی از اعضای کمیته حفاظت از میراث موسسه معماران این نکته را مطرح کرد که احیای شخصیت

و هویت اصیل مغازه‌ها مساله‌ای دشوار است. ایجاد الحاقات و تغییرات به منظور ساخت مغازه‌ها مطابق با مقررات ساختمانی امروزی، ممکن است اعتبار ساختمان‌های تاریخی را به خطر بیندازد. به عنوان مثال، اضافه کردن پنل‌های شیشه‌ای در پشت نرده‌ها ممکن است ایوان و نمای بالکن را خراب کند. از سوی دیگر، یک متخصص حفاظت از محیط زیست اظهار داشت که با تفکر کمی خلاق که شامل ترکیب طراحی بهره‌وری انرژی محیطی و انطباق با مقررات امروزی باشد؛ کار دشواری نیست.

گونه‌شناسی مغازه‌ها نشان‌دهنده نوع منحصر به فردی از معماری بومی در آب و هوای گرمسیری هستند. تراس و طراحی بالکن باعث تهویه مناسب طبیعی، کاهش میزان گرمای خورشید و سروصدا می‌شود. همچنین عابران را در برابر بارش باران و تابش خورشید حفظ می‌کند. طراحی پایدار زیست محیطی بیش از استفاده تکنولوژی مدرن در اعطای کاربری مجدد سازگار است؛ که شرایط آب و هوایی محلی را در برمی‌گیرد و انرژی بیشتری را کارآمد و پایدار می‌سازد. قابلیت معماری بومی مغازه‌ها می‌تواند به منظور ارتقاء ایدئولوژی پایداری سبز عمیق گنجانده شود (Boschmann & Garbiel, ۲۰۱۳).

نتیجه:

نوسازی شهری اغلب شامل تخریب و توسعه مجدد در مقیاس وسیع است؛ با این حال، رویکردی پایدار باید اتخاذ گردد. با توجه به ناپدید شدن سریع گونه‌شناسی ابنیه در هنگ‌کنگ و همچنین دی گر شهرهای جنوب شرقی آسیا، به خصوص در دو تا سه دهه گذشته، علاقه به حفاظت و بهره‌برداری مجدد سازگار از مغازه‌ها رشد فزاینده‌ای پیدا کرده است. این بناهای تاریخی دیگر به عنوان سازه‌های منسوخ شده، با تصویر یک شهر مدرن ناسازگار نیستند و در عوض، در مورد آنچه که تداوم بهره‌برداری از مغازه‌ها، فرهنگ و جامعه را زنده نگه می‌دارد، بحث می‌شود. در مناطق قدیمی هنگ‌کنگ، هنوز تعداد قابل توجهی از مغازه‌ها باقی مانده است. اگرچه آنها را به عنوان بنای تاریخی اعلام نکرده‌اند، اما نمایانگر تمایز و هویت محلی هستند و نوعی گونه‌شناسی شهری قابل توجه و آسیب‌پذیر هستند. ارزیابی فنی ARP در مطالعات موردی رابطه معناداری را در اولویت‌بندی مغازه‌ها برای اعطای کاربری مجدد سازگار تحت مدیریت دولتی با پتانسیل اعطای کاربری مجدد سازگار و نیز عمر مفید ساختمان‌ها در پروژه‌های نوسازی شهری نشان می‌دهد. همچنین این ارزیابی حاکی از آن است که متروکه ماندن و تأخیر در فرایند بازسازی مغازه‌ها باعث تخریب بیشتر آنها شده و در نتیجه هزینه‌های اضافی و مشکلاتی را برای بهره‌برداری مجدد متحمل شدند. بنابراین، برنامه‌ریزی شهری و بهره‌برداری مجدد سازگار اگر زودتر انجام شود، کارآمدتر خواهد بود. مخالفت با حداقل رابطه بین درجه زوال ساختمان و اولویت مداخله بهره‌برداری مجدد سازگار، در یک مغازه، به اینکه آیا بنا در برنامه بازسازی شهری قرار دارد یا خیر وابسته است. علاوه بر این احتمال نوسازی در صورت ادعای افزایش هویت محلی و شخصیت منطقه وجود دارد.

مهمتر از همه، این مطالعه اهمیت چارچوب پایداری را جهت در نظر گرفتن کاربری مجدد سازگار در آینده برجسته می‌کند. توصیه می‌شود که از جابجایی حرفه‌های سنتی و اخراج اقوام اصیل اجتناب شود. تا مشارکت اجتماعی، شبکه‌های اجتماعی و حس مکان در خطر نیفتد. علاوه بر این، پیوند مهم و تعادل بین پایداری اقتصادی و حفظ ارزش فرهنگی و میراثی باید به دقت مورد توجه قرار گیرد.

در نظر گرفتن ملاحظات زیست محیطی نیز ضروری است، اما تنها به فن‌آوری‌های مدرن محدود نمی‌گردد، بلکه باید قابلیت زیست محیطی در معماری بومی را نیز مورد بررسی قرار داد. به‌طور کلی، بهره‌برداری متناسب از یک مغازه، عاملی موفقیت‌آمیز در به‌روز شدن آن است.

پایداری اقتصادی مغازه‌ها به تنهایی مهم نیست، بلکه تأثیر اقتصادی کاربری جدید در مناطق نزدیک و پیرامون آن نیز دارای اهمیت است. بهره‌برداری مجدد از مغازه‌ها، علاوه بر حفظ شرایط فیزیکی، باعث حفاظت از هویت، میراث تاریخی و تداوم زندگی اجتماعی جامعه نیز می‌گردد.

مسائل پایداری که در مطالعات موردی شناسایی شده‌اند، در مورد هنگ‌کنگ منحصر به فرد نیستند. همکاران در گوانگژو، سنگاپور، پوکت، مالاکا و پنانگ، پایه تطبیقی برای درک بافت

مغازه‌های شهرهای در حال توسعه، چارچوب و سیاست‌های پایداری را ارائه می‌کنند.

منابع

- Antiquities and Monuments Office (2009). Brief information on proposed grade II items. HKSAR Government. <http://www.amo.gov.hk/form/Brief_Information_on_proposed_Grade_II_Items.pdf> Accessed 15.06.12.
- Baroldin, N. M., & Din, S. (2012). Documentation and conservation guidelines of Melaka Heritage Shophouses, *Procedia. Social and Behavioral Science*, 50, 192-203.
- Boschmann, E., & Garbiel, J. (2013). Urban sustainability and the LEED rating system: Case studies on the role of regional characteristics and adaptive reuse in green building in Denver and Boulder, Colorado. *The Geographical Journal*, 179(2), 221-233.
- Bromley, R. D. F., Tallon, A., & Thomas, C. J. (2005). City centre regeneration through residential development: Contributing to sustainability. *Urban Studies*, 42(13), 2407-2429.
- Bullen, P. A. (2007). Adaptive reuse and sustainability of commercial buildings. *Facilities*, 25(13), 20-27.
- Bullen, P. A., & Love, P. E. D. (2010). The rhetoric of adaptive reuse or reality of demolition: Views from the field. *Cities*, 27, 215-224.
- Cameron, S. (2003). Gentrification, housing redifferentiation and urban regeneration: 'Going for growth' in Newcastle upon Tyne. *Urban Studies*, 40(12), 2367-2382.
- Chang, T. C. (2010). Bungalows, mansions and shophouses: Encounters in architourism. *Geoforum*, 41, 963-971.
- Chang, T. C., & Teo, P. (2009). The shophouse hotel: Vernacular heritage in a creative city. *Urban Studies*, 46(2), 341-367.
- Cheung, F. K. H. (2000). Tenement Buildings: In light of their origin. *HKIA Journal*, 24, 78-87.
- Chu, C. (2012). Between typologies and representation: The Tong Lau and the discourse of the "chinesehouse" in colonial Hong Kong. In Rajagopalan, M., & Desai, M. (Eds.), *Colonial frames, nationalist histories, imperial legacies, architecture, and modernity* (pp. 253-283). Ashgate: Surrey, UK.
- Cidell, J., & Beata, A. (2009). Spatial variation among green building certification categories: Does place matter? *Landscape and Urban Planning*, 91, 142-151.
- Cohen, N. (1999). *Urban conservation*. Cambridge, Massachusetts: MIT Press.
- Davison, J., & Tettoni, L. I. (2010). *Singapore shophouse*. Singapore: Talisman Publishing.
- DEH (2004). *Adaptive reuse: Preserving our past, building our future*. ACT: Department of Environment and Heritage, Commonwealth of Australia.
- Douglas, J. (2006). *Building adaptation* (2nd ed.). New York: Butterworth-Heinemann.
- Geraedts, R. P., & Van der Voordt, D. J. M. (2007). A tool to measure opportunities and risks of converting empty offices into dwellings. In *Sustainable urban areas*. ENHR: Rotterdam.
- Getty Conservation Institute (2011). *Sustainability and heritage in a world of change, professionals forum held at Getty Centre* Getty Conservation Institute. <http://www.getty.edu/conservation/public_programs/sustain.htm> Accessed 15.05.11.
- Gotham, K. (2007). Selling New Orleans to New Orleans: Tourism authenticity and the construction of community identity. *Tourist Studies*, 7(3), 317-339.
- Graham, B. (2002). Heritage as knowledge: Capital or culture? *Urban Studies*, 39(5/6), 1003-1017.
- Hek, M., Kamstra, J., & Geraedts, R. P. (2004). *Herbestemmingswijzerherbestemming*

van bestaandvastgoed. Delft: Publikatieburo Bouwkunde.

Jacobs, J. (1961). *The death and life of great American cities*. New York: Random House.

Lai, L. W. C. (2002). Planning and property rights in Hong Kong under constitutional capitalism. *International Planning Studies*, 7(3), 213-225.

Lai, L. W. C., Chau, K. W., Wong, W. S., Yiu, E. C. Y., Chan, P. Y. L., & Wong, S. K. (2007). Measuring and interpreting the effects of a public-sector-led urban renewal project on housing prices: An empirical study of a comprehensive development area zone developed upon taking in Hong Kong. *Environment and Planning B: Planning and Design*, 34(3), 524-538.

Langston, C. (2010). Green adaptive reuse: Issues and strategies for the built environment (keynote paper). In *Proceedings of 1st International Conference on Sustainable Construction and Risk Management* (pp. 1165-1173). Chongqing, June.

Langston, C. (2011). Estimating the useful life of buildings. In *Proceedings of AUBEA2011 conference* (pp. 418-432), 27-29 April, Gold Coast, Australia.

Langston, C. (2012). Validation of the adaptive reuse potential (ARP) model using iconCUR. *Facilities*, 30(3)123-105, (4/).

Law, K. (2008). Impossible to see how renewal plan will not affect Graham Street Market. *The South China Morning Post*, 27 January 2008.

Lee, S. L. (1996). Urban conservation policy and the preservation of historical and cultural heritage. *Cities*, 13(6), 399-409.

Lee, H. Y. (2009). Pre-war Tong Lau: A Hong Kong shophouse typology. Resource paper for the antiquities and monuments office and commissioner for heritage's office. <<http://www.heritageworldmedia.com/downloads/pdfs/Hoyin%20Tong%20Lau.pdf>> Accessed 01.12.12.

Lee, L. M., Lim, Y. M., & Aini, Y. N. (2008). Strategies for urban conservation: A case example of George Town, Penang. *Habitat International*, 32(3), 293-304.

Leeming, F. (1977). *Street studies in Hong Kong: Localities in a Chinese city*. Oxford: Oxford University Press.

Loh, C. (2004). Response to HAB/LCSD consultation document: 'review of built heritage Conservation policy'. <http://www.civic-exchange.org/wp/wp-content/uploads/2004200405/05/_ResponseHAB-LCSD.pdf> Accessed 01.12.13.

Lowenthal, D., & Binney, D. (1981). Caring for the past: Changing attitudes. In

Lowenthal, D., & Binney, D. (Eds.), *Our past before us: Why do we save it?*

Temple Smith: London.

Murtagh, W. J. (2006). *Rehabilitation and adaptive use, keep time: The history and theory of preservation in America*. New Jersey: John Wiley and Sons.

Ng, J. (2008). Rezone Graham Street, say activists. *The South China Morning Post*, 14.08.08.

Oudijk, C. P. A., Remy, H., & Van der Voordt, D. J. M. (2007). Project analyses. In Van derVoordt, T., Geraedts, R., Remy, H., & Oudijk, C. (Eds.), *Transformatieven kantoorgebouwen thema's, actoren, instrumenten en project en*. Rotterdam: Uitgeverij 010.

Pendlebury, J., Townshend, T., & Gilroy, R. (2004). *The*





conservation of cultural built heritage: a force for social inclusion. *International Journal of Heritage Studies*, 10, 11-31.

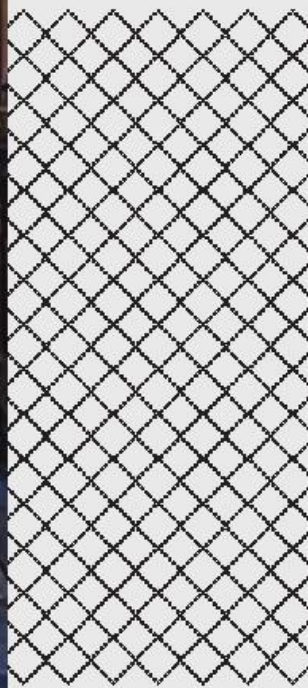
Rodwell, D. (2007). *Conservation and sustainability in historic cities*. London, UK: Blackwell.

Steinberg, F. (1996). Conservation and rehabilitation of urban heritage in developing countries. *Habitat International*, 20(3), 463-475.

Tajudeen, I. (2012). Beyond racialized representation: architectural linguae France and urban histories in the kampong houses and shophouses of Melaka and Singapore. In Rajagopalan, M., & Desai, M. (Ed.), *Colonial frames, nationalist histories, imperial legacies, architecture, and modernity* (pp. 213252-). Ashgate, Surrey, UK.

Tiesdell, S., Oc, T., & Heath, T. (1996). *Revitalizing historic urban quarters*. Oxford: Architectural Press.

Tse, L. (2009). *Sustainability of urban cultural heritage: an empirical case study of Hong Kong*. Unpublished Ph.D thesis, The University of Hong Kong.



ابعاد اولویت‌های بصری مناطق شهری تاریخی: عوامل تعیین‌کننده حفاظت از میراث شهری¹

1. Visual preference dimensions of historic urban areas: The determinants for urban heritage conservation

چکیده:

یکی از چالش‌های اصلی در کشورهای در حال توسعه، چالش حفاظت از میراث فرهنگی و توسعه شهری است. با توجه به تحولات گسترده در مناطق شهری، ساختمان‌های جدید مناطق تاریخی شهری را تهدید می‌کنند و ممکن است صدمات جبران ناپذیری را به آن‌ها وارد کنند. نظرات ذینفعان می‌تواند یک مرجع قابل اعتماد برای حفظ این تعادل باشد. بنابراین درک مردم از مناطق تاریخی شهر و توسعه، باید تخصص مورد نیاز در حفاظت را تکمیل کند. این مقاله جهت شناسایی اولویت‌های دیداری گردشگران بین‌المللی در مناطق تاریخی شهر کوالالمپور، به عنوان راهی برای مشارکت منفعل است. با توجه به روانشناسی محیط و با استفاده از یک بررسی مبتنی بر تصویر، شش بُعد اولویت بصری در ادارک توریست‌ها نسبت به منطقه مورد مطالعه را تحت تأثیر قرار داد. در این مطالعه، ابعاد بصری عبارتند از: هرج و مرج بصری، سرسبزی شهری، میراث کنار جاده‌ای، معماری تاریخی، اتصال و مدرنیته هر کدام شامل ویژگی‌ها و عناصر تأثیرگذار هستند. روش تحلیل محتوا، برای تحلیل محتویات مطلوب و یا نامطلوب اولویت‌ها استفاده می‌شود. که از حاصل این بررسی، نتیجه می‌شود که محیط‌هایی که نگهداریشان بشدت مورد غفلت واقع شده از امتیاز کمتری برخوردارند.



نویسندگان: میثم دقتی نژاد
نور عطیه اسمایل
سوحاردی مولان
مهد یزید مهد یونس
مهسا دباغ‌نیا
ترجمه: سارگل گائینی
دانشجوی کارشناسی‌ارشد
حفاظت و مرمت میراث
معماری دانشگاه هنر

1. Meysam Deghati Najd
Nor Atiah Ismail, Suhardi Maulan,
Mohd Yazid Mohd Yunos, Mahsa
Dabbagh Niy
Department of Landscape
Architecture, Faculty of Design
and Architecture, Universiti Putra
Malaysia, 43400 UPM Serdang,
Selangor, Malaysia
Department of Architecture,
Faculty of Design and Architecture,
Universiti Putra Malaysia, 43400
UPM Serdang, Selangor, Malaysia

کلید واژگان: منطقه شهری تاریخی، حفاظت میراث،
مشارکت عمومی، ذینفعان، اولویت بصری حفاظت
شهری، گردشگری میراث

Keywords: Historic urban area, Heritage conservation,
Public participation, Stakeholders, Visual preference,
Urban conservation, Heritage tourism

مقدمه

مناطق شهری تاریخی، مانند سایر حوزه‌های میراثی دارای ارزش‌های برجسته‌ای هستند. که به عنوان ساختارهای فضای شهری، تحولات یک جامعه و هویت متمایز فرهنگی آن را منعکس می‌کنند. علاوه بر این، آن‌ها جزیی جدایی‌ناپذیر از یک بافت طبیعی یا انسان ساخت هستند که هر دو باید به وضوح دیده شوند (ICOMOS، ۲۰۱۱b). این نوع میراث شامل کیفیت‌هایی همچون خصوصیات تاریخی، اجزا و عناصر مادی و معنوی است که ویژگی‌های محیط را تشکیل می‌دهند (ICOMOS، ۱۹۸۷). این ویژگی‌ها، تصویر متمایزی از هر منطقه شهری به طور خاص و هویت ملی را به طور کلی شکل می‌دهند. در دنیای رقابتی شهرهای امروزی، شهرهای متمایز و منحصر به فرد شانس موفقیت بیشتری دارند (Yuen، ۲۰۰۵، ۱۹۷).

با این حال، این میراث برجسته به شدت در خطر هستند. زیرا فرآیند انحطاط میراث به دلیل ساختار شهری پسا صنعتی، از یک سو و ماهیت کهنگی فیزیکی آن‌ها بر اثر گذشت زمان، از سوی دیگر اجتناب‌ناپذیر است. بنابراین حفاظت و نگهداری باید در درجه اول اهمیت قرار گیرد، به خصوص زمانی که میراث در یک اقتصاد در حال توسعه سریع قرار دارد که باعث توسعه سریع شهری می‌شود (Lee، Engelhardt، ۱۹۹۸، RybergWebster & Kinahan، ۲۰۱۳).

با وجود سابقه طولانی حفاظت شهری که به منشور آتن در سال ۱۹۳۱ برمی‌گردد، رشد سریع شهرها همراه با فعالیت‌ها و کاربری‌های نامناسب، میراث شهری را بیش از پیش تهدید می‌کند. در همین راستا، امروزه توجه ویژه‌ای به حفاظت از میراث شهری در جهت پایداری شده است. به گفته‌ی یون (۲۰۰۵) حفاظت شهری، غرور شهروندی و منافع اقتصادی، ایجاد می‌کند و قابلیت شهر را برای ترکیب شدن به صورت هماهنگ و سازگار با میراث منحصربه‌فرد شهری افزایش می‌دهد. علاوه بر این، رایبرگ-ویستر و کیناهان (۲۰۱۳) بیان نمودند، حفاظت شهری به عنوان یک عامل تغییرات شهری و تسهیل جامعه و توسعه اقتصادی، است. بنابراین، ایجاد تعادل بین حفاظت از میراث و توسعه شهری، قرار دادن پایداری به عنوان هدف، امروزه چالش اصلی در رشد شهرها است (Stovell، ۱۹۹۹). پیشینه‌ی حفاظت از میراث این ایده‌ی کارآمد را که حفاظت تاریخی شهری باید بخشی منسجم و یکپارچه‌ای در فرآیند توسعه اجتماعی - اقتصادی، برنامه‌ریزی منطقه‌ای و شهری باشد (ICOMOS، ۱۹۸۷؛ Jokilehto، Rodwell، ۱۹۹۸، ۲۰۰۷) و باید به عنوان مبنایی برای برنامه‌ریزی شهری در نظر گرفته شود، قلمداد کرد (Siririsak، ۲۰۰۹). اساس این ایده به صورت رسمی از طریق مفهوم «حفاظت یکپارچه» در کنگره آمستردام که در سال ۱۹۷۵ به تأیید میراث اروپایی رسید شکل گرفت. این منشور بیان می‌کند که میراث ما به دلیل عدم آگاهی، ناپایداری و آسیب رساندن بخاطر بی‌توجهی، در خطر است. بنابراین حفاظت یکپارچه که از طریق آن حفاظت در فرآیند برنامه‌ریزی منطقه‌ای و شهری قرار می‌گیرد، پیشنهاد می‌شود (ICOMOS، ۱۹۷۵).

سازمان ملل تلاش‌های خود را برای ادغام نقش میراث در زمینه توسعه پایدار آغاز نموده است. این یک واکنش لازم، علیه تهدیدات توسعه در ابعاد گوناگون میراث و ارزش‌های ذاتی آن است. مرکز میراث جهانی یونسکو در یادداشت وین (۲۰۰۵) خواستار به‌کارگیری رویکردهای نوین و روش‌های حفاظت و توسعه شهری در بافت شهرهای تاریخی شده است. این یادداشت بر «هم‌زیستی انسان با سرزمین و جامعه‌اش» تأکید دارد (UNESCO، ۲۰۰۵، ۲). علاوه بر این، انجمن عمومی هفدهم شورای بین‌المللی بناها و اماکن تاریخی (ایکوموس)، راهکار تغییر استراتژی برای مشارکت در حفاظت از میراث در کنار توسعه را پیشنهاد کرد (ICOMOS، ۲۰۱۱a).

در منشور حفاظت از میراث بر مشارکت عمومی در روند حفاظت شهری و برنامه‌ریزی شهری تأکید شده است (ICOMOS، ۱۹۷۵b، ۱۹۹۹، ۱۹۸۷، ۲۰۰۷، UNESCO، ۲۰۱۱b، ۲۰۰۵، ۲۰۱۱). بر این اساس توسعه پایدار بدون دخالت جوامع در سطوح مختلف، همانطور که در دستور کار ۲۱ بر آن تأکید شد، محقق نمی‌شود (UNESCO، ۱۹۹۲). جدا از سازمان‌های بین‌المللی، گرایشی رو به رشدی در دنیای علمی و نیز گرایش به استفاده از ایده‌های مردمی در هنگام برنامه‌ریزی برای مناطق حفاظت‌شده وجود داشته است (Yuen، ۲۰۰۵). در این زمینه، محققان نیز اتفاق نظر دارند که مشارکت عمومی در دستیابی به پایداری لازم است (Imon، ۲۰۰۶). مشارکت عمومی در حفاظت از میراث فرهنگی و رویارویی با مسائل پیچیده حائز اهمیت است (Chan & Yung، ۲۰۱۱).



در این میان تنوع گروه‌های ذی‌نفع در یک سو (Cotter, Boyd, & Gardiner, ۲۰۰۱) و فقدان دانش کافی مردم در مورد حفاظت از میراث، ازسوی دیگر وجود دارد (Coetier, ۲۰۰۲). اختلاف قدرت برای تأثیر گذاری بر فرآیند تصمیم‌گیری و فقدان یک مکانیزم مناسب برای بهره‌مندی از مشارکت عمومی دو مسأله دیگر است که مانع از موفقیت مشارکت عمومی درحفاظت از میراث فرهنگی می‌شود. (Yung, ۱۹۶۹, Arnstein) Chan, & Chan (۲۰۱۱) بنا براین، راهکارهای جامع برای رویارویی با مشکلات بنیادین مشارکت عمومی در حفاظت یکپارچه مورد نیاز است.

مشارکت منفعل مردم، می‌تواند راه حلی برای رفع این شکاف در حال گسترش باشد. اگر مداخلات مستقیم یا غیر مستقیم مردم به عنوان مشارکت فعال آن‌ها در نظر گرفته شود، کشف درک روان‌شناختی آن‌ها از محیط و استفاده از سیاست‌گذاران در این راستا می‌تواند به عنوان مشارکت

منفعل آن‌ها قلمداد شود. مطالعات هنگامی مفید خواهد بود که، اختلاف ادراک افراد حرفه‌ای و عمومی را از عامل شکست در محیط‌های تاریخی، ارزیابی کند (Yung & Chan, ۲۰۰۲; Coetierier). با این حال به این بستگی دارد که صاحبان قدرت آیا تمایل به دخیل نمودن مردم در فرآیند تصمیم‌گیری دارند یا خیر.

امروزه با توجه به تغییرات در مدیریت میراث فرهنگی، درک مردم و اولویت‌های آن‌ها واجد اهمیت است (Yung & Chan, ۲۰۱۳). منشور سال ۲۰۰۸، برای تفسیر و ارائه میراث فرهنگی، بر تشویق مردم و احزاب در انعکاس ادراکات خود از حوزه‌های میراث تأکید می‌کند تا «علاقه، یادگیری، تجربه و اکتشاف» را در آن‌ها تقویت کند (ICOMOS, ۲۰۰۸: ۴). علاوه بر این، منظر طبیعی HUL، که جدیدترین سند ثبت شده توسط یونسکو است، به اهمیت نظر شاهدان اشاره دارد.

این تحقیق ادامه دهنده‌ی مطالعات گذشته است، که بر اولویت‌های ذینفعان در ساختمان‌ها و مناظر میراثی، احترام بر درک عمومی برای حفاظت از میراث و غلبه بر مشکلات موجود با مشارکت ذینفعان، تأکید دارد و با بررسی اولویت‌های بصری ذینفعان به عنوان محصول درک روانشناختی آن‌ها از مناطق شهری تاریخی، پیش می‌رود و در این سوالات در نظر گرفته می‌شود، که اولویت‌های بصری مردم نسبت به مناطق شهری تاریخی چیست؟ ویژگی‌های محیطی این مناطق چه هستند که اولویت‌های بصری مردم را تحت تأثیر قرار می‌دهند؟

بررسی اولویت‌های محیطی

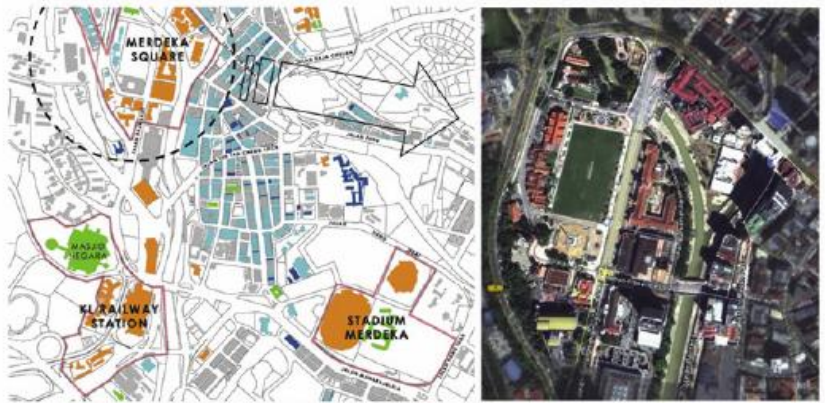
بررسی‌های محیطی طیف وسیعی از روش‌ها را برای تعامل انسان با محیط شامل می‌شود. که بر این اساس بررسی‌های محیطی عموماً به دو دسته‌ی گسترده، شامل ارزیابی‌های کارشناسی و عمومی، تقسیم می‌شوند. در زمینه‌های متنوعی از حفاظت بافت و چشم‌اندازهای طبیعی، درک روانشناختی مردم از محیط اطرافشان مورد مطالعه قرار گرفت. با این حال، تاکنون بررسی‌های ناچیزی از درک روانشناختی مردم، به منظور حفاظت از میراث شهری، صورت گرفته است.

بررسی ادراک محیطی، می‌تواند به ما چگونگی تأثیر محیط بر رفتار مردم و یا بالعکس را نشان دهد. به گفته‌ی راپاپورت (۱۹۹۷) ارزیابی مردم از محیط به واکنش و قضاوت آن‌ها (از محیط) وابسته است. علاوه بر این، برادران کاپلن (۱۹۸۲) بیان نمودند که اولویت‌ها یکی از بهترین معیارهای سنجش ادراک انسان است، زیرا محصول درک و قضاوت‌هایی است که توسط مردم در زندگی روزمره آن‌ها ایجاد می‌شود. علاوه بر این، قضاوت اولویت‌ها بیشتر تحت تأثیر دانش، پاسخ‌های بدیهی و فرآیند معرفتی (R. Kaplan and S. Kaplan, ۱۹۸۲) و همچنین انگیزه و احساس و تفکر است (Hammit, ۱۹۷۸). بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که اولویت به عنوان یک نتیجه ادراک، درباره نحوه تجربه مردم از محیط است (Suhardi, ۲۰۰۶).

رویکرد اولویت سنجی در مطالعات مبتنی بر درک مردم نسبت به محیط‌ها و چشم‌اندازهای مختلف سال‌هاست که به طور گسترده مورد استفاده قرار گرفته است. ثابت شده است که این روش برای کشف عوامل موثر بر درک مردم از رفتار و محتوا و پیکربندی فضایی یک چشم‌انداز خاص، معتبر و قابل قبول است (Kaltenborn & Bjerke, ۲۰۰۲; R. Kaplan & S. Kaplan, ۱۹۸۹a,b).

بررسی اولویت‌های محیطی از پرسشنامه مصور، برای به دست آوردن اولویت‌های مردم نسبت به محیط خاص، استفاده می‌کند. به گفته‌ی وودز (۱۹۹۵)، با استفاده از سیستم امتیازدهی به اولویت‌ها، از شرکت‌کنندگان خواسته شد تا بیان کنند که چقدر آن‌ها یک محیط یا صحنه‌ی خاص را ترجیح می‌دهند. این فرآیند وابسته به تصویر است و با سیستم امتیازدهی می‌توان، مطلوب‌ترین و بهترین محیط اولویت داده شده را شناسایی کرد. علاوه بر امتیازدهی، تصاویر می‌توانند با استفاده از تکنیک کاهش داده، در چندین بُعد گروه بندی شوند. در تکنیک کاهش داده، این تصاویر براساس محرک یا محتوای مشابه گروه بندی خواهند شد.

در نهایت، روش تحلیل محتوا (CIM) به منظور بررسی محتوا و الگوی محرک برای شناسایی عواملی که بر اولویت‌های مردم تأثیر می‌گذارند، استفاده می‌شود. برادران کاپلن پیشنهاد دادند که از محتوا و کیفیت‌های فضایی می‌توان تفاسیری ارائه داد. علاوه بر این، اولویت‌ها را می‌توان به منظور ارتباط آن‌ها با بسیاری از ویژگی‌های شخصیتی و رفتاری مورد بررسی قرار داد. روش بررسی اولویت‌ها و تحلیل محتوا توسط برادران کاپلن توسعه داده شد.



شکل ۱: (چپ): منطقه میراثی اولیه کوالامپور (راست): منطقه مطالعاتی که Dataran Merdeka و مناطق مجاور آن را پوشش می‌دهد.

مرکز تاریخی کوالامپور، منطقه مطالعاتی

به نقل از یونسکو، مراکز تاریخی شامل همان مناطق اولیه شهر است که در حال حاضر با شهر مدرن محاصره شده است (UNESCO, ۲۰۱۳). علاوه بر این مناطق تاریخی مکان‌هایی هستند که یکپارچگی ساختمان‌های تاریخی و مهم را نشان می‌دهند (Naol, Airey, Iijima, & Niininen, ۲۰۰۶). پوشش یکپارچه از ساختمان‌های تاریخی در همان نقاط مهم شهر قدیمی کوالامپور (KLHCC) ، مرکز بزرگ تاریخی و میراث غنی شهری کوالامپور محسوب می‌شوند (Deghati Najd, Ismail, Mohd Yunus, & Maulan, ۲۰۱۴). ساختمان‌های قرن نوزدهمی، ساختمان‌های تجاری، اداری و مسکونی با معماری منحصر به فرد، نشان دهنده‌ی تاریخچه‌ی شهر است.

این منطقه شهری از سال ۱۹۷۵، مصادف با زمانی که مالزی استقلال خود را در مقابل بریتانیا به دست آورد، به سرعت رشد کرد. در این گسترش مفرط شهری، منطقه‌ی KLHCC نقطه‌ی شکل‌گیری شهر امروزی است که شهرک‌ها، مناطق بازرگانی و ساختار شهری در طول یک قرن و نیم پیش از آنجا شکل گرفت (Bunuel, Barter, & Morshidi, ۲۰۰۲). بنابراین، این منطقه اهمیت تاریخی و فرهنگی بسیاری دارد. اما امروزه به دلیل عدم حفاظت مناسب و رشد اقتصادی از تنش‌های بسیاری رنج می‌برد. ساختمان‌های مسکونی و تجاری بزرگ به دلیل کمبود زمین، منطقه تاریخی را محاصره نموده‌اند. در نتیجه، با وجود توسعه و انبوه ساختمان‌های مدرن فرآیند حفاظت با چالش جدی رو برو است.

باتوجه به این مهم، در برنامه ساختاری کوالامپور (CHKL۲۰۲۰)، تالار شهر در منطقه‌ی مورد مطالعه به عنوان جاذبه‌ی میراث فرهنگی تعیین شده است. در این برنامه «سیاست ۱۹» پیشنهاد داد که حوزه‌ای محلی اطراف تالار شهر باید، شناسایی، حفظ و در جهت افزایش تمایز ارتقا یابند (DBKL, ۲۰۰۳: ۱۴۴۶). علاوه بر این «سیاست ۱۶» پیشنهاد می‌کند، که مرکز تاریخی شهر به عنوان مرکز اصلی میراث فرهنگی کشور عمل کند و زیر ساخت‌های فرهنگی را به عنوان یک عنصر حیاتی با هدف ارتقای صنعت گردشگری، تنوع بخشد (DBKL, ۲۰۰۳: ۱۴۷۰).

براین اساس، CHKL۲۰۲۰ سه منطقه میراثی را در مرکز شهر پیشنهاد داد. این مناطق میراثی به سه سطح براساس اهمیت میراثی تقسیم می‌شوند (DBKL, ۲۰۰۳). منطقه میراث باستانی شامل سه ناحیه (مجاورت میدان مردکا، همسایگی ایستگاه راه آهن قدیمی و مطقه استادیوم مردکا) می‌شود (شکل ۱ چپ). یکی از مناطق شهری در حوزه میراث، دتاران مردکا و مجاورت آن، به عنوان منطقه مطالعاتی در تحقیق انتخاب شد (شکل ۱ راست). این انتخاب براساس محبوبیت آن به عنوان یک منطقه توریستی که شامل ۱۵ بنای تاریخی است، صورت گرفته است. که به عنوان هسته‌ی شکل‌گیری کوالامپور شناخته شده و نیز تلاقی دورودخانه (کلانگ و گمبک) که وجه تسمیه کوالامپور (تلاقی گل آلود) هم از این نام که در سال ۱۸۷۰ شکل گرفته، آمده است.

روش شناسی

هدف اصلی این مطالعات شناسایی اولویت‌های بصری گردشگران بین‌المللی به سمت مرکز تاریخی کوالالمپور است. این نظرسنجی در هنگام بازدید آن‌ها از این مناطق صورت گرفته است. گردشگران به دلیل اینکه، به عنوان ذینفع در مداخلات مکان‌های تاریخی شهری در نظر گرفته می‌شوند، انتخاب شدند. همانطور که توسط فریمن (۱۹۸۴) تعریف شد، هر گروه یا فردی که بتواند بر موفقیت اهداف یک برنامه تأثیر بگذارد یا تأثیر بگیرد، یک ذینفع است. با تعمیم این تعریف در چارچوب مطالعات گردشگری پایدار، دو گروه ذینفع وجود دارد: مردم میزبان (مردم محلی) و بازدیدکنندگان (Choi, ۲۰۰۷; Byrd, ۲۰۰۶). بنابراین و با توجه به اهمیت مناطق شهری تاریخی در صنعت گردشگری، اولویت‌های گردشگران بین‌المللی باید اولویت‌های مردم محلی را در روند برنامه‌ریزی برای چنین مناطقی تکمیل کند.

ابزار بررسی شامل یک پرسشنامه مبتنی بر تصویر، حاوی ۵۴ صحنه است، که محل مطالعه و مجاورت آن را نشان می‌دهد. از شرکت‌کنندگان خواسته شد تا نشان دهند که چگونه هر کدام از صحنه‌ها را با کمک یک مقیاس مبتنی بر امتیاز اولویت دهی می‌کنند (کمترین اولویت، ۵- بیشترین اولویت). علاوه بر این، از شرکت‌کنندگان خواسته شد تا یک توصیف کوتاه از ۶ صحنه یادداشت کنند، که به نظر می‌رسد همه گونه شناسی این منطقه را نشان می‌دهد، این ۶ صحنه توسط یک پانل تخصصی دسته‌بندی شدند.

به دلیل جریان گردشگری در منطقه مورد مطالعه، روش نظرسنجی از بازدیدکنندگان به راحتی انجام شد (Rea & Parker, ۲۰۱۲). بنابراین، ۳۰۸ شرکت‌کننده مورد بررسی قرار گرفتند، تا اندازه‌ای نمونه بتواند قابلیت اطمینان برای تجزیه و تحلیل را داشته باشد. معیارهای انتخاب به، سن، گردشگران خارجی، شباهت‌های فرضی و قابلیت دسترسی، محدود بودند.

روند جمع‌آوری داده‌ها در KLHCC، دتاران مردکا و مناطق مجاور آن برگزار شد. این پروژه در ژانویه ۲۰۱۴ تکمیل شد. و همسایه احاطه شده آن برگزار شد. این پروژه در ژانویه ۲۰۱۴ تکمیل شد. محقق به شرکت‌کنندگان در ارائه صحنه‌ها کمک کرد در حالی که پرسشنامه به طور مستقل توسط پاسخ‌دهندگان تکمیل شد. محقق حین جمع‌آوری داده‌ها در محل حضور داشت تا بتواند از خطاهای احتمالی حین خواندن پرسشنامه توسط افراد جلوگیری کند.

تحلیل داده‌ها

در این پژوهش چندین تحلیل کیفی و کمی به کار گرفته شد و نیز یک تجزیه و تحلیل توصیفی براساس مجموع امتیازات و رده‌بندی صحنه‌ها، برای مشخص کردن بیشترین و کمترین صحنه‌ی اولویت داده شده، و همچنین تکنیک کاهش داده نیز به منظور شناسایی صحنه‌ی اولویت داده شده توسط شرکت‌کنندگان مورد نیاز است. در این فرآیند، اولویت‌های شرکت‌کنندگان برای امتیاز دهی به صحنه‌های چند بُعد معنی دارد و الگوهای ثابتی در رابطه با محرک‌های موجود در فضاها می‌سازد (Maulan, ۲۰۰۶; ۲۰۰۷). برای این منظور با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۲۰، با متد (PCA) آنالیز مولفه‌های اصلی محاسبه می‌شود. ضریب بارگذاری برای صحنه‌ها حداکثر ۰/۵. در نظر گرفته شد که یک ضریب نسبتاً قوی است، و برای هر بُعد شناسایی شده، میانگین آن‌ها برای رتبه‌بندی بعدی محاسبه می‌شود.

بررسی ویژگی‌های مشترک میان صحنه‌ها، یا در اکثر موارد در گروه‌های ارجح‌تر، و یا ابعاد اولویت‌هایی که از طریق CIM بررسی شده است. از طریق این تکنیک، شناسایی ویژگی‌های محیطی به عنوان عامل شکل‌گیری الگوهای ثابت در رابطه با محرک‌های موجود در فضاها در نظر گرفته شد. یک هیئت خبره‌ی حرفه‌ای متشکل از معماران، معماران منظر و طراحان شهری برای شناسایی گروه‌های صحنه شکل گرفت. و به همین طریق، هر یک از متخصصان برای شناسایی ویژگی‌های فیزیکی متداول صحنه‌ها به کار گرفته شدند. علاوه بر این از آن‌ها خواسته شد که هر کدام ابعاد اولویت‌ها را بر اساس ویژگی‌های ظاهری نام ببرند. بر این اساس فرآیند شناسایی محتوا توسط متخصصان انجام شد و تفسیر و نتیجه‌گیری پاسخ‌ها به مشورت گذاشته شد.

برای اعتبار سنجی نتایج CIM، یک تحلیل محتوا از توصیفات شفاهی شرکت‌کنندگان در مورد شش

صحنه اجرا شد. و نیز این شش صحنه با ابعاد اولویت‌ها تطبیق داده شدند و تمام این داده‌ها به نرم افزار SPSS منقل و نیز فراوانی آن‌ها شمارش شد، و پس از آن این واژه‌ها به چندین مضمون طبقه بندی شدند. و در نهایت، مجموع کلمات در موضوعات تعیین شد و به هر کدام معنای جداگانه‌ای اختصاص یافت.

یافته‌ها و نتایج

نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل توصیفی نشان داد که شرکت کنندگان اولویت کمی را برای مرکز تاریخی کوالالمپور دارند. در مجموع به طور میانگین برای تمام صحنه‌ها امتیاز $3/13$ ($SD=0.53$) اندازه گیری شد یعنی شرکت کنندگان به میزان کمی مرکز تاریخی کوالالمپور را ترجیح می‌دهند. باید توضیحی در ورای این نقص وجود داشته باشد، که می‌توان در ترجیحات شرکت کنندگان پیگیری کرد. برای بررسی اولویت‌های شرکت کنندگان دو تجزیه تحلیل بیشترین و کمترین اولویت‌ها به علاوه تحلیل ابعاد اولویت‌ها انجام شد.

تحلیل بیشترین و کمترین صحنه‌های ترجیح داده شده

تمام ۵۴ صحنه با توجه به میانگین امتیازاتشان رده بندی و در جدول امتیاز دهی ۵ صحنه‌ی انتها و ابتدا انتخاب شدند (شکل ۲ و شکل ۳). و محتوای مشترک از گروه صحنه‌ها با استفاده از CIM مورد بررسی قرار گرفت.

در گروه، صحنه‌هایی که بیشترین اولویت‌ها را به خود اختصاص دادند (شکل ۲) که نمره‌ی نسبتاً بالایی را ($SD=0.6$ ، $25/4$) از ۵ نمره دریافت کرده‌اند. گفته می‌شود تمامی این صحنه‌ها شامل ساختمان‌های تاریخی مشترک و یک منطقه‌ی شهری منظم است. علاوه بر این هیچ مانع ترافیکی و بصری وجود نداشته است. درحالی که ساختمان‌هایی با معماری ناهمگون در همه‌ی آن‌ها دیده می‌شود. در گروه صحنه‌هایی که کمترین اولویت‌ها را به خود اختصاص داده‌اند (شکل ۳) که امتیازی معادل $2/15$ ($SD=0.79$) دارد که تا حدی ترجیح داده نشده‌اند، که در آن‌ها وسایل نقلیه پارک شده و در حال حرکت و موتور سیکلت‌ها، مناطق شهری نامنظم، سطح پایین حفظ و نگه‌داری، موانع بصری، شلوغی و ازدحام، محتوای مشترک همه‌ی این صحنه‌ها در این گروه هستند. علاوه بر این، پیاده روه‌ای نامشخص و گیج کننده در تمام صحنه‌ها قابل تشخیص است.

به طور کلی، نتیجه‌گیری می‌شود که اغلب شرکت کنندگان، مناطق شهری ترجیح می‌دهند که دارای میراث تاریخی خود را نشان دهند. علاوه بر این، آن‌ها مناطق بدون تراکم را ترجیح می‌دهند که به خوبی نگهداری می‌شوند. مهم‌تر از همه، حضور وسیله نقلیه موتوری، چه به صورت پارک شده و چه در حال تردد به طور قابل توجهی، ترجیح بصری مناطق شهری تاریخی را در چشمان گردشگران بین‌المللی کاهش می‌دهد.



Scene #36 (Mean = 4.40, S.D = 0.71)

Scene #6 (Mean = 4.32, S.D = 0.75)

Scene #16 (Mean = 4.30, S.D = 0.85)



Scene #33 (Mean = 4.27 S.D = 0.84)



Scene #27 (Mean = 3.98, S.D = 0.92)



Scene #32 (Mean = 2.16, S.D = 1.01)

Scene #41 (Mean = 2.17, S.D = 0.96)

Scene #24 (Mean = 2.16, S.D = 1.07)



Scene #26 (Mean = 2.12 S.D = 0.99)

Scene #13 (Mean = 2.11, S.D = 0.91)

ابعاد اولویت بصری

صحنه‌های رده بندی شده توسط شرکت کنندگان تحلیل شدند و ۶ بُعد برای بررسی در PCA مشخص شد. روش CIM در همه‌ی گروه‌ها و برای شناسایی ویژگی‌های محیطی یا محرک در هر ابعاد اولویت استفاده شد. با این حال، نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل محتوای مفهومی توصیف شفاهی شرکت کنندگان، فرآیند CIM را تحت تاثیر قرار داد. جالب است که، صحنه‌هایی که توسط شرکت کنندگان توضیح داده شد، در بین ۶ بُعد اولویت قرار داشت. توصیف شرکت کنندگان در هر یک از صحنه‌ها بر تضمین تفاسیر نهایی تاثیر گذار بود. در نهایت هر یک با توجه به خصوصیات مشترک، در یک گروه خاص که توسط هیئت متخصص و توصیفات ارائه شده توسط پاسخ دهنده‌گان مورد تایید قرار گرفت، نام‌گذاری شد.

ترتیب ابعاد اولویت ها، براساس میانگین امتیازات تعداد صحنه‌ها در هر گروه تعیین شد. بُعد ۴، معماری تاریخی مطلوب‌ترین بُعد بوده و بعد از آن، بُعد ۳، میراث کنار جاده ای، بُعد ۲، سرسبزی شهری، بُعد ۶، مدرنیته و توسعه، بُعد ۵، اتصال و در نهایت بُعد ۱، هرج و مرج بصری است. درحالی که قابلیت ارزشی هر بُعد با میانگین امتیازات متوسط توضیح داده می‌شود، و این مقدار نتیجه‌ی واکنش به محتوای صحنه است. بنابراین، باید تاثیر هر محتوا را در تشخیص تمایلات به کاهش یا افزایش ارزش اولویت، به سمت مناطق شهری تاریخی مورد بررسی قرار داد. شناخت تمایل آن‌ها با پیگیری سطح حضور یا عدم حضور و یا صرف نظر از آن‌ها، با مقایسه‌ای بین محتوای دو گروه از بهترین و بدترین صحنه‌ها، امکان پذیر شد.

چند صحنه‌ی برتر ممکن است شامل محتوایی با تاثیر مثبت باشند. درحالی که صحنه‌هایی دارای امتیاز کمتر، تا حدودی نه تنها فاقد این تاثیر بوده، بلکه تاثیر منفی نیز دارند. نتیجه‌ی حاصل از این تفسیر می‌تواند، منطقی را که در ورای ابعاد اولویت ها وجود دارد، نشان دهد. در واقع با مطالعه‌ی بُعد ۴، با بالاترین امتیاز می‌توان بیان نمود که حاوی ویژگی‌هایی با تاثیر مثبت است. درحالی که، بُعد ۱، اغلب با ویژگی‌هایی با تاثیر منفی اشغال شده است.

بر طبق نسر(۱۹۹۰) محتوایی با تاثیر مثبت شامل عناصر و ویژگی‌هایی است، که به عنوان علت محرک برای ارزیابی مطلوب است و نیاز به تقویت دارد. در مقابل، ارزیابی‌های منفی، ناشی از مطالب زننده و نیازمند تغییر است (Nasar, ۱۹۹۰: ۴۵). احترام به ادراک عمومی، محرک‌هایی با تاثیرات مثبتی هستند که، محتوای ویژگی‌های مناطق شهری تاریخی را ترویج می‌کنند و برعکس. بنابراین، به منظور افزایش اولویت برای ویژگی‌های مناطق میراث شهری تاریخی، تمایل به ایجاد تعادل بین این دو گروه، روشی برای کاهش اثرات ناخوشایند و جذابیت بیشتر است.

به عنوان ویژگی‌های مشترک میان بهترین صحنه‌ها، ساختمان‌های تاریخی، پیاده روهای منظم، آرامش، نگهداری، سرزندگی و ترکیب همگون و متناسب قدیمی و جدید به عنوان محرک‌های مطلوب

شهر تاریخی شناخته شدند. علاوه بر این، هرج مرج بصری ازدحام، جریان ترافیک، پارکینگ، موانع (هم فیزیکی و هم بصری) و پیشرفت‌های مدرن به عنوان اجزای زنده در منطقه‌ی مورد نظر ذکر شد. شرح مفصّلی از نتایج برای هر بُعد اولویت‌ها در زیر داده شده است.

بُعد اولویت ۱: هرج و مرج بصری

این بُعد شامل ۸ صحنه (شکل ۴) و میانگین $(2/24)$ $(SD = 0/75)$ است. به دلیل ظاهر ویژگی‌های محیطی؛ ازدحام، ترافیک، اختلالات و بی‌نظمی، ویژگی مشترک صحنه‌هایی بود که این بُعد به عنوان هرج و مرج بصری شناخته می‌شد. این بُعد شامل صحنه‌هایی است که حداقل اولویت را دارند. نمره متوسط به پایین این صحنه‌ها که تا حدی ترجیح داده نشده است نشان‌دهنده ناخرسندی شرکت کنندگان در هنگام مواجهه با چنین محیط‌هایی است.

با توجه به رتبه‌بندی، هرج و مرج بصری مهم‌ترین کاهش‌دهنده‌ی اولویت‌های بصری نسبت به مناطق تاریخی شهر است. این یافته توسط مطالعات قبلی به گونه‌ای تثبیت می‌شوند که پیچیدگی ممکن است یک عامل مهم باشد که منجر به هرج و مرج می‌شود در مطالعه‌ای توسط کاپلن در روش پیچیدگی متمایز است.

پیچیدگی با نظم و بدون نظم به عنوان هرج و مرج. از این حیث، به نظرمی‌رسد که اغلب این محتویات زنده، عوامل موثر برای پیچیدگی هستند بدون اینکه منجر به هرج و مرج شود. ناهمگونی بین ساختمان‌های موروثی و مناظر اطراف، ترافیک و شلوغی پیاده‌روها به عنوان مهم‌ترین علل هرج و مرج بصری در مرکز تاریخی کوالالمپور شناخته می‌شوند. علاوه بر این، مسیرهای پر ازدحام به دلیل حمل و نقل عمومی و برپایی غرفه‌ها، فروشنده‌ها، و پارکینگ موتور سیکلت در پیاده‌روهای عابران و کنار خیابان به عنوان عوامل عجله و شلوغی در منطقه تاریخی شهر به چشم می‌خورد.

بُعد اولویت ۲: سرسبزی شهری



Scene #24 (Mean = 2.16, Loading = 0.76)



Scene #26 (Mean = 2.12, Loading = 0.75)



Scene #32 (Mean = 2.19, Loading = 0.69)



Scene #13 (Mean = 2.11, Loading = 0.68)



Scene #41 (Mean = 2.17, Loading = 0.68)



Scene #8 (Mean = 2.60, Loading = 0.60)



Scene #37 (Mean = 2.26 Loading = 0.57)



Scene #38 (Mean = 2.33, Loading = 0.53)

بعد دوم شامل ۶ صحنه بامیانگین امتیاز: $3/47$ (SD = 0.78) of (SD = 0.78) و امتیاز تقریباً مربوط به مقیاس ترجیح داده شده (شکل ۵) است. حضور سرسبزی به دلیل، ظاهر درختان، بوته‌ها و چمن‌ها در تمام صحنه‌ها حاکم است. حضور ساختمان‌ها با معماری سبک سنتی، هم در صحنه‌ها مشهود است، با این حال خط آسمان از طریق ساختمان‌های مدرن بلند به هم ریخته است. کلمات مشابه سبز، مانند پارک و پوشش گیاهی این ابعاد اولویت را به رنگ سبز شهری تبدیل کرد.

باتوجه به امتیازات بالا نتیجه می‌شود که پوشش‌های گیاهی در سطح منطقه مورد توجه قرار گرفته است. این ادعا با یافته‌های سایر محققانی مانند، هرزوک، سالیوان، ولف، مولان و که اظهار داشتند که هرچه سبزی بیشتر باشد، اولویت بیشتری بدست می‌آید، همخوانی دارد. با این حال، سرسبزی در مناطق شهری تاریخی بالاترین امتیاز را دریافت نکرده است. احتمالاً به این خاطر است که این سرسبزی در مرکز تاریخی کوالالمپور با ویژگی‌های تاریخی همخوانی ندارد.

ابعاد اولویت ۳: میراث کنار جاده‌ای



Scene #42 (Mean = 3.67, Loading = 0.78)



Scene #51 (Mean = 3.91, Loading = 0.77)



Scene #49 (Mean = 3.18, Loading = 0.76)



Scene #31 (Mean = 3.41, Loading = 0.72)



Scene #44 (Mean = 3.20, Loading = 0.54)



Scene #14 (Mean = 3.46, Loading = 0.51)

روشنایی نامناسب جاده‌های جلوی ساختمان‌های تاریخی، همراه با تاکید قوی بر ترافیک و حضور وسایل نقلیه، پیامد اصلی CIM در این بُعد است (شکل ۶) با این حال، امتیاز $3/80$ (SD = 0.64) را دریافت کرده است. ویژگی‌های منفی فرضی که از طریق روش CIM برای این بُعد شناسایی شدند امتیازات نسبتاً بالایی داشتند. حضور ساختمان‌های تاریخی میراث در امتداد خیابان‌ها منجر به انتخاب نام میراث جاده‌ای برای بُعد اولویت ۳ شد.

اگرچه تامین دسترسی به مناطق شهری تاریخی ضروری است، اما نباید سازمان فضایی و انسجام مناطق شهری را تحت تاثیر قرار دهد. قرار گرفتن ایستگاه LRT درست در کنار مسجد جامع، راهروهای زیرزمینی بالارفته در کنار جالان تان پرک، به خصوص در مقابل تئاتر قدیمی شهر، و سرریز شدن وسایل نقلیه در کنار جالان راجا مورد انتقاد قرار گرفته و مورد نیاز است که در مرکز تاریخی کوالالمپور حسابرسی شود. بُعد اولویت



Scene # 23 (Mean = 3.69, Loading = 0.69) Scene # 22 (Mean = 3.64, Loading = 0.67) Scene # 25 (Mean = 3.72, Loading = 0.60)



Scene # 12 (Mean = 3.90, Loading = 0.58) Scene # 11 (Mean = 3.54, Loading = 0.54)

۴: معماری تاریخی

بُعد اولویت ۴ متشکل از ۴ صحنه با میانگین $3/89$ ($SD = 0/66$) . به نظر می‌رسد که حضور ساختمان‌های موروثی تأثیر گذارترین ویژگی‌ها در همه صحنه‌ها می‌باشد. پیوستن ساختمان‌های تاریخی و توسعه مدرن، مشخصه تاریخی این منطقه را تحت الشعاع قرار داد (شکل ۷) علاوه بر این، ساختمان‌های بلند بر خط آسمان این منطقه تأثیر منفی گذاشته‌است. با توجه به تأثیر قابل توجه ساختمان‌های موروثی، این بُعد اولویت با عنوان معماری تاریخی شناخته شد.

نتیجه‌گیری می‌شود که ویژگی اصلی منطقه شهری تاریخی به ظاهر و میزان اعتبار میراث مدیون است. این مورد توسط اوجانگ و شمس الدین بیان می‌شود. این ساختمان‌های تاریخی به عنوان عناصر مهم و در وضوح محیط‌های شهری شناخته شده‌اند. علاوه بر این، به گفته‌ی هرزوغ و شیر ساختمان‌های تاریخی به غنای بصری کمک می‌کنند. این یافته نشان‌دهنده توجه ویژه‌ای به حفظ و نگهداری ساختمان در یک سو و حذف موانع دیداری از سوی دیگر است.



Scene # 35 (Mean = 3.44, Loading = 0.74) Scene # 34 (Mean = 3.43, Loading = 0.72) Scene # 36 (Mean = 4.40, Loading = 0.55)



Scene # 33 (Mean = 4.27, Loading = 0.51)

بُعد ترجیحات ۵: اتصال

بُعد پنجم اولویت شامل سه صحنه است که جاده‌های دسترسی پیاده‌ها را به منطقه مورد مطالعه در شکل ۸ متصل می‌کند (شکل ۸) محتوای ظاهری صحنه‌ها شامل پیاده‌روهای کنار سواره‌روها است. بنابراین، این بُعد عنوان اتصال داده شد. با وجود لزوم فراهم کردن دسترسی مناسب به مناطق شهری تاریخی، امتیاز میانگین برای این بُعد تنها $2/85$ بود ($SD = 0/87$) فرض بر این است که پیاده‌روهای نام‌ن در کنار خیابان‌ها، علاوه بر جریان ترافیک، منجر به امتیاز کم اولویت هم شده است.

حضور موانع در امتداد مسیرها، ناامنی در برابر جریان وسیله نقلیه، وضعیت نامناسب، و ناسازگاری با محیط، ویژگی‌هایی بود که به نظر می‌رسد باعث پایین آمدن این ابعاد در منطقه مطالعه می‌شود.



Scene # 45 (Mean = 2.76, Loading = 0.62) Scene # 29 (Mean = 2.69, Loading = 0.55) Scene # 46 (Mean = 3.11, Loading = 0.51)

بُعد اولویت ۶: مدرنیته و توسعه

آخرین بُعد ترجیح شامل سه صحنه (شکل ۹) با میانگین امتیاز $3/23$ ($SD = 0/84$) است. محتوای مشترک میان صحنه‌هایی از این گروه و بُعد سربیزی، و ظهور ساختمان‌های بلند است. مشابه بُعد دوم، به نظر می‌رسد که سبزی تنها ویژگی مثبت است که امتیاز اولویت را برای این بُعد حفظ می‌کند، و در مقابل، ساخت و توسعه مدرن به شدت مخالف بود. تسلط متمرکز ساختارها بر مکان میراث و ساختمان‌های تاریخی، امتیاز آن‌ها را به طور کلی تحت تاثیر قرار داده است. با در نظر گرفتن مجموع تأثیرات ساختمان مدرن و ساخت و ساز بر روی میراث شهری، به عنوان بُعد مدرنیته و توسعه نامگذاری شده است.

پیچیدگی در خط آسمان به عنوان عامل دیگری برای هرج و مرج مورد ارزیابی قرار گرفت. ساختمان‌های عظیم ساختمان‌های جدید در هر مقیاسی، بر ویژگی‌های منطقه مورد مطالعه تاثیر می‌گذارد. حضور آسمان خراش‌ها با سبک‌های معماری مدرن با ویژگی متمایز ساختمان‌های موروثی در این منطقه مغایرت دارد.

هیلت، اسمیت و لیم پیچیدگی ساختمان‌های بلند را دیدند و اظهار داشتند که خط آسمان را باید از تبدیل شدن به یک سیلوئت پیچیده‌تر محافظت کرد. ساخت زیرساخت‌های شهری مدرن مانند ایستگاه قطار و راه‌آهن، کانال آبی بتنی جایگزین رودخانه، پل‌های ساختمانی، و بناهای تاریخی تنها برخی از نمونه‌های بسیار بدیهی از تناقضات با ویژگی‌های تاریخی، مرکز تاریخی کولامپور هستند.



Scene # 7 (Mean = 3.27, Loading = 0.79) Scene # 4 (Mean = 3.29, Loading = 0.64) Scene # 18 (Mean = 3.14, Loading = 0.55)

بحث و نتیجه‌گیری

مطالعه فوق با هدف شناسایی اولویت‌های تصویری عمومی نسبت به مناطق شهری تاریخی، از روش درک روانشناسی در حوزه ارزیابی محیطی بهره‌مند شد. این مساله حمایت از تلاش‌های فعلی برای کاهش گسترش شکاف میان سیاستگذاران و ذی‌نفعان شهری تاریخی است. شناسایی اولویت‌های بصری ذی‌نفعان و معرفی آن‌ها به سیاست‌گذاران به عنوان راهی برای مشارکت منفعل در فرآیند برنامه‌ریزی فرض شده است. بنابراین درک اولویت‌های عمومی می‌تواند بر سر حفاظت از مناطق شهری تاریخی در یک سو حل و فصل شود و مشکلات مربوط به مشارکت عمومی از طرف دیگر را کاهش دهد.



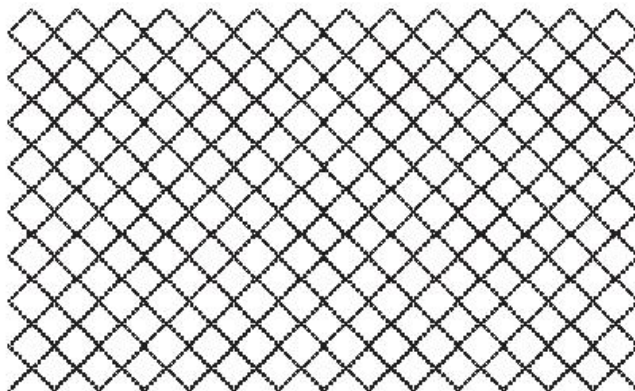
از نظر روش شناختی این تحقیق، مسئولیت خود را برای شناسایی اولویت‌های تصویری عمومی و بررسی محتوای محیطی این منطقه به اثبات می‌رساند و ویژگی‌های تاریخی یک منطقه شهری برای هدف حفاظت را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این روش به شرکت کنندگان اجازه می‌دهد تا وضعیت موجود یک منطقه شهری تاریخی را به راحتی با استفاده از تصاویر ارزیابی کنند. بنابراین بهتر است که سیاست گذاران و طراحان را متقاعد کنیم تا برداشت‌های عمومی را در نظر بگیرند.

اولویت پایین مرکز تاریخی شهر کوالالمپور در چشم گردشگران بین‌المللی نقص حفاظت منطقه تاریخی شهر کوالالمپور را نشان می‌دهد. یافته‌های مطالعه حاضر چالش‌های خاصی را به دنبال دارد تا مرکز شهر تاریخی شهر را به عنوان مرکز میراث فرهنگی اصیل با هویت متمایز مشخص کنند. این یافته‌ها، مطالعات قبلی را تایید می‌کند که بر جذابیت‌های اندک کوالالمپور برای گردشگری میراث و تصویر و هویت غیرقابل انتظام تأکید می‌کند. بنابراین، تالار شهر کوالالمپور توصیه می‌شود که نظر ذی‌نفعان را از طریق اولویت‌های بصری خود برای طراحی و برنامه‌ریزی برای مناطق تاریخی خود ترکیب کند.

یافته‌های مهم این مطالعه نشان داد که علی‌رغم توجه کافی به بیشتر ساختمان‌های موروثی در منطقه مورد مطالعه، توجه کمتری به محیط اطراف آن‌ها معطوف شده است. بررسی اجمالی گروه‌های صحنه نشان داد که صحنه‌های با امتیاز کم‌تر اولویت، محیط اطراف ساختمان‌های موروثی و مجاورت آن‌ها را نشان می‌دهند. ممکن است به عنوان یک غفلت رایج در برنامه‌ریزی برای حفاظت از مناطق شهری تاریخی در نظر گرفته شود. علاوه بر این، این مطالعه تایید کرد که ساختمان میراث، به عنوان یک محتوا، اولویت‌های بصری را بالا می‌برد، اما برای افزایش ترجیح یک منطقه شهری تاریخی در چشم مخاطبان کافی نیست. به عبارت دیگر، ظهور میراث یا ساختمان‌های تاریخی لزوماً به بالاترین اولویت ذی‌نفعان تبدیل نمی‌شود. ما این مفهوم را فرض می‌کنیم که چشم‌انداز عامل تعیین‌کننده‌تری نسبت به ساختمان‌های منفرد است. بنابراین، محیط اطراف و محیط اطراف نیز باید محفوظ بمانند و یا بر طبق آن احیا شوند. این در راستای توصیه‌های یونسکو در HUL (۲۰۱۱) است که از حفاظت از مناظر شهری تاریخی علاوه بر ساختمان‌های تاریخی و بناهای تاریخی حمایت می‌کند.

از این منظر، KLHCC موفق به افزایش اولویت‌های بصری ساختمان‌های میراث خاص در چشمان گردشگران بین‌المللی شد. با این حال، حذف موانع دیداری از زوایای مختلف توصیه نمی‌شود و نیز، هماهنگ‌سازی هر توسعه با ویژگی‌های تاریخی منطقه باید به شدت در مناطق شهری تاریخی و اطراف آن در نظر گرفته شود. برای این منظور، مداخلات در مکان‌های میراث شهری باید چشم‌انداز تاریخی و ویژگی‌های منطقه را تکمیل کنند. به طور کلی، هر نوع آراستن و مداخله مانند محوطه‌سازی باید با ویژگی تاریخی منطقه مطابقت داشته باشد. حفظ چشم‌انداز یک منطقه تاریخی که جامعه مدرن را شکل می‌دهد و ارزش زیادی برای درک ما از نحوه زندگی دارد، حیاتی است.

این مطالعه، بینش‌هایی را برای سیاست گذاران فراهم می‌کند تا نظر ذی‌نفعان را از طریق اولویت‌های بصری آن‌ها در فرآیند تصمیم‌گیری برای حفاظت از میراث، ترکیب کند. اگرچه برخی از یافته‌ها واقعا غیر منتظره نیستند، اما این مطالعه شواهد تجربی‌ای را ارائه داد که مشکلات واقعی هستند و ممکن است بر کیفیت مناطق شهری تاریخی تأثیر بگذارند که برای صنعت گردشگری و هویت کشورها بسیار مهم است. علاوه بر این، این مطالعه فقط بر روی گردشگران بین‌المللی، به عنوان یک گروه از ذی‌نفعان از حفاظت از مناطق شهرتاریخی متمرکز است؛ با این حال، بررسی اولویت‌های ذی‌نفعان دیگر، به خصوص افراد محلی، برای تثبیت یافته‌های تحقیق در آینده مهم است.



1. Visual preference dimensions of historic urban areas:
The determinants for urban heritage conservation
2. Meysam Deghati Najd a, *, Nor Atiah Ismail a, Suhardi Maulan a, *,
Mohd Yazid Mohd Yunos a, Mahsa Dabbagh Niya b
a Department of Landscape Architecture, Faculty of Design and Architecture, Universiti Putra Malaysia, 43400 UPM Serdang, Selangor, Malaysia
b Department of Architecture, Faculty of Design and Architecture, Universiti Putra Malaysia, 43400 UPM Serdang, Selangor, Malaysia
3. Yuen 2005
4. Ryberg-Webster and Kinahan (2013)
5. ICOMOS
6. Hindustan Unilever Limited
7. Rapoport (1997)
8. مترجم
9. S. Kaplan and R. Kaplan (1982)
10. Woods (1995)
11. Content Identifying Method
12. Kuala Lumpur Historic City Centre
13. Kuala Lumpur Structure Plan
14. Merdeka
15. Dataran Merdeka
16. Kelang

17. Gombak

18. Freeman 1984

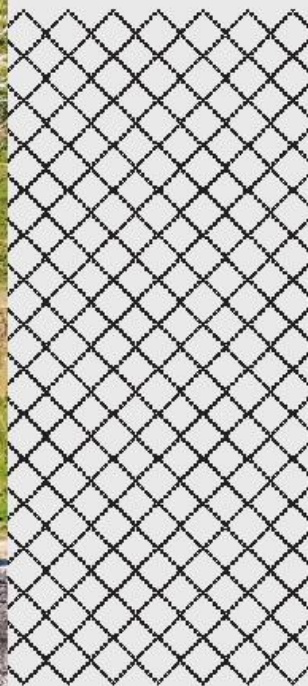
19. در اینجا چند فرضیه اولیه و ضروری وجود دارد که نباید در این تحلیل مورد تخطی قرار گیرد .

به عنوان مثال متغیرهای متعدد با مقیاس گسترده اندازه‌گیری، رابطه خطی بین تمامی متغیرها، اندازه نمونه بزرگ و داده‌های آزاد

(تحلیل مولفه‌های اصلی) (تحلیل مولفه‌های اصلی)

20. Principal component analysis
21. Nasar 1990
22. Herzog 1989
23. Sullivan III 1994
24. Wolf 2004
25. Maulan 2006
26. Light Rail Transit قطار سبک شهری
27. Jalan Tun Parek
28. Jalan Raja
29. Ujang and Shamsudin 2012
30. Shier 2000
31. Heath
32. Smith
33. Lim





روشے برای ارزیابے منظر تاریخے شهرے

Method for Assessment of the Historical Urban Landscape .1



نویسنده:

کایا تانریوردی آیسغال^۱
ترجمه: حنا تاج احمدی
دانشجوی کارشناسی ارشد
حفاظت و مرمت میراث شهری
دانشگاه هنر

1. Kaya Tanriverdi Aysegul

چکیده:

یکی از شهرهای ترکیه که در دوران حکومت عثمانی از اهمیت بالایی برخوردار بود، امروزه با نام کنیورالپ^۱ شناخته می‌شود و در کنار آن، شهر تاریخی پراسیاس آد هیپیوم^۲ که دارای تاریخ و گذشته باشکوه در دوران یونان باستان است، قرار دارد. امروزه حوزه منظر فرهنگی ناحیه باستانی و مسکونی پراسیاس آد هیپیوم، با رشد دانشگاه و استقرار صنعت، که جایگزین کشتزارها شده‌اند، تهدید می‌شود. این مطالعه به جهت ارزیابی آسیب‌پذیری میراث شهری، تحت فشارهای اجتماعی و اقتصادی و ادغام ارزش‌های میراث شهری با استفاده از رویکرد منظر تاریخی شهری به دنبال سنجش منابع طبیعی کنیورالپ است. برای این پژوهش، حفاظت شهری به عنوان ابزار مدیریت تغییر در چارچوب برنامه‌ریزی گسترده‌تری در نظر گرفته شده است. این تحقیق منظر تاریخی شهری را به منظور ارزیابی خصوصیات منظر تغییر یافته در طی سال‌های ۱۹۸۲ و ۲۰۱۵ با استفاده از روش‌های نظرسنجی و سنجش از راه دور، مورد بررسی قرار داده است.

1. Konuralp
2. Prusias ad Hypium

کلیدواژگان: منظر تاریخی شهر، خصوصیت منظر، منظر
متریک، کنیورالپ

Keywords: historical urban landscape; landscape
character; landscape metrics; Konuralp;

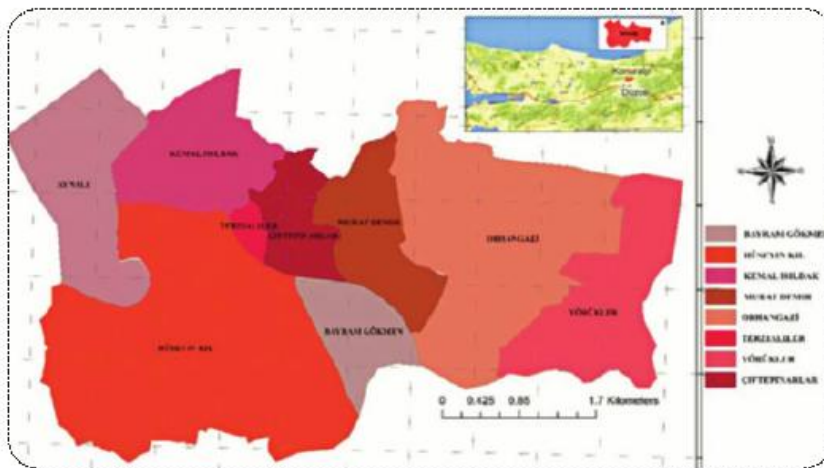
۱. مقدمه

یونسکو منظر تاریخی شهری را اینگونه تعریف کرده است: «منظر شهری به عنوان یک نتیجه از خصوصیات و ارزش‌های فرهنگی و طبیعی یک لایه‌ی تاریخی قابل درک است، فراتر از مفهوم مرکز تاریخی یا گروهی که شامل زمینه‌ی وسیع شهری و تنظیمات آن می‌شود». منظر شهری یک خصیصه یا ویژگی متمایز هر شهر است که ارزش‌های آن باید حفظ شوند و از طریق مشارکت عمومی و سیاست‌ها افزایش یابند. بعد از انقلاب صنعتی به علت توسعه و رشد حمل و نقل و توسعه تکنیک‌های تولید، ارزش‌های محیطی شهرها به سرعت مصرف و یا نابود شدند. هویت فضایی به علت غفلت از میراث فرهنگی به سوی نابودی گام نهاد و شهرها ویژگی‌های منحصربه‌فردشان را از دست دادند، و بدین گونه شبیه شدن شهرها به یکدیگر آغاز شد. با این حال، اساس تاریخ شامل تنوع ارزش‌های فرهنگی، راه‌های زندگی و روابط اجتماعی است. تنشی بین جهانی شدن و توسعه محلی وجود دارد. رشد شهرها، چهره شهرهای تاریخی و محیط آن‌ها را تغییر می‌دهد. امروزه رویکرد فعلی حفاظت شهری برای حفظ حس جامعه، هویت و در واقع تمام میراث فرهنگی است. از سال ۲۰۰۵، بحث جدی در مورد معنا، ویژگی و ارزش‌های تعبیه شده در منظر تاریخی شهری در یادداشت‌های وین صورت گرفت. توصیه نامه یونسکو در سال ۲۰۱۱ نقطه اوجی در باره‌ی منظر تاریخی شهری برای رویکرد حفاظت است.

منظر متریک^۱ به دلیل اطلاعات عددی که از عکس‌های هوایی و ماهواره‌ای در رابطه با ساختار منظر می‌دهد وسیله‌ی مهمی در فهم ساختار و تغییرات منظر است. چنین منظری اجازه بررسی عینی بر روی ساختار منظر را در کنار تغییرات آن در طول زمان به ما می‌دهد. معیارهای منظر ابزاری برای استفاده در ارزیابی آسیب‌پذیری و توسعه منظرهای در حال ظهور در طول زمان و تعیین روابط بین ویژگی‌های ساختاری، عملکردی و تغییرات منظر است.

منظرهای امروز توسط قدرت شکل گرفته‌اند، نیروهای انسان‌شناسی فعال همیشه حاضر در فضا و زمان. هر زمان که مردم در یک محل قرار می‌گیرند، آن مکان به سرعت شروع به تغییر می‌کند. همه این تغییرات می‌تواند تفاوت اندازه‌ی فضایی و شماره‌های ساختار موزاییک، شکل و اندازه‌های قطعه‌های زمین را در منظر نشان دهد.

خصوصیت ارزیابی منظر، نقش مهمی در مدیریت و نظارت بر تغییرات دارد. مشخصاتی که باعث تمایز یک مکان می‌شود را توصیف کند و درک ویژگی‌های کلیدی مثل حس مکان و کیفیت‌های ویژه منظر را تسهیل می‌کند.



شهری که جدیداً با نام "کنیورالپ" شناخته می‌شود، محل شهر باستانی پراسیاس آد هیپیوم است. این محل در منطقه دریای سیاه ترکیه، ۸ کیلومتری مرکز استان دوزس^۲، واقع شده است. اولین اطلاعات شناخته شده درباره‌ی شهر تاریخی به قرن سوم پیش از میلاد برمی‌گردد، برخی محققان اسطوره‌ی هراکلس را به عنوان بنیان‌گذار شهر معرفی کرده‌اند. بر روی سکه‌های پیدا شده در این منطقه یک فیگور ایستاده هراکلس با یک سنگ نوشته یونانی وجود دارد که اظهار دارد: "بنیانگذار پراسیاس^۳، این پراسیاس اد هیپیوم شهری مهاجر نشین در مجاورت هراکلیا بود که توسط ممنون تاریخ شناس^۴ به ثبت رسید.

بعد از نیمه دوم قرن سوم، شهر به علت مشکلات اقتصادی در رم کوچک‌تر و فقیرتر می‌شود. زمانی که افول قدرت امپراطوری بازانترین آغاز می‌شود، آن‌ها آناتولیا را به سمت ترکیه ترک کردند و فرمانروایی عثمانی در سال ۱۳۲۳ آغاز می‌شود. بر طبق ساختار توپوگرافی و برخی مشخصات نقشه، می‌توان باقی مانده‌ی شهر باستانی را بر رو و زیر تپه‌ی ساحلی مشاهده کرد. حفاری‌ها و سنگ نوشته‌ها در پراسیاس اد هیپیوم نشان دهنده حضور اصلی ویژگی‌های هر شهر هلنیستی^۵ است که هرکدام شامل یک تئاتر، یک ورزشگاه و یک آگورا می‌شود. «کنیورالپ» محل یک شهردوران هلنیستی است و همچنین اساس میراث شهر تاریخی عثمانی در معماری بومی و الگوی خیابان است. همه این ویژگی‌ها منظر شهری تاریخی "کنیورالپ" را تشکیل می‌دهد.

۲- منطقه مورد مطالعه

استان دوزس که (۲,۵۹۳ کیلومتر مربع) بین ۴۱۰۰۷ - ۴۰۰۳۷ شمالی و ۴۹۳۰۰ - ۵۰۳۱۰ شرقی، در غرب منطقه دریای سیاه ترکیه است. «کنیورالپ» به تازگی در مرکز استان دوزس قرار دارد، مناطق مسکونی کمال ایسیلداک^۶، حسین کیل^۷، بایرام گوکمن^۸، تیزالیلیر^۹، سیفتپمارلار^{۱۰}، آرهانگازی^{۱۱} و مورات دمیر^{۱۲} در داخل "کنیورالپ" قرار دارد، محدوده اصلی مورد مطالعه از ۱۵,۷۶ کیلومتر مربع تشکیل شده است.

۳- روش

تغییرات در مشخصات منظر هفت محله بین سال‌های ۱۹۸۲ و ۲۰۱۵ شناسایی شد و براساس لیستی مورد بررسی قرار می‌گیرند که در جدول ادیده می‌شود. تغییرات مناطق مسکونی، مناطق سبز و جاده‌ها با استفاده از نرم افزار Arc GIS10 دیجیتالی شدند، در سال ۲۰۱۴ اطلاعاتی که از تصاویر ماهواره‌ای بدست آمده بود با استفاده از مطالعات میدانی به روز شد، نقشه‌ی زمین‌های مسکونی از اطلاعاتی که منازل مسکونی در جدول زیر دسته بندی شده‌اند، تولید شده است. (تجارت، صنعت، مزارع مرغ)، جاده‌ها و مناطق سبز(گیاهان فندق، مزارع، چوب صنوبر، شالیزارهای برنج، جنگل‌ها). قطعه زمین^{۱۳} به عنوان کوچکترین واحد ممکن به عنوان عنصر کلیدی در نظر گرفته شده است. زمینه‌های پژوهش با کمک چندضلعی‌ها با مشخصات یکسان، دیجیتالی شدند. چند ضلعی که کوچکترین واحد را نشان می‌دهد، به عنوان یک "قطعه زمین" تعریف شده است.

2. Duzce
3. Historian Memnon
4. Hellenistic ق م 133-323 (دوره چهارم تاریخ هنر یونان)
5. Kemal Isildak
6. Huseyn Kil
7. Bayram Gokmen
8. Terzialiler
9. Ciftepmarlar
10. Orhangazi
11. Murat Demir
12. patch

| ترتیب | نوع مواد | سال | مقیاس |
|----------|---|------------|---------|
| G26a l-2 | نقشه فتومتریک | 1982 | 25000/1 |
| G26a l-2 | نقشه فتومتریک | 1997 | 25000/1 |
| G26a l-2 | Quickbird Orthoready وضوح 50 cm 16 قطعه، باند 3 | 2003.01.15 | * |
| G26a l-2 | GE1: Orthoready وضوح 50 cm، باند 3، 16 قطعه | 2013.04.05 | * |
| G26a l-2 | PL_PNP: Pleiades وضوح 50 cm، باند 3، 16 قطعه | 2014.05.27 | * |

جدول ۱: مجموعه داده‌هایی که برای تعریف انواع ویژگی‌های منظر استفاده می‌شود

تغییرات در مشخصات محدوده‌ی مورد مطالعه بین سال‌های ۱۹۸۲ تا ۲۰۱۵ در نقشه‌های پایه روی مطالعه Eetvelde و Antrop نشان داده شد. مناطق مسکونی، راه‌ها و مناطق سبز روی نقشه با استفاده از نرم‌افزار GIS 10 نشانه گذاری شده و در جدول ۲ نشان داده شده است. ماتریس منظر برای هر دوره زمانی با توجه به تعداد قطعه‌های زمین، انواع مناسبات، میانگین قطعه‌های زمین و تراکم قطعه‌های زمین برای انواع ویژگی‌های متفاوت منظر در نظر گرفته شد. تعداد قطعه‌های زمین نشان‌دهنده‌ی تقسیم‌بندی منطقه است.

| اختصارات | منظر متریک | شاخص برای ویژگی منظر |
|----------|-----------------------------|---|
| PLCT | تناسب ویژگی منظر نوع (%) | نفوذ انواع ویژگی‌ها، گوناگونی، انواع موارد استثنایی |
| NP | تعداد قطعه‌های زمین | درجه تقسیم بندی نوع ویژگی یا منظر؛ پیچیدگی |
| AREA MN | متوسط مساحت قطعه زمین | پیچیدگی هندسی، تغییر یا ناپایداری، مقیاس منظر |
| D | تراکم قطعه زمین | اندازه عناصر منظر |

جدول ۲: منظر متریک به عنوان شاخص ویژگی منظر در نظر گرفته شد

۴- نتایج و بحث

بعد از تشخیص تغییرات با استفاده از نرم افزار GIS 10، نقشه‌های موضوعی مناطق مسکونی، منطقه سبز و راه‌ها و جداول مربوط به مشخصات ویژگی‌های منظر منطقه مورد پژوهش بین سال‌های ۱۹۸۲ تا ۲۰۱۵ بدست آمده است. جداول به دقت بررسی شده‌اند و به معنای ویژگی تغییرات منظر تفسیر شدند. ۹۳٪ محله 'حسین کیل' در سال ۱۹۸۲، سبز بوده است، که این نرخ در سال ۲۰۱۵ به ۸۸٪ کاهش یافته است، که هرکدام شامل ۲۹ قطعه زمین بوده، (جدول ۲). شماره قطعه‌های مسکونی ۱۰۲ عدد در سال ۲۰۰۳ بوده و مساحت این قطعه ۰،۰۰۲ کیلومتر مربع و نرخ نوع ویژگی منظر مسکونی به ۲٪ رسیده است، با افزایش زمین‌های مسکونی شماره قطعه‌های تقسیم شده مناطق سبز نیز افزایش یافت. نرخ ویژگی منظر؛ نوع زمین مسکونی ۵٪ در سال ۲۰۱۵ بود. محله های 'آرهانگازی' و 'مورات یمیز' ویژگی منظر از نوع مسکونی‌اش کم بود و غالب منطقه را در سال ۱۹۸۲ از زمین‌های سبز تشکیل شده بود. اما شمار قطعه‌های زمین مسکونی در سال ۲۰۱۵ به طور

چشمگیری افزایش یافت. زمین‌های مسکونی که شامل قطعه‌های کوچک پراکنده می‌شوند، در سال‌های اخیر به شکل قطعه‌های بزرگتر گسترش یافت. نرخ زمین‌های سبز ویژگی منظر در محله‌های 'آرهانگازی' به ۰.۶٪، در 'مورات دمیر' به ۰.۷٪ کاهش یافت. (جدول ۳)

| ناحیه سال | نوع ویژگی منظر / مناطق سبز | | | | | نوع ویژگی منظر / مناطق مسکونی | | | |
|-----------------|----------------------------|-----------------------|---------------------------|---------------------|------------------|-------------------------------|---------------------------|---------------------|------------------|
| | مساحت ناحیه Km2 | تراکم قطعه‌های زمین % | میانگین مساحت قطعه‌ها Km2 | تعداد قطعه‌های زمین | نوع ویژگی منظر % | تراکم قطعه‌های زمین % | میانگین مساحت قطعه‌ها Km2 | تعداد قطعه‌های زمین | نوع ویژگی منظر % |
| 1982 ک. ایسیداک | 1.87 | 7.5 | 0.12 | 14 | 86 | 16 | 0.004 | 30 | 6 |
| م. دمیر | 1.5 | 10 | 0.09 | 15 | 87 | 17 | 0.002 | 26 | 4 |
| آرهانگازی | 4.58 | 4.8 | 0.18 | 22 | 90 | 7.9 | 0.003 | 36 | 2 |
| ب. گوکمن | 1.02 | 9.8 | 0.09 | 10 | 88 | 17.6 | 0.002 | 18 | 3 |
| تیرزیالیر | 0.18 | 5.6 | 0.05 | 1 | 28 | 61 | 0.01 | 11 | 50 |
| سیفتیمارلار | 1.08 | 16 | 0.03 | 17 | 54 | 39 | 0.004 | 42 | 14 |
| ج. کیل | 6.53 | 5 | 0.2 | 29 | 88 | 3.6 | 0.004 | 20 | 1 |
| 1997 ک. ایسیداک | 1.87 | 3.20 | 0.3 | 6 | 83 | 11.8 | 0.009 | 22 | 11 |
| م. دمیر | 1.5 | 6.66 | 0.06 | 22 | 83 | 30 | 0.001 | 45 | 5 |
| آرهانگازی | 4.58 | 3.3 | 0.25 | 15 | 85 | 9.17 | 0.002 | 42 | 2 |
| ب. گوکمن | 1.02 | 2.94 | 0.28 | 3 | 82 | 19.6 | 0.002 | 20 | 4 |
| تیرزیالیر | 0.18 | 38.9 | 0.007 | 7 | 28 | 61 | 0.01 | 11 | 50 |
| سیفتیمارلار | 1.08 | 16 | 0.03 | 17 | 54 | 43 | 0.002 | 46 | 10 |
| ج. کیل | 6.53 | 1.23 | 0.75 | 8 | 92 | 3.52 | 0.005 | 23 | 2 |
| 2003 ک. ایسیداک | 1.87 | 2.1 | 0.34 | 4 | 73 | 9.1 | 0.003 | 17 | 24 |
| م. دمیر | 1.5 | 31 | 0.03 | 47 | 83 | 51 | 0.003 | 77 | 15 |
| آرهانگازی | 4.58 | 11 | 0.08 | 50 | 84 | 28 | 0.004 | 127 | 11 |

| ناحیه سال | نوع ویژگی منظر / مناطق سبز | | | | | نوع ویژگی منظر / مناطق مسکونی | | | |
|-----------------|----------------------------|-----------------------|---------------------------|---------------------|------------------|-------------------------------|---------------------------|---------------------|------------------|
| | مساحت ناحیه Km2 | تراکم قطعه‌های زمین % | میانگین مساحت قطعه‌ها Km2 | تعداد قطعه‌های زمین | نوع ویژگی منظر % | تراکم قطعه‌های زمین % | میانگین مساحت قطعه‌ها Km2 | تعداد قطعه‌های زمین | نوع ویژگی منظر % |
| ب. گوکمن | 1.02 | 20 | 0.04 | 20 | 80 | 53 | 0.001 | 54 | 6 |
| تیرزیالیپر | 0.18 | 38.9 | 0.007 | 7 | 28 | 61 | 0.01 | 11 | 50 |
| سیفتیمارلار | 1.08 | 24 | 0.02 | 26 | 51 | 65.8 | 0.003 | 71 | 17 |
| ج. کیل | 6.53 | 3.21 | 0.3 | 21 | 89 | 15.6 | 0.002 | 102 | 2 |
| 2015 ک. ایسیداک | 1.87 | 2.1 | 0.34 | 4 | 73 | 9.1 | 0.003 | 17 | 24 |
| م. دمیر | 1.5 | 6.66 | 0.06 | 22 | 70 | 53 | 0.004 | 80 | 23 |
| أرهانگازی | 4.58 | 8 | 0.09 | 35 | 60 | 29 | 0.013 | 132 | 32 |
| ب. گوکمن | 1.02 | 18 | 0.13 | 18 | 78 | 25 | 0.008 | 25 | 14 |
| تیرزیالیپر | 0.18 | 38.9 | 0.007 | 7 | 28 | 61 | 0.002 | 11 | 50 |
| سیفتیمارلار | 1.08 | 16 | 0.2 | 17 | 45 | 76 | 0.003 | 82 | 25 |
| ج. کیل | 6.53 | 1.23 | 0.75 | 8 | 92 | 17.6 | 0.003 | 115 | 5 |

جدول ۳. سنجش تغییرات انواع خصوصیت و ویژگی منظر بین سال‌های ۱۹۸۲-۲۰۱۵

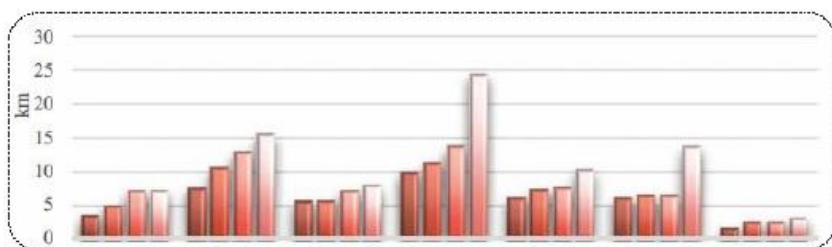
ویژگی منظر نوع مسکونی در محله‌ی "کمال ایسیداک" ۶٪ بود، قطعه‌های مناطق سبز ۱۴ تا بود و نوع ویژگی منظر در سال ۱۹۸۲، ۸۶٪ بود که در سال ۲۰۱۵ به ۷۳٪ کاهش یافت. هیچ افزایشی در زمین‌های مسکونی محله‌ی "کمال ایسیداک" بین سال‌های ۲۰۰۳ و ۲۰۰۵ وجود نداشت. محله‌ی "بایرام گوکمن" ۱۸ تکه دارد و ۳٪ از نوع ویژگی منظر آن در سال ۱۹۸۲ زمین مسکونی بود، منطقه سبز آن ۱۰ تکه با ۸۸٪ نوع ویژگی منظر را داشت، با این حال، در سال ۲۰۱۵ شمار قطعه‌های زمین آن ۲۵ هست و متوسط مساحت منطقه ۰٫۰۰۸ کیلومترمربع است، زمین‌های مسکونی که شامل قطعه‌های کوچک پراکنده شده در سال‌های اخیر، به شکل قطعه‌های بزرگتر گسترش یافته است. آن‌ها ۱۸ قطعه هستند و نرخ نوع ویژگی منظر در سال ۲۰۱۵، ۷۸٪ در مناطق سبز است. محله "تیرزیالیپر" ۱۱ تکه دارد و از سال‌های ۱۹۸۲ تا ۲۰۱۵، ۵۰٪ از ویژگی منظر آن از نوع زمین‌های مسکونی بوده است. از ۱۹۹۷ تا ۲۰۱۵ ویژگی منظر نوع مناطق سبز آن ۲۸ درصد بود، اما قطعه‌های زمین سبز از یک به هفت بخش افزایش یافت، مساحت متوسط این قطعه‌های زمین سبز از ۰٫۵ کیلومتر مربع تا ۰٫۷ کیلومترمربع کوچکتر بود.

این افزایش شمار قطعه‌ها و کاهش متوسط سطح قطعه‌های زمین نشان دهنده‌ی تکه تکه شدن مناطق سبز است. محله "سیفتیمارلار" ۴۲ قطعه زمین دارد و ۱۴٪ ویژگی منظر آن در سال ۱۹۸۲ از نوع زمین مسکونی بوده است. اما دیده می‌شود کاهش ویژگی منظر زمین مسکونی در ۱۹۹۷ پس از سال ۱۹۹۷ تا ۲۰۱۵ افزایش یافت (شکل ۲).

فرض بر این است که افزایش طول جاده‌ها، باعث افزایش مناطق سبز و شمار قطعه‌های مسکونی شد. از ۱۹۸۲ تا ۱۹۹۷ ویژگی منظر نوع مناطق سبز تغییری نکرد، اما ویژگی منظر نوع زمین مسکونی از ۱۴٪ درصد به ۱۰٫۲٪ کاهش یافت (جدول ۳). زمانی که تغییرات طول جاده‌ها مورد بررسی قرار گرفت، مشاهده شد که افزایش موازی وجود دارد با رشد مناطق مسکونی در محله‌های «مورات ډمیر» و «آرهانگازی» اما یک افزایش چشمگیر در محله «حسین کیل» غالب آن ویژگی منظر نوع مناطق سبز هست که شامل زمین‌های کشاورزی می‌شود (شکل ۲).

تغییرات راه‌ها

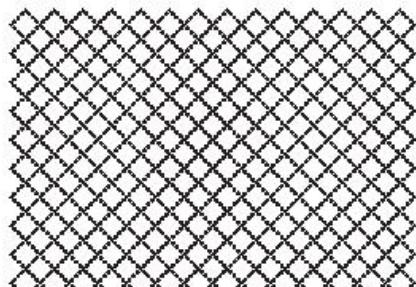
تیرزیالیپلر سیفتیمارلار م. ډمیر آرهانگازی ب. گوکمن ح. کیل ک. ایسیداک
شکل ۲. نمودار تغییرات جاده‌ها ۱۹۸۲-۲۰۱۵

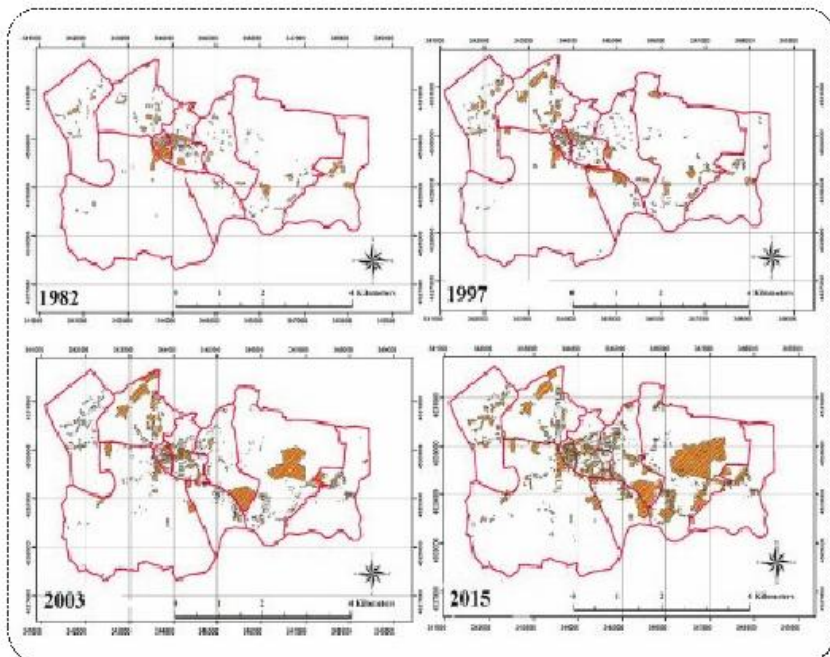


۵- نتیجه

این مطالعه دوره‌های تغییرات منظر تاریخی شهری هفت محله‌ی شهر یونان باستان «کنیورالپ» را در طول دوره‌ی زمانی ۱۹۸۲ و ۲۰۱۵ مورد بررسی قرار داد. بر طبق نتایج پژوهش، شمار قطعه‌های مناطق سبز افزایش یافته، زیرا آن‌ها تقسیم شده‌اند، در حالی که حجم کل مناطق سبز کاهش یافته است. علاوه بر این، متوسط مساحت قطعه‌های زمین مناطق، کوچکتر شده‌اند و نرخ زمین‌های مسکونی افزایش یافته است. در موازی با این افزایش نیز، طول جاده‌ها و راه‌ها هم ۵۱ درصد افزایش یافته است. محله‌ی «تیرزیالیپلر» تصویری از پایداری منظر را نشان می‌دهد. در حالی که از ارزیابی الگوی ساختمان‌های زیاد، این نتیجه می‌شود که ویژگی تاریخی محله‌ها در طول سال‌ها حفظ شده است. محله‌های «حسین کیل» و «سیفتیمارلار» همچنین نشان دهنده‌ی حفظ پایه‌های تاریخی‌اند، با این حال، آن‌ها در زمینه‌ی چالش‌های زمین‌خواری در معرض آسیب هستند. از سال ۲۰۰۳ مناطق مسکونی محله‌های «آرهانگازی» و «مورات ډمیر» به علت مجاورت با محوطه دانشگاه دوزس بسیار محبوب شده‌اند. محله‌های «کمال ایسیداک» و «بایرام گوکمن» نیز تجربه مداوم افزایش شهرک‌ها در امتداد اتوبان‌ها را دارند، به جز برای محله «تیرزیالیپلر»، که میزان مناطق سبز آن همچنان غالب است، با اینکه این نرخ به طور پیوسته کاهش یافته است، نشان می‌دهد که آن محله‌ها دارای امکانات یک منطقه روستایی هستند و مناطق سبز آن نقش معرفی‌کننده ویژگی و تصویر شهر را دارند. با این حال، شهرسازی در سراسر «کنیورالپ» ادامه دارد و روند رشد شهرک‌ها و قطعه قطعه شدن زمین‌های شهری، اغلب منجر به تغییرات چشمگیر منظر شهری تاریخی می‌شوند.

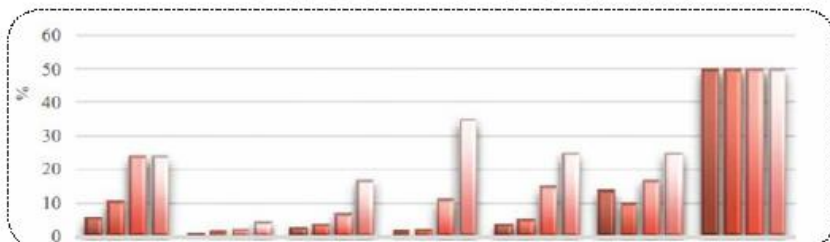
نقشه موضوعی تغییرات مناطق مسکونی بین سال‌های ۱۹۸۲-۲۰۱۵





تغییرات مناطق مسکونی

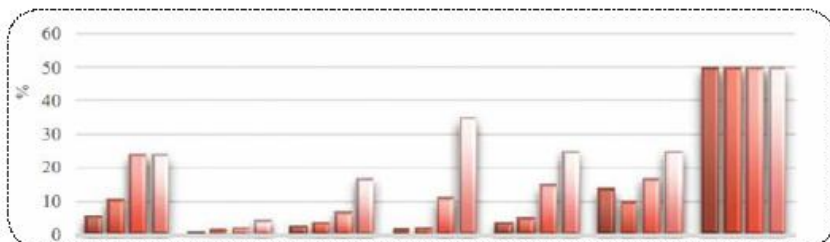
ترزیالیلر سیفتیمارلار م. دمیر آرهانگازی ب. گوکمن ح. کیل ک. ایسیداک



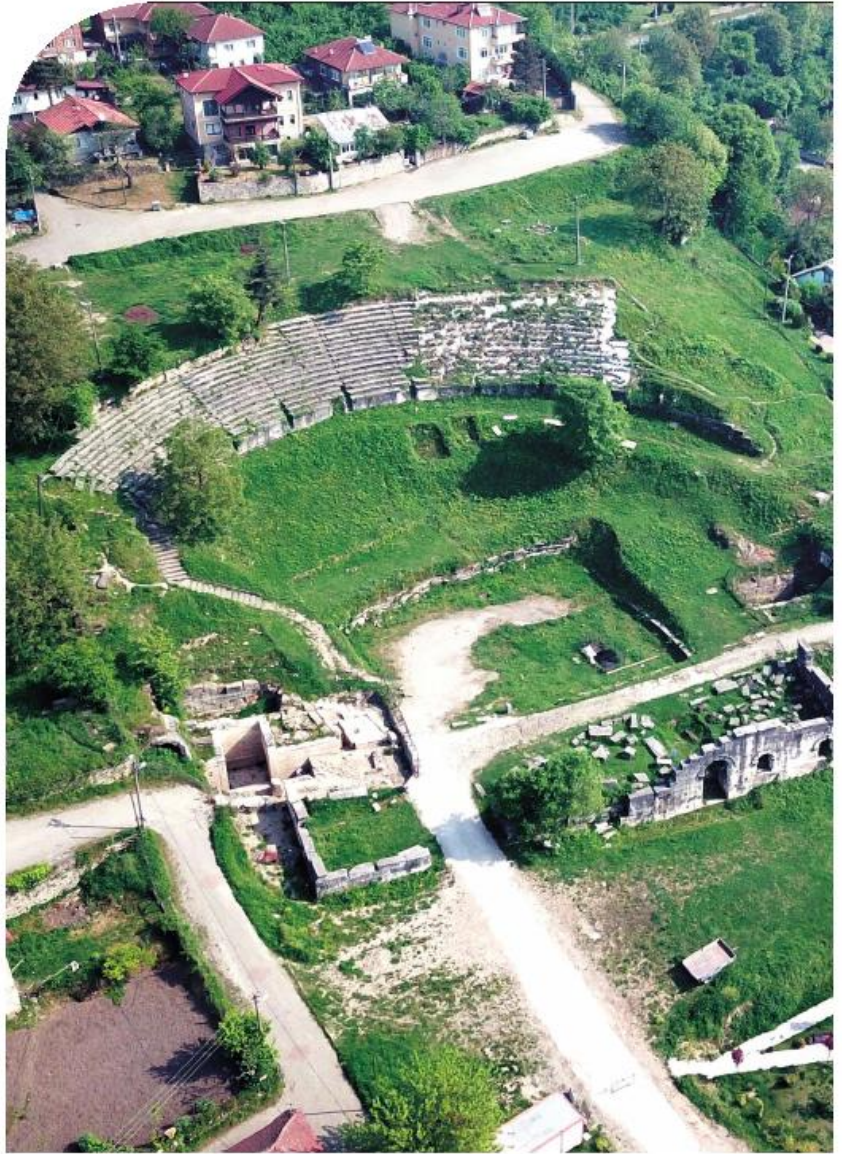
شکل ۴. نمودار تغییرات مناطق مسکونی بین سال های ۱۹۸۲-۲۰۱۵

تغییرات مناطق سبز

ترزیالیلر سیفتیمارلار م. دمیر آرهانگازی ب. گوکمن ح. کیل ک. ایسیداک



شکل ۵. نمودار تغییرات مناطق سبز بین سال های ۱۹۸۲-۲۰۱۵



References

- [1] Banderin F., Oers V.R., The Historic Urban Landscape-managing heritage in an urban century, Wiley-Blackwell, 2012.
- [2] Mitchell N., Rössler M., Tricaud, World Heritage Cultural Landscapes, A Handbook for conservation and management, UNESCO, 2009, <http://whc.unesco.org>.
- [3] Gökyer E., Understanding landscape structure using landscape metrics, Ed. Murat Özyavuz, Advances in Landscape Architecture, July 2013, Intech, ISBN 978-958-51-1167-2.
- [4] Antrop M., Why Landscapes of the past are important for the future, Landscape and Urban Planning, 70(2005), p21-34.
- [5] Eetsveld V.V., Antrop M., Indicators for assessing changing landscape character of cultural landscape in Flanders (Belgium), Land Use Policy, 26(2009), p901-916.
- [6] Tudor C., An Approach to Landscape Character Assessment, Natural England, 2014
https://www.gov.uk/government/uploads/system/uploads/attachment_data/file/396192/landscape-character-assessment.pdf
- [7] Özlü Z., An ancient Ottoman city in the western Black Sea-Prusias ad Hypium, Italik press, Istanbul, 2009 (In Turkish).
- [8] Zeyrek T., Celik G., Prusias ad Hypium (Kieros), Ege Press, Istanbul, 2005 (In Turkish).



لزوم آموزش حفظ میراث فرهنگی به کودکان

چکیده:

هر روزه خبرهای ناگواری از تخریب میراث تاریخی از سراسر ایران به گوش می‌رسد، که سهم عمده این تخریب‌ها را عوامل انسانی تشکیل می‌دهند. عواملی که اکثر آنها ناشی از عدم آگاهی و شناخت کافی با گنجینه‌های ارزشمند نیاکانمان است. همه ما در برخورد با یادگارهای تمدن‌های پیشین، شاهد تخریب‌هایی مثل دیوار نویسی، قدم زدن بر روی بقایای تاریخی، حفاری‌های غیر اصولی و غیر قانونی جهت یافتن شیء تاریخی و ... توسط مردم عادی بوده‌ایم، در صورتیکه تمام شهروندان در رویارویی با آثار و بناهای تاریخی باید به عنوان یک حفاظت‌گر عمل کنند و خود حافظ این آثار ارزشمند باشند. در این بین کودکان به عنوان آینده سازان هر فرهنگ، سهم به‌سزایی در حفظ این آثار و انتقال آن‌ها به نسل‌های بعد خواهند داشت. اگر هر کسی از همان دوران کودکی و نوجوانی نحوه‌ی برخورد صحیح با میراث فرهنگی را فرا بگیرد، در بزرگسالی اهمیت آن‌ها را درک خواهد کرد و در حفظ و صیانت از آثار ارزشمند تاریخی خواهد کوشید. با توجه به موارد فوق؛ آموزش حفاظت از میراث فرهنگی به کودکان بسیار مهم است. در این مقاله بر لزوم آموزش به کودکان جهت آشنایی با میراث فرهنگی اشاره خواهیم کرد و سپس به راه‌های کاربردی جهت آشنایی هر چه بهتر و موثرتر با اندوخته‌های تاریخی خواهیم پرداخت. در انجام این پژوهش از روش مطالعه کتابخانه‌ای استفاده شده است.



مینا رضازاده
کارشناس مرمت
و احیای بناهای تاریخی



آیدا رزاقی رضائیه،
کارشناس مرمت
و احیای بناهای تاریخی

کلیدواژگان: میراث، کودکان، آموزش، حفاظت

مقدمه

برنامه‌های آموزشی میراث، یک سیاست مهم برای دولت‌ها و دیگر موسسه‌ها است، اما برای رسیدن به این هدف نیازی به اجازه دولت نیست، بلکه هرکسی به نوبه خود می‌تواند در این راه قدم بگذارد. آموزش میراث در زمینه حفاظت و نگهداری آن بسیار مهم است. برای این منظور پیشرفت آگاهی و آموزش دانش کافی و مهارت‌های لازم به کودکان برای حفظ میراث در آینده باید مورد توجه قرار گیرد. (artical ISI. Heritage education for primary school children, (2012).

اهمیت آموزش میراث در شواهد بسیاری همانند نظریه‌ی سیاست‌های آموزشی در ابتدای قرن ۲۱ و کنفرانس‌های بین‌المللی درباره سیاست‌های فرهنگی توسط یونسکو (۲۰۰۴) قابل مشاهده است. در راستای این شواهد، دولت‌ها و سازمان‌های توسعه یافته، باید برنامه‌های آموزش میراث برای عموم مردم، بویژه کودکان را مد نظر قرار دهند. طبق نظریه منشور آتن، میراث فرهنگی را به کودکان آموزش دهید تا علاقه بیشتری در جهت حفظ این مدارک با اهمیت در سال‌های آینده ایجاد شود (۱۹۳۱، فصل ۷). اما متأسفانه تاکنون این امر به حد کافی مورد توجه قرار نگرفته است. برای نهادینه شدن فرهنگ حفاظت از میراث فرهنگی و طبیعی نیاز به تدوین کتاب آموزشی مخصوص با همکاری سازمان‌هایی چون آموزش و پرورش، محیط زیست و میراث فرهنگی است. بدین منظور، این بررسی حاکی از تأثیر گذار بودن کودکان آموزش دیده و خلاق در توسعه پایدار جوامع است.

نهادینه شدن فرهنگ حفاظت از میراث فرهنگی و طبیعی از نیازهای پایه و ضروری در ایران به شمار می‌رود. فرهنگی که باید از کودکی آموزش داده شود تا در ذهن و باور شهروندان نقش بنیاد و از نسلی به نسل دیگر منتقل شود. آموزش، معرفی و آگاه کردن نسل‌های مختلف نسبت به ارزش‌های میراث فرهنگی بهترین راه برای حفظ بناها و محوطه‌های تاریخی است (سیری در مبانی نظری مرمت، ۱۳۹۲).

لزوم حفاظت از بناهای تاریخی

میراث فرهنگی پشتوانه‌ای غنی از معنویت و هویت ملت‌ها و زیربنای فرهنگی جوامع قلمداد می‌شود. کشور ما ایران در رده بزرگترین کشورهای جهان با پیشینه‌ای پرپار است که محصول فعالیت آن، تمدنی عظیم با لایه‌های متفاوت و متنوع است. این تنوع مزموچی از آرمان‌های اعتقادی و فرهنگی است که اصول معرفت‌شناسی و عرفان در لایه‌های فرهنگی آن قابل بازشناسی است.

بناهای تاریخی همواره برای هر ملتی نمودی از فرهنگ و تمدن آن مردم در دوران گذشته است که برای آشنایی آیندگان با فرهنگ دیرینه هر تمدنی باید مورد حفاظت و مراقبت قرار گیرند. بناهای با ارزش تاریخی جزء منابع تجدیدنپذیر محسوب می‌شوند. از همین رو در سطح ملی، مدیریت آن‌ها از اهمیت والایی برخوردار است. زیرا در اثر غفلت، آثاری از دست خواهند رفت که تجدید آن‌ها محال است.

پیشینه‌ای چنین غنی مسئولیت خطیری را متوجه برنامه ریزان، مدیران و یکایک افراد جامعه می‌نماید و بی‌تردید مشارکت کلیه اقشار جامعه را در تحقق برنامه ریزی طلب می‌کند. اهداف مورد نظر زمانی جامعه عمل به خود می‌پوشاند که حس قرابت و فهم جامع و کامل بین مضمون آثار بر جای مانده و افراد جامعه برقرار گردد که در این ارتباط، رسانه‌های جمعی، نهادهای پژوهشی و تحقیقاتی و به ویژه مراکز آموزشی وظیفه‌ای خطیر بر عهده می‌گیرند که تعیین اهداف برای حفاظت در جهت استمرار و تداوم حیات این آثار ضرورتی اجتناب ناپذیر خواهد بود (مرادی، ۱۳۸۹: ۱۰۹).

چرا باید حفاظت را از کودکی بیاموزیم؟

علم روانشناسی با روش‌های مشاهده و تجربه ثابت کرده است که بهترین زمان برای تربیت و شکوفا کردن استعدادها، دوره کودکی و نوجوانی است. زیرا تمامی صفات اکتسابی و الگوهای رفتاری و عادات لازم در این زمان اخذ می‌شود و شخصیت واقعی کودک و نوجوان بر اساس همین عوامل شکل می‌گیرد (نساجی زاده، ۱۳۸۴). اولین آموزش‌ها را باید از کودکی آغاز کرد. مانند آموزش خوب زندگی کردن، خوب حرف زدن و در کل آموزش چگونه درست اندیشیدن را باید از همان روزهای نخست کودکی در نهاد کودک جای دهیم تا با رشد روحی و روانی و فیزیکی او این امر مهم نیز به تکامل برسد. یکی از راه‌های مهم برای رسیدن هر جامعه‌ای به اهداف بزرگ، سرمایه‌گذاری و آموزش کودکان،



به‌ویژه آشنا کردن آن‌ها با میراث فرهنگی است. کودکان به واسطه روحیه لطیف و همچنین قدرت یادگیری بالا از همان ابتدا می‌توانند نحوه برخورد صحیح با آثار و بناهای تاریخی را فراگیرند. درست است که سازمان میراث فرهنگی و گردشگری مسئولیت حفاظت از میراث فرهنگی و طبیعی را بر عهده دارد، اما در کشوری تاریخی مانند ایران که کمتر نقطه‌ای از آن وجود دارد که فاقد چنین میراثی باشد، گم‌کردن مأمور بر سر هر کوی و برزنی برای حفاظت امری نادرست و ناممکن است و نتیجه‌اش همان خواهد بود که امروز با آن روبرو هستیم. نهادینه شدن فرهنگ حفاظت از میراث فرهنگی و طبیعی از نیازهای پایه‌ای و ضروری در ایران به شمار می‌رود. فرهنگی که باید از کودکی آموزش داده شود تا در ذهن و باور شهروندان نقش ببندد و از نسلی به نسل دیگر منتقل شود. در تمامی کشورها مقطع ابتدایی مهم‌ترین مقطع تحصیلی به شمار می‌رود، دوره‌ای که پایه‌های شخصیت انسان در آن شکل می‌گیرد. در نتیجه تدوین درسی در زمینه میراث فرهنگی می‌تواند نقش به‌سزایی در ایجاد و توسعه فرهنگ حفاظت داشته باشد. تجربه اقدامات مشابه در زمینه‌های دیگر نشان داده است که نه تنها اثرات مثبت این آموزش‌ها در ذهن کودک نقش می‌بندد بلکه به واسطه آن‌ها والدین و سایر اعضای خانواده نیز آگاه شده و ملزم به رعایت می‌شوند (نامه نیوز).

روش‌های آموزش حفاظت از میراث فرهنگی به کودکان

روش‌های آموزش میراث می‌تواند مواردی چون برگزاری تورهای گردشگری و تجارب حفاری، اجرای نمایشنامه و سمینارهای مرتبط، برقراری کارگاه‌های گروهی شامل ساخت ماکت بناهای تاریخی، نقاشی بناها، ارائه قصه‌ها و کتاب‌های مربوط به آثار تاریخی و غیره باشد (ایسنا).

همانطور که روانشناسان کودک تأکید می‌کنند، کودکان در حین بازی، زندگی می‌کنند. خود را به جای شخصیت‌های داستان‌ها قرار می‌دهند و در دنیای خیالی خود سیر می‌کنند. برخی روش‌های آموزشی برای کودکان، کسل‌کننده است؛ پس باید راهکارهای جدیدی را برای آموزش حفاظت از میراث فرهنگی برای کودکان انتخاب نمود. در ادامه برخی از روش‌های موثر در آموزش کودکان به



اختصار شرح داده می شود.

۱- بازی گروهی: برای کودکان، بازی فقط یک تفریح نیست بلکه آن‌ها در حین بازی زندگی می‌کنند. بنابراین در حین بازی و تفریح با کودکان، به راحتی می‌توان مفاهیم حفاظتی را به آنان آموزش داد.

۲- ساخت کلاژ و نقاشی بناهای تاریخی: حافظه تصویری انسان و به خصوص کودکان بسیار قوی است. در نتیجه وقتی نقاشی می‌کشند و یا با استفاده از روش کلاژ تصویری را درست می‌کنند، در ذهنشان بهتر نقش می‌بندد. در نتیجه با نقاشی و تصویرسازی بناهای تاریخی می‌توان ذهنشان را آماده حفاظت از آثار کرد.

۳- ساخت ماکت بناها و باغ‌های ایرانی: ساخت کار دستی همواره برای کودکان و نوجوانان جذاب بوده است. در این روش می‌توان با ماکت سازی کودکان را با آثار منقول و غیر منقول آشنا کرد.

۴- قصه‌ها و کتاب‌های مربوط به آثار تاریخی: هر بنای تاریخی دارای سرگذشت جالب و شنیدنی است که در دل خود نگه داشته است. همچنین مردم محلی درباره‌ی هر بنای تاریخی افسانه‌هایی ساخته‌اند که سینه‌به‌سینه به نسل امروزی منتقل شده. می‌توان از این سرگذشت‌ها و افسانه‌ها الهام گرفت و آنها را با زبان ساده تبدیل به کتاب داستان کرد. می‌توان ضمن بازدید جمعی کودکان از بناها و محوطه‌های تاریخی، داستان‌های مربوط به بناها را توضیح داد و در خصوص حفاظت از این بناهای ارزشمند نیز تاکید کرد.

۵- نمایش میدانی و خیمه شب بازی با موضوع میراث فرهنگی: نمایش‌های میدانی و نمایش‌های عروسکی یکی از بهترین راه‌ها برای جلب نظر کودکان است. اغلب کودکان بعد از دیدن یک نمایش خود را در قالب شخصیت اصلی داستان قرار داده و سعی دارند از کارهای شخصیت‌های داستان

تقلید کنند. نمایشی که دربردارنده موضوع صیانت از بناها و آثار تاریخی باشد، می‌تواند تأثیر چشمگیری در آموزش کودکان داشته باشد.

راه‌های برانگیختن علاقه (انگیزه) برای یادگیری

۱- تجربه و تماس مستقیم با آموختنی؛

برای این منظور باید تلاش شود که کودک با آنچه را که می‌خواهد یاد بگیرد تماس پیدا کند و تجربه مستقیم و عملی داشته باشد. برای مثال در تورهای گردشگری، به همراه راهنما با کنترل مراقبت، به صورت مستقیم با بنا در تماس باشند. همچنین می‌توان آنها را در تجارب حفاری به صورت مستقیم با حفظ قوانین حفاظت دخیل نمود.

۲- کارهای هنری و ساخت صنایع دستی؛

همانطور که گفته شد می‌توان کارگاه‌هایی را برای کودکان جهت فعالیت‌های هنری بر قرار نمود. این فعالیت‌ها می‌تواند شامل نقاشی، ساخت ماکت از بناهای تاریخی و... برای جذب کودکان جهت آشنایی بیشتر آن‌ها با میراث تاریخی باشد.

۳- اجرای سمینارها و نمایش‌های مرتبط

یکی از بهترین روش‌ها برای برانگیختن علاقه کودکان به یادگیری، اجرای نمایش‌های جذاب و گیرا در زمینه حفظ میراث فرهنگی است. این نمایش‌ها می‌تواند به اشکال مختلف از جمله تئاتر، فیلم، کارتون و سریال‌های گیرا باشد. اجرای سمینارهای هفتگی و تشویق کودکان نیز می‌تواند در این زمینه موثر باشد.

نتیجه‌گیری

بناهای تاریخی همواره برای هر ملتی نمودی از فرهنگ و تمدن آن ملت در دوران گذشته است، که برای آشنایی آیندگان با فرهنگ دیرینه هر تمدنی باید مورد حفاظت و مراقبت قرار گیرند. هر بنای ارزشمندی فقط یک بار ساخته می‌شود و با نابودی آن تمام ارزش‌های موجود در بنا نیز از بین می‌رود. باید این موضوع را بدانیم که هیچگاه امکان بازیابی یک بنای تاریخی ارزشمند تخریب شده وجود ندارد. هنر معماری و یادگارهای آن امروزه به تدریج به دست فراموشی سپرده می‌شود، اما دانستن این نکته ضروری است که روزی این بناها جزء جدایی‌ناپذیر زندگی ما بوده‌اند. در راه حفظ بناهای تاریخی و ارزشمند خود، نخست باید قدمی در راه آموزش عمومی برداریم که در این میان آموزش به کودکان به عنوان نسل آینده ما جایگاه ویژه‌ای دارد. در این مقاله به نقش کودکان به عنوان نقشی مرکزی و فعال در صیانت از داشته‌های فرهنگی جامعه امروزی اشاره شد. برای رسیدن به این هدف، والدین، ارگان آموزشی جامعه، فعالین حوزه میراث فرهنگی و دیگر افراد جامعه می‌توانند کمک قابل توجهی داشته باشند و در کنار کودکان قدم در راه حفاظت از آثار تاریخی و فرهنگی بردارند. ما برای اینکه بتوانیم سطح آگاهی عمومی را در برخورد با موارث خود بالا ببریم، باید از کودکان آغاز کنیم و همانطور که گفته شد آموزش به کودکان شیوه خاص خود را می‌طلبد که باید با تغییر برخی از روش‌های آموزشی به سمت این هدف حرکت نماییم.

منابع

- محمد مرادی، اصغر؛ دوازده درس مرمت؛ ۱۳۸۹؛ ص ۱۰۹
حسینی، سید مهدی؛ سیری در مبانی نظری مرمت؛
۱۳۹۲؛ ص ۱۸
منشور آتن، فصل ۱۹۳۱.۷
نامه نیوز
ایسنا

articales ISI. Heritage education for primary school .
۲۰۱۲. children



فيلم مردان آثار تاریخی



علی فیضی،
دانشجوی کارشناسی ارشد
سینما دانشگاه هنر

کردن را دارد. حتی در کنار این موضوع، در مواردی هم تلاش شده تا با شمایل ژانر جنگی شوخیهایی صورت گیرد که این هم از موارد موفق در فیلم مردان آثار تاریخی بوده است.

برای مثال، میتوان به صحنه‌ای اشاره کرد که گروه مذکور در شروع مأموریت خودشان به ساحل نرماندی می‌رسند. لحظه رسیدن آنها به ساحل، به نوعی هجو سکانس اولیه فیلم «نجات سرخوخه رایان» است. از چنین شوخیهای فرامتنی در فیلم کم نیست. اما به هر حال بار جذابیت را شوخیهای کلامی و بعضی صحنه‌های (کمدی موقعیت) بر عهده داشته‌اند.

نداشتن تعلیق، ضعف ساختار دراماتیک و قابل پیش بینی بودن داستان هم از جمله ضعفهای بزرگی است که در فیلمنامه این فیلم وجود داشته و مانع این شده تا اثر، به فیلم خوبی تبدیل شود. در سکانس پایانی فیلم، هنگامی که خبرنگاری از فرمانده عملیات با بازی جورج کلونی سوال میکند که آیا پیدا کردن این آثار ارزش این را داشت تا یکی از اعضای گروه کشته شود و فرد دیگری هم نقص عضو گردد؟ و فرمانده در پاسخ با شوری حماسی پاسخ میدهد که بله و اگر فرد کشته شده اکنون اینجا می‌بود، حتما با من هم عقیده بود. اما مشکل اصلی فیلم در همین جاست که به قدری در همراه کردن مخاطب با خود ضعیف است که نه تنها کشته شدن عضو گروه خیلی تاثیر گذار نیست؛ بلکه پیدا شدن مجسمه (مدونینا) و دیگر اشیای مفقوده هم خیلی توفیری به حال ما ندارد. شاید بهتر می‌بود این فیلم که از نظر محتوا و مضمون بسیار با ارزش است، تلاش می‌کرد با ساختاری تکنیکی و فرمی حرفه‌ای‌تر ادای دین بهتری میبود برای چنین واقعه‌ی تاریخی‌ای، واقعه‌ای که خواندندش در تاریخ نشان می‌دهد که همواره مستبدان و دیکتاتورها، بیش از هر چیزی نابودی یک فرهنگ برایشان مهم بوده و هست.

برای نابودی هر سرزمینی، کافی است که تنها فرهنگ آن را نابود کنید. این شیوه‌ای است که همواره بسیاری از جاه طلبان و جهان گشایان در جنگها، آن را دستور کار خود قرار میدهند. کافی است که به رفتار «داعش» با آثار باستانی کشورهای سوریه و عراق در چند سال اخیر نگاهی بیندازیم. جالب است که در سال ۱۹۴۳ هم، «آدولف هیتلر» حین تلاش برای سیطره یافتن بر قاره سبز قصد داشت که با غارت کردن موزه‌های کشورهایی چون پاریس و بلژیک، دست به چپاول فرهنگی آنان نیز بزند.

داستان فیلم «مردان آثار تاریخی» دقیقا از چنین زمانی آغاز می‌شود. موزه‌های اروپا یکی یکی توسط نازی‌ها خالی می‌شوند و حالا، عده‌ای از گالری دارها و کارشناسان آثار تاریخی در آمریکا تصمیم میگیرند تا با تشکیل گروهی، به اروپا رفته و مانع از بین رفتن این آثار با ارزش بشوند. این فیلم به کارگردانی جورج کلونی و در سال ۲۰۱۴ ساخته شده است و بار دیگر شاهد به هم رسیدن بازیگرانی چون خودش، مت دیمون و کیت بلانشت در این اثر هستیم. مردان آثار تاریخی بر اساس یک واقعه تاریخی ساخته شده است و به همین دلیل، یک (داکیودراما) محسوب می‌شود. چنین گروهی در سال ۱۹۴۳ میلادی برای بازپس گیری آثار تاریخی ربهوده شده توسط سربازان هیتلر تشکیل شده بود و جورج کلونی، با ساخت این فیلم کمدی/جنگی، تلاش کرده تا به آن‌ها ادای دینی بکند.

اگرچه جورج کلونی به‌عنوان کارگردان این اثر که با همکاری «گرانته هسلو» فیلمنامه‌هاش را هم نوشته است، نهایتا یک (کمدی استودیویی) نسبتا خوش ساخت نتیجه کارش بوده است؛ اما مردان آثار تاریخی بدلیل نوع نگاهش به فرهنگ، آثار هنری و تاریخی و نهایتا میراث فکری بشریت فیلمی است که ارزش تماشا

گاهی به سادگی از کنار بناهای تاریخی ایران می‌گذریم بدون آنکه این بناها را دیده باشیم و حضور آنها را لمس کرده باشیم. این مسئله به دلایل متعددی از جمله عدم رعایت حریم منظری و خط آسمان، نماهای ناسازگار، الحاقات ناموزون و... رخ می‌دهد. این بخش از نشریه شامل تصاویر نقض حریم منظری و بی توجهی به بناها و بافت‌های تاریخی ایران است.





بافت بندرلنگه، مرگان ربانی



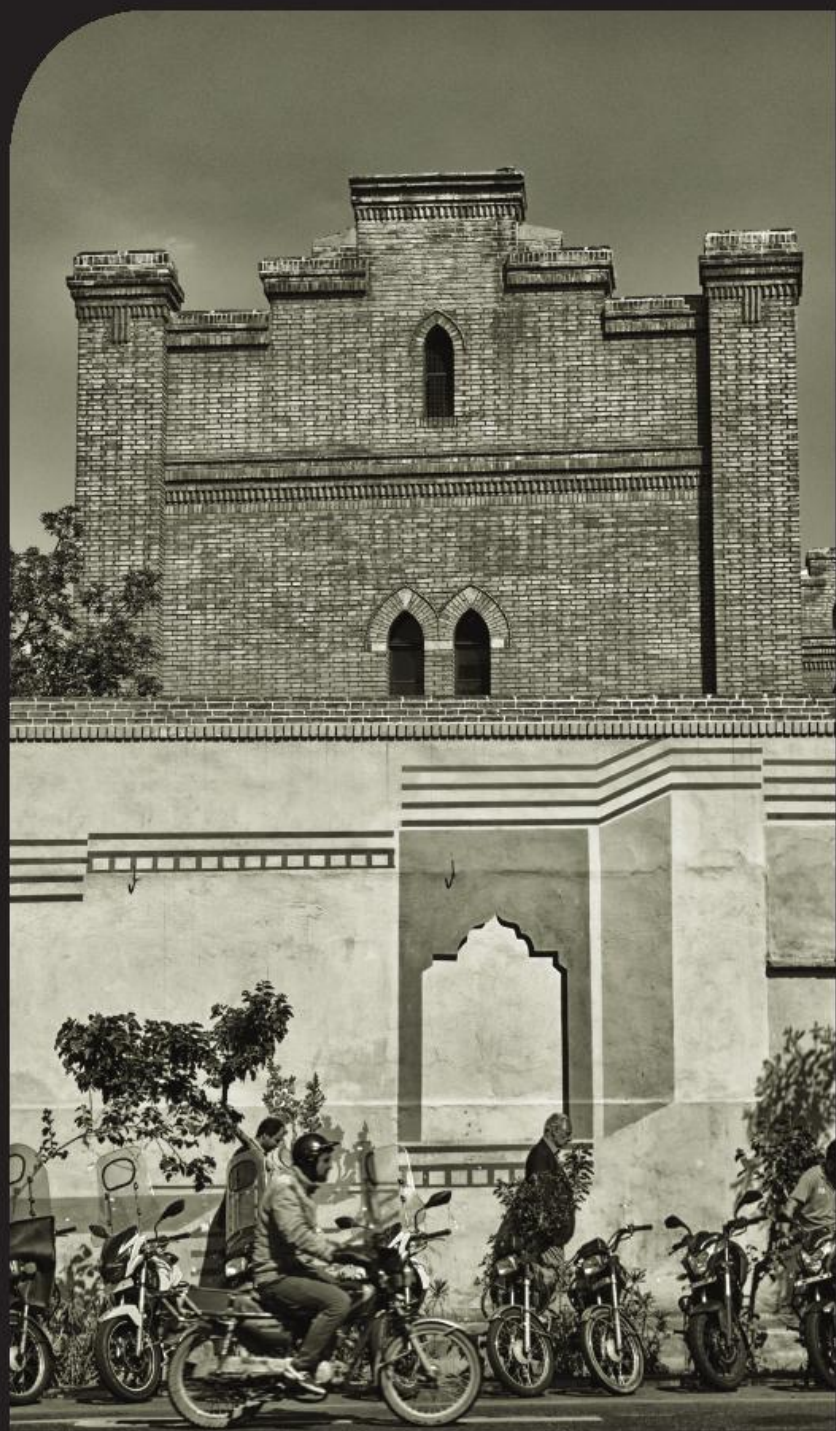
وضعیت حریم منظری تنها بادگیر چپقی ایران، مرگان ربانی



وضعیت حریم منطری میدان حسن ایاد تهران . حناه تاج احمدی



خانه مقدم. حسن کلی



یافت منطقه ۱۲. تهران. حسن کلی



تهران، خیابان حافظ، خیابان سرهنگ سخایی، شماره ۵۶
تلفن (مستقیم): ۶۶۷۲۹۴۷۶ | ۵-۱ | ۶۶۷۲۳۴۰ داخلی ۳۱۹
صندوق پستی: ۶۵۵-۱۱۱۵۵ | رایانامه: prn@art.ac.ir
No. 56, Sakhai ST, Hafez ave, Tehran 1136813518, Iran
Tel. +98 21 66733401_5, Fax: +98 21 66727944
E-mail: international_office@art.ac.ir | www.art.ac.ir

هورنو

@Hornomagazine
Hornomagazine1396@gmail.com
+98 (021) 66477859